

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن

راهنمای معلم

پایه نهم
دوره اول متوسطه



دانلود سوالات آزمون

راهنمای کامل آزمون

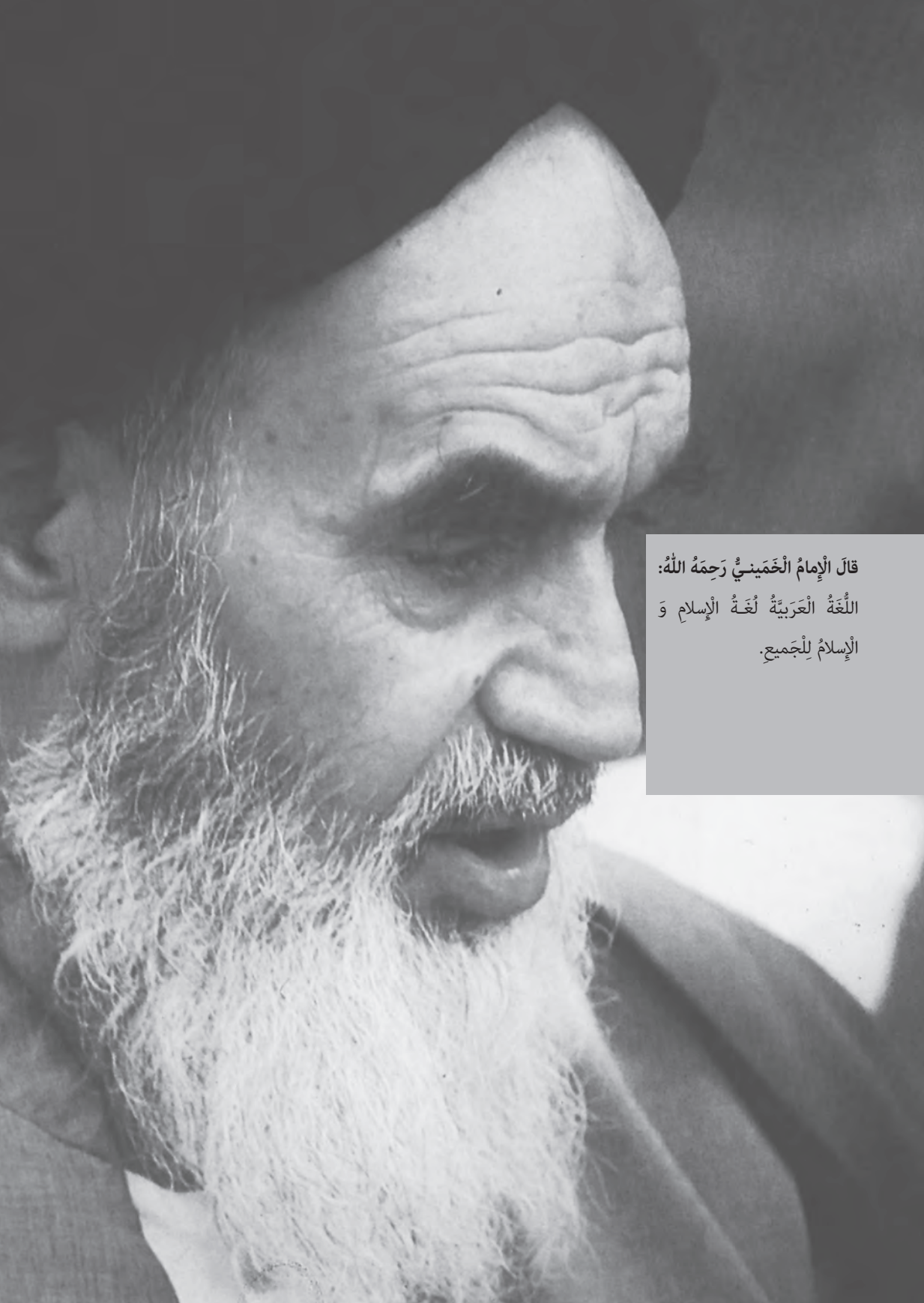


وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

نام کتاب:	راهنمای معلم عربی، زبان قرآن - پایه نهم دوره اول متوسطه - ۹۷۸۱
پدیدآورنده:	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف:	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف:	حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، علی چراغی، اباذر عیاجی، حمید محمدی، فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی و تألیف) عادل اشکیوس (مؤلف)
مدیریت آماده‌سازی هنری:	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی:	احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صغری (مدیر هنری) - مهلا مرتضوی (صفحه‌آرا) - فاطمه‌صغری ذوالفقاری، سیما لطفی، فاطمه پزشکی و راحله زادفتح‌اله (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان:	تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۹۲۶۶-۸۸۳۰، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹ وبگاه: www.chap.sch.ir و www.irtextbook.ir
ناشر:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه:	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ:	چاپ اول ۱۴۰۱

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۳۵۰۸-۰

ISBN: 978-964-05-3508-0



قَالَ الْإِمَامُ الْخَمِينِي رَحِمَهُ اللَّهُ:
اللُّغَةُ الْعَرَبِيَّةُ لُغَةُ الْإِسْلَامِ وَ
الْإِسْلَامُ لِلْجَمِيعِ.

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

فهرست

مقدمه

بخش اول: اهداف کلی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی	۱
بخش دوم: روش ها و منابع یاددهی-یادگیری	۵
بخش سوم: طرح درس	۹
بخش چهارم: بارمبندی و نمونه سؤالات امتحان استاندارد	۱۳
بخش پنجم: توضیحات مشترک در تدریس همه درس های کتاب	۲۷
بخش ششم: محتوای کتاب عربی پایه نهم و چگونگی آموزش درس ها	۴۳
الدَّرْسُ الْأَوَّلُ ۱	۴۴
الدَّرْسُ الثَّانِي ۲	۵۴
الدَّرْسُ الثَّلَاثُ ۳	۶۶
الدَّرْسُ الرَّابِعُ ۴	۷۷
الدَّرْسُ الْخَامِسُ ۵	۸۹
الدَّرْسُ السَّادِسُ ۶	۹۹
الدَّرْسُ السَّابِعُ ۷	۱۰۸
الدَّرْسُ الثَّامِنُ ۸	۱۲۰
الدَّرْسُ التَّاسِعُ ۹	۱۳۱
الدَّرْسُ الْعَاشِرُ ۱۰	۱۳۹

مقدمه

خدا را سپاس که به ما توفیق دوباره داد؛ تا با نگارش سومین کتاب عربی، زبان قرآن به نوجوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی کرده باشیم.

در اصل شانزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است:

«از آنجا که زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی عربی است و ادبیات فارسی کاملاً با آن آمیخته است؛ این زبان باید پس از دوره ابتدایی تا پایان دوره متوسطه در همه کلاس‌ها و در همه رشته‌ها تدریس شود».

در «برنامه درسی ملی» نیز در مورد قلمرو حوزه درس عربی چنین آمده است:

«...آشنایی با زبان عربی و مشخصاً مهارت‌های چهارگانه زبانی، یعنی خواندن، گوش کردن، نوشتن و سخن گفتن در این حوزه به میزانی است که دانش‌آموز را در درک معنای آیات قرآن کریم، کلام معصومین و متون دینی و فرهنگ اسلامی کمک کند و در تقویت زبان فارسی او مؤثر باشد».

در «برنامه درسی عربی» نیز درباره رویکرد و شیوه نگارش کتاب درسی چنین آمده است:

۱ رویکرد «پرورش مهارت‌های زبانی به منظور فهم عبارات و متون اسلامی و کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی» و حاکمیت بخشی درک مطلب، کاربرد واژگان و متن محوری به جای قاعده‌محوری.

۲ کاستن از حجم قواعد و چشم‌پوشی از قواعدی که امکان نادیده گرفتن آنها در این فرایند آسیمی به رویکرد فهم عبارت و متن وارد نمی‌سازد. در عوض توجه بیشتر به متن و واژگان پرکاربرد و کلیدی.

شایستگی مورد نظر برنامه درسی عربی از دانش‌آموزان:

برنامه درسی زبان عربی انتظار دارد دانش‌آموزان بتوانند در پایان دوره اول متوسطه به فهم عبارات کوتاه و ساده به کار رفته در متون دینی و ادبی و در پایان دوره دوم به فهم ساختارها و متونی با گستردگی بیشتر نسبت به دوره اول دست یابند. دانش‌آموز در دوره اول متوسطه ۸۱۸ واژه پرکاربرد زبان عربی را یاد می‌گیرد. این واژه‌ها افزون بر اینکه در زبان عربی پربسامدند، در متون دینی و ادبی ما نیز کاربرد فراوان دارند.

بخش اوّل

اهداف کلّی برنامه درسی عربی و شبکه مفهومی

شبکه مفهومی کتاب‌های عربی، زبان قرآن دوره اول متوسطه

موضوع	پایه	هفتم	هشتم	نهم
واژگان ^۱		آموزش ۳۵۴ کلمه و اصطلاح پرکاربرد و ساده	آموزش ۲۲۴ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده ^۲ و تکرار واژگان پایه هفتم	آموزش ۲۳۸ واژه و اصطلاح پرکاربرد و ساده ^۳ و تکرار واژگان پایه هفتم و هشتم
ساختار ^۴		■ اسم اشاره ^۵ ■ فعل ماضی ^۶ ■ ادوات استفهام ^۷ ■ اسم از نظر عدد و جنس ^۸ ■ اعداد اصلی یک تا دوازده ^۹ ■ ضمائر منفصل و متصل ^{۱۰}	■ فعل مضارع ^{۱۱} ■ بقیه ادوات استفهام (لماذا، متی، کیف) ^{۱۲} ■ اعداد ترتیبی یکم تا دوازدهم ^{۱۳} ■ فعل مستقبل ^{۱۴}	■ فعل امر ■ فعل نهی ^{۱۵} ■ معادل ماضی استمراری ■ ترکیب اضافی و وصفی ^{۱۶} ■ ساعت خوانی ■ وزن و حروف اصلی

۱. کلماتی مانند کاتب، مکتوب، مکتبه، مکتب و مکاتبه که یک مدخل واژگانی مشترک دارند؛ در شمارش واژگان چند واژه محسوب می‌شوند و این حتی در صورتی است که قواعد مربوط به آنها را دانش‌آموز فراگرفته باشد. همچنین کلماتی مانند: (وَ، قَ، لَ، بِ، فِ، مِنْ، لَا و ...) که بسیار ساده‌اند؛ در شمارش واژگان محسوب می‌شوند. در گزینش واژگان کلمات پربسامد مد نظر است. از به کارگیری واژگان کم‌کاربرد پرهیز می‌گردد. واژه‌های استفاده شده به اندازه کافی در دروس مختلف یک پایه و نیز در پایه‌های بعد تکرار می‌گردند، تا ملکه ذهن دانش‌آموز شود.

۲. واژگان مشترک در هر دو زبان به عنوان واژگان جدید محسوب نمی‌شوند؛ مانند: کتاب، دفتر، قلم، مدرسه، معلم. اما واژگانی مانند «عامل» که در هر دو زبان به کار می‌رود؛ ولی معنای متفاوت از هم دارند و در کتاب درسی به معنای «کارگر» می‌آید، به عنوان واژگان جدید است.

۳. در گزینش واژگان به پربسامد بودن آن در قرآن، متون معارف اسلامی و زبان و ادبیات فارسی توجه لازم می‌شود.

۴. در بخش ساختار، هدف فهم عبارت است.

۵. اسم اشاره به نزدیک و دور همراه مشار الیه. اسم اشاره مثنای دور تدریس نمی‌شود.

۶. هدف، تنها شناخت فعل ماضی است و ساخت آن مدنظر نیست.

۷. هل، این، من، ما، کم (بقیه کلمات پرسشی در پایه هشتم تدریس شده است).

۸. مفرد، مثنی و جمع مذکر سالم، جمع مؤنث سالم، جمع مکسر. در بحث جنس تنها به تاء تأنیث اشاره می‌شود.

۹. بدون توجه به قواعد عدد و معدود و در حد واژگان جدید. در شیوه تألیف، تدریس و ارزش‌یابی اعداد اصلی و ترتیبی از پاره‌ای قواعد که تجربه نشان داده است یادگیری را دچار اشکال جدی می‌نماید صرف نظر می‌شود؛ مانند ذکر ویژگی‌های معدود ۳ تا ۱۰ - یا ۱۳ تا

۱۹ و عدهای اصلی صرفاً به صورت معروف (مذکر) در تمرین و به دنبال آن در ارزش‌یابی می‌آید.

۱۰. تنها دانستن معنای ضمائر و شناخت و تشخیص آنها کافی است.

۱۱. هدف، شناخت فعل مضارع است و ساخت آن مد نظر نیست.

۱۲. کلمه پرسشی گم در پایه هفتم در کنار بحث اعداد یک تا دوازده تدریس شده است.

۱۳. بدون توجه به قواعد عدد و معدود و در حد واژگان جدید

۱۴. تشخیص معنای س و سوف

۱۵. در امر و نهی فقط صیغه‌های مخاطب تدریس می‌شود.

۱۶. در حد فهم معنا و بدون رویکرد قاعده‌ای. ساخت این ترکیب‌ها مدنظر نیست.

متون	■ عددهای اصلی؛ ■ رنگ‌های اصلی؛ ■ روزهای هفته؛ ■ آیات قرآن مجید؛ ■ احادیث؛ ■ فصل‌ها.	■ داستان کوتاه؛ ■ دوستیابی؛ ■ اعتماد به نفس؛ ■ ارزش‌ها و فرهنگ جامعه؛ ■ آیات قرآن؛ ■ احادیث؛ ■ ترجمه داشتن (عندی...).	■ شعر عربی؛ ■ داستان کوتاه؛ ■ ضرب‌المثل؛ ■ آداب و مهارت‌های زندگی؛ ■ در مراکز زیارتی و دیدنی؛ ■ آیات قرآن؛ ■ احادیث.
مکالمه (هدف اصلی نیست.)	■ سلام و احوال‌پرسی؛ ■ آشنایی با همدیگر؛ ■ خداحافظی؛ ■ تعارفات؛ ■ در شهرهای زیارتی؛ ■ در بازار؛ ■ پرسش از جای چیزی یا کسی. ■ آدرس پرسیدن؛ ■ پرسش از ماهیت چیزی و نحوه پاسخ بدان؛ ■ پرسش از کیستی و پاسخ به آن و معرفی خود؛ ■ پرسش از رنگ.	■ معرفی افراد به همدیگر؛ ■ وعده‌های غذایی؛ ■ پرسش از زمان و پاسخ بدان (اوقات شبانه روز، ماه و...) ■ پرسش از علت چیزی و پاسخ بدان؛ ■ پرسش از چگونگی کاری یا چیزی؛ ■ مشاغل و پرسش از شغل.	■ نحوه درخواست؛ ■ بازداشتن کسی از کاری؛ ■ احترام به قوانین جامعه مانند راهنمایی و رانندگی؛ ■ در سفر زیارتی.

همه آیات و احادیث برگزیده از نظر واژگانی و ساختاری، فراخور آموخته‌های دانش‌آموز همان پایه است.

بخش دوم

روش‌ها و منابع یاددهی — یادگیری

(الف) اصول یاددهی — یادگیری

- ۱ اصول یاددهی — یادگیری به گونه ای سامان داده می شود که:
 - ۱ آموزش به صورت فعال و با مشارکت گروهی دانش آموزان اجرا شود.
 - ۲ چگونه آموختن و چگونه اندیشیدن و چگونه به حل مسئله پرداختن به دانش آموز، آموزش داده شود.
 - ۳ معلّم برای اطمینان یافتن نسبت به اعتبار فرایند یاددهی — یادگیری افزون بر ارزشیابی دانش آموزان نسبت به ارزشیابی از فعّالیت های خود مبادرت ورزد.
 - ۴ آموزش زبان عربی با هدف پرورش مهارت های زبانی صورت می گیرد. در این میان، نقش ترجمه و فهم عبارات و متون برجسته می شود. در دوره اول متوسطه هدف آن است که دانش آموز درست بخواند و معنای فارسی عبارات عربی را بفهمد.
 - ۵ در شیوه های نوین آموزش عربی به مهارت خواندن و شنیدن توجّه بیشتر می شود.
 - ۶ سنجش مهارت های زبانی بر این مبنا صورت می گیرد:
- روان خوانی، ترجمه عبارات از عربی به فارسی، یادگیری عبارات و مصطلحات پربسامد و مهمّ زبان عربی برای تقویت مهارت سخن گفتن (به صورت پرسش و پاسخ میان دبیر و دانش آموز یا در میان دانش آموزان) در مورد مهارت نوشتن از آنجاکه الفبای فارسی و عربی تقریباً یکی است؛ ارجاع به وجوه تمایز و اختلافات املایی کفایت می کند.

(ب) شیوه ها و فعّالیت های مناسب یاددهی — یادگیری

- اصول کلی شیوه های یاددهی — یادگیری عبارت اند از:
- **قرائت:** در درس عربی روخوانی جایگاه خاصی دارد؛ از این رو، معلّم باید از توانایی درست خوانی و روان خوانی برخوردار باشد، تا بتواند متناسب با رویکرد اهداف و اصول برنامه، آموزش دهد.
 - **ترجمه:** با توجّه به اهمّیّت ترجمه در اهداف آموزش زبان عربی لازم است از الگوها و روش هایی مؤثر برای آموزش ترجمه بهره گرفته شود. گاهی استفاده از زبان فارسی در تفهیم مطالب، کارساز است؛ مانند تطبیق انواع فعل در فارسی و عربی، به همین منظور بخش فنّ ترجمه به منظور آموزش مفاهیم بنیادین فنون ترجمه در کتب درسی می آید.
 - **قواعد:** قواعد کاربردی به عنوان اصلی اساسی مورد توجّه برنامه ریزان، مؤلفان و معلّمان قرار می گیرد. در تدریس توجّه به قواعد کاربردی و یافتن شاهد از متن مورد تأکید است. در این باره، شایسته و بایسته است که:

- ۱ از تأکید بر حفظ قواعد پرهیز شود.
- ۲ الگوی دانش آموز محور اتخاذ شود.
- ۳ بر روش های اکتشافی و پرسش و پاسخ در این بخش، بر یادگیری تأکید شود.
- ۴ به آموخته های پیشین دانش آموزان توجه شود.
- ۵ قواعد عربی به دستور زبان فارسی پیوند بخورد و آموزش قواعد برای فهم بهتر بومی سازی شود.
- ۶ پاره ای از مباحث دستوری تأثیر چندانی در دریافت معنا ندارند؛ لذا برخی از قواعد حذف می شود.
- ۷ از آنجا که رویکرد کتاب های جدید عربی بر پایه مهارت های چهارگانه زبانی و متن محور است؛ قواعد باید خدمتگزار فهم عبارات و متون باشند.
- ۸ **تمرین ها:** پاسخ به تمرینات هر درس، نشانگر میزان موفقیت معلم و دانش آموز در فرایند یاددهی-یادگیری است؛ لذا اتخاذ روش های فعال و مشارکتی در انجام تمرینات امری گریزنناپذیر است. معلم در این بخش، نقش راهنما را ایفا می کند.

ارتباط افقی برنامه با سایر حوزه های یادگیری

- در میان دروس دوره متوسطه، درس زبان عربی با دروس ذیل پیوند یا همانندی بیشتری دارد:
- ۱ قرآن و دینی
 - ۲ زبان و ادبیات فارسی
 - ۳ زبان انگلیسی
- ارتباط این دروس با درس زبان عربی از نوع نظری، یا عملی است که ذیل به آنها اشاره خواهد شد.
- ۱ **قرآن و دینی:** از برنامه درسی قرآن و دینی انتظار می رود:
 - توانایی لازم برای درست خوانی و روان خوانی را طی آموزش قرآن در دوره ابتدایی ایجاد کند.
 - در زمینه ترجمه و درک و فهم آیات قرآن کریم دقت شود آنجا که دریافت معنا وابسته به یادگیری ساختارهای ادبی جمله است، بستر این موضوع پیش از درس قرآن در درس زبان عربی فراهم شده باشد؛ به عنوان نمونه، می توان به انواع فعل اشاره کرد.
 - به هنگام استشهاد به آیات، احادیث و روایات به آموخته های عربی دانش آموزان توجه شود.
 - در محدوده قواعد صرفی و نحوی و فنون ترجمه که مربوط به درس عربی است، دخالت نشود و درس آموزش قرآن وظیفه اصلی و مقدس قرائت صحیح را برعهده گیرد.

■ در نگارش کتاب‌های نونگاشت به‌متون موجود در کتب عربی توجه شود که همزمان در کتاب عربی و دینی و قرآن یا ادبیات تکرار نشود.

۲ ■ **زبان و ادبیات فارسی:** از برنامه درسی زبان و ادبیات فارسی انتظار می‌رود:

■ بر اهمیت زبان عربی به‌عنوان زبان دین و فرهنگ اسلامی طی متونی در کتاب درسی تأکید ورزد.

■ نسبت به لزوم یادگیری زبان عربی در جهت فهم عمیق‌تر و مؤثرتر زبان و ادب فارسی تأکید کند.

■ در بیان پیوند میان دو زبان و اهتمام ایرانیان به زبان و ادبیات عربی، نمونه‌هایی از اشعار ملمّع شاعران و شاهکارهای ادبی نثرنویسان ایرانی به زبان عربی را در محتوای آموزشی بگنجاند.

۳ ■ **زبان انگلیسی:** از برنامه درسی زبان انگلیسی انتظار می‌رود در بخش دستور زبان به کتب دستور زبان فارسی و بخش قواعد عربی مراجعه کند، تا در صورت امکان در تقدیم و تأخر برخی نکات اقدام کند. مثلاً، بحث معلوم و مجهول یا جمله شرطی، ترکیب اضافی و وصفی، ضمائر مفعولی و بسیاری از بحث‌های دیگر در هر سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی مشترک است. همچنین توجه به متونی که در هر سه کتاب آمده است. شایسته است متون این کتاب‌ها تکراری نباشد. همچنین از آنجا که عربی، انگلیسی و فارسی سه زبان هستند؛ همکاری و تبادل تجربیات به لحاظ همانندی گروهی میان این سه گروه لازم است. این سه گروه می‌توانند تجربه‌های سودمندشان را در زمینه شیوه‌های نوین و کارآمد در اختیار همدیگر بگذارند؛ زیرا شبیه‌ترین گروه‌های درسی به یکدیگرند.

بخش سوم

طرح درس

طرح درس روزانه پیشنهادی – کتاب عربی، زبان قرآن پایه نهم

تاریخ:		نام مدرسه:		
درس: دوم	موضوع درس: اَلْعُبُورُ اَلْاَمِنُ	صفحه: ۲۱ تا ۳۶	مدت: ۷۵ دقیقه	تهیه کننده:
الف) بخش نظری: اهداف				
۱	رئوس مطالب	متن درس، کلمات جدید، تشخیص حروف اصلی کلمات صحیح و سالم تشخیص وزن کلمات صحیح و سالم، یادآوری کلمات پایه هفتم و هشتم		
۲	هدف های درس	۱ دانستن واژه های جدید درس از عربی به فارسی ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس ۳ تشخیص حروف اصلی در کلمات صحیح و سالم ۴ تشخیص وزن کلمات دارای حروف اصلی صحیح و سالم ۵ ذکر کلمات هم خانواده با استفاده از قاعده حروف اصلی و وزن ۶ درست نویسی با استفاده از شناخت ریشه کلمات ۷ اصلاح املاي نادرست کلمات دارای ریشه عربی ۸ اهميت مقررات راهنمایی و رانندگی.		
۳	ارزش یابی تشخیصی	نتایج ارزش یابی زیر نقطه شروع آموزش را مشخص می کند. ۱ بن ماضی و مضارع در زبان فارسی چیست؟ ۲ چرا در زبان فارسی کلماتی مانند عالم، معلوم، تعلیم و علیم را هم خانواده می نامند؟ (چه ویژگی ای باعث شده که آنها را هم خانواده بنامند؟) ۳ دانستن هم خانواده های یک کلمه، چه کمکی به املاي دانش آموز می کند؟		
	نتیجه	در صورت پاسخ به این سوالات، فراگیران آماده یادگیری مطالب جدید خواهند بود.		

لازم به ذکر است اغلب معلمان توانا پس از چند سال تدریس عملاً طرح درس را در ذهن خود دارند. نوشتن طرح درس به منظور ساماندهی به روش تدریس و استفاده از تجربیات دیگران است. همچنین در طرح درس باید به ارزش یابی مستمر و دریافت بازخورد از یادگیری دانش آموز که در چنین آموزشی روی می دهد توجه شود. از آنجا که ترجمه متون و عبارات برعهده دانش آموز است، در مواردی که دچار بدفهمی می شود، معلم مشکلات یادگیری اش را کشف و آن را اصلاح می کند.

جدول زمان بندی سالانه پیشنهادی «عربی، زبان قرآن» پایه نهم

ماه	هفته	جلسه	تاریخ	درس	فعالیت
مهر	اول	۱		۱	معارفه و تدریس احتمالی درس اول
	دوم	۲		۱	پرسش شفاهی، تدریس درس اول
	سوم	۳		۱	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس اول
	چهارم	۴		۲	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس دوم
آبان	اول	۵		۲	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دوم
	دوم	۶		امتحان	امتحان از درس اول و دوم
	سوم	۷		۳	پرسش شفاهی، تدریس درس سوم
	چهارم	۸		۳	آزمون کتبی کوتاه، ادامه تدریس درس سوم
آذر	اول	۹		۴	پرسش شفاهی، تدریس درس چهارم
	دوم	۱۰		۴	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس چهارم
	سوم	۱۱		۵	پرسش شفاهی، تدریس درس پنجم
	چهارم	۱۲		۵	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس پنجم
دی	اول	۱۳		آزمون شفاهی	امتحان شفاهی
	دوم	۱۴		امتحانات	برگزاری امتحانات نوبت اول
	سوم	۱۵		امتحانات	ادامه برگزاری امتحانات نوبت اول
	چهارم	۱۶		۶	پرسش شفاهی، تدریس درس ششم

نیمسال دوم	بهمن	اؤل	۱۷		۶	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس ششم
		دوم	۱۸		۷	پرسش شفاهی، تدریس درس هفتم
		سوم	۱۹		۷	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هفتم
		چهارم	۲۰		۸	آزمون کتبی کوتاه، تدریس درس هشتم
	اسفند	اؤل	۲۱		۸	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس هشتم
		دوم	۲۲		امتحان	امتحان درس ششم تا هشتم
		سوم	۲۳		دوره	دوره درس اؤل تا هشتم
		چهارم	۲۴		دوره	تعطیلی احتمالی یا دوره درس اؤل تا هشتم
	فروردین	اؤل	۲۵		—	تعطیل عید نوروز
		دوم	۲۶		—	تعطیل عید نوروز
		سوم	۲۷		۹	پرسش شفاهی، تدریس درس نهم
		چهارم	۲۸		۹	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس نهم
	اردیبهشت	اؤل	۲۹		۱۰	پرسش شفاهی، تدریس درس دهم
		دوم	۳۰		۱۰	پرسش شفاهی، ادامه تدریس درس دهم
		سوم	۳۱		شفاهی	آزمون شفاهی (قرائت و مکالمه)
		چهارم	۳۲		امتحان	حلّ نمونه سؤال امتحان پایان سال

بخش چهارم

بارم‌بندی و نمونه سؤالات امتحان استاندارد

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن – پایه نهم نوبت اول (از درس اول تا پایان درس پنجم)
 ۱۵نمره

دوره اول متوسطه – سال تحصیلی

مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نمره	جمع
مهارت ترجمه	۱	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۴	۴/۵ نمره
	۲	برگزیدن گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
مهارت واژه‌شناسی	۳	مترادف و متضاد	۰/۵	۱/۵ نمره
	۴	نوشتن معنای دو کلمه مشخص شده در جمله	۰/۵	
	۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چهار گزینه	۰/۲۵	
	۶	نوشتن مفرد یا جمع اسم	۰/۲۵	
مهارت کاربرد قواعد	۷	تعیین سه حرف اصلی کلمه، تعیین وزن کلمه، نوشتن کلمه با سه حرف اصلی، ترجمه کلمه‌ای بر وزن فاعِل یا مفعول	۱	۷ نمره
	۸	تعیین فعل ماضی مناسب در جای خالی جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۰/۵	
	۹	تعیین فعل مضارع مناسب در جای خالی جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۰/۵	
	۱۰	تشخیص فعل امر مناسب در جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۱/۵	
	۱۱	تشخیص فعل نهی مناسب در جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۱	
	۱۲	ترجمه فعل‌های امر، نهی، ماضی، مضارع، نفی و مستقبل در جمله با فعل‌های ساده‌ای مانند فَعَلَ، خَرَجَ، دَخَلَ، صَبَرَ، نَظَرَ، لَعِبَ، شَكَرَ و كَتَبَ	۲	
	۱۳	قواعد کلمات پرسشی (مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله پرسشی مصور؛ با «لماذا، متى، كيف، هل، أ، أين، من أين، من، لمن، ما، ماذا، كم»	۰/۵	
مهارت درک و فهم	۱۴	پرسش جورکردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب پرشود. یا پرکردن جای خالی جمله با گزینه مناسب یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱	۲ نمره
	۱۵	(درک مطلب) ارائه متن و طراحي چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس مفهوم یا ارائه متن به همراه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس متن یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱	
جمع نمره			۱۵	

بارم‌بندی امتحان کتبی عربی، زبان قرآن – پایه نهم نوبت دوم از ۱۵ نمره

دوره اول متوسطه

مهارت‌های زبانی	شماره	موضوع	نمره	جمع
مهارت ترجمه	۱	ترجمه جمله‌های عربی به فارسی	۴	۴/۵ نمره
	۲	برگزیدن گزینه درست در ترجمه جمله عربی به فارسی (دو جمله)	۰/۵	
مهارت واژه‌شناسی	۳	مترادف و متضاد	۰/۵	۱/۵ نمره
	۴	نوشتن معنای دو کلمه مشخص شده در جمله	۰/۵	
	۵	تشخیص کلمه ناهماهنگ از نظر معنا میان چهار گزینه	۰/۲۵	
	۶	نوشتن مفرد یا جمع اسم	۰/۲۵	
مهارت کاربرد قواعد	۷	تعیین سه حرف اصلی کلمه، تعیین وزن کلمه، نوشتن کلمه با سه حرف اصلی، ترجمه کلمه‌ای بر وزن فاعل یا مفعول	۱	۷ نمره
	۸	تعیین فعل ماضی و مضارع مناسب در جای خالی جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۰/۵	
	۹	تشخیص فعل امر مناسب در جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۱	
	۱۰	تشخیص فعل نهی مناسب در جمله (سؤال چند گزینه‌ای)	۱	
	۱۱	ترجمه فعل‌های امر، نهی، ماضی، مضارع، نفی و مستقبل در جمله با فعل‌های ساده‌ای مانند فَعَلَ، خَرَجَ، دَخَلَ، صَبَرَ، نَظَرَ، لَعِبَ، شَكَرَ و كَتَبَ	۱/۵	
	۱۲	تشخیص صفت و مضاف‌الیه (نیم نمره) و ترجمه ترکیب مخلوط وصفی – اضافی در جمله (نیم نمره)	۱	
	۱۳	ساعت خوانی	۰/۵	
	۱۴	قواعد کلمات پرسشی (مکالمه) پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای به جمله پرسشی مصور؛ با «لِهَاذَا، مَتَى، كَيْفَ، هَلْ، أَمْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، مَنْ، لِمَنْ، مَا، مَاذَا، كَمْ»	۰/۵	
مهارت درک و فهم	۱۵	پرسش جورکردنی از کاربرد واژگان «وصل کردن کلمات ستون اول به ستون دوم» (چهار مورد) یا ارائه پنج کلمه که یکی اضافه است و چهار جمله دارای جای خالی که باید با کلمه مناسب پر شود. یا پر کردن جای خالی جمله با گزینه مناسب یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱	۲ نمره
	۱۶	(درک مطلب) ارائه متن و طراحی چهار سؤال با چهار کلمه پرسشی یا ارائه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها بر اساس مفهوم یا ارائه متن به همراه چهار جمله و تعیین درست و نادرست آنها براساس متن یا تلفیقی از حالت‌های بالا	۱	
جمع نمره			۱۵	

تذکرات (برای طرح سؤال در نوبت اول و دوم و میان نوبت)

- ۱ طراح در طراحی سؤال امتحان نوبت اول مجاز است، تا یک نمره در بارم‌بندی تغییراتی اجرا نماید؛ ولی در نوبت دوم باید بارم‌بندی دقیق رعایت شود.
- ۲ در بسیاری از موارد، پرسش‌های بخش‌های گوناگون با هم تلفیق می‌شوند و تفکیک مهارت‌های زبانی امکان ندارد. مثلاً در بخش مهارت ترجمه، لازم است دانش‌آموز قواعد را بداند.
- ۳ در بخش قواعد، از «ساختن» و هرگونه تبدیل مانند «تبدیل فعل جمله‌ای از غایب به مخاطب، یا متکلم و بازنویسی جمله» خودداری شود؛ برای نمونه، طرح چنین سؤالی از اهداف آموزشی کتاب نیست:
جمله «یا رَجُلٌ اِذْهَبْ اِلَى بَيْتِكَ» را با «نساء» بازنویسی کنید.
در بخش قواعد، شیوه طرح سؤال فقط بر مبنای تشخیص فعل در جمله و تعیین فعل مناسب برای جای خالی است؛ مثال: در جای خالی فعل مناسب بنویسید.
هُؤُلَاءِ الْاَعْبَوْنَ ... فِي الْمَلْعَبِ بَعْدَ دَقَائِقٍ. (لَعِبْتَ □ سَيَلَعْبُونَ □ اَلْعَبُوا □)
- ۴ در بخش قواعد، از افعال ثلاثی مجرد صحیح و سالم در امتحان سؤال داده شود؛ اما اگر در بخش ترجمه، جمله‌ای از جملات کتاب طرح شود که غیرثلاثی مجرد صحیح و سالم در آنها به کار رفته است، اشکالی ندارد.
- ۵ در طراحی سؤال مترادف و متضاد مانند کتاب سؤال نوشته شود و چنین سؤالی طرح نشود: «متضاد قُبْح را بنویسید». بلکه سؤال داده شود «کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید: کَتَمَ، قُبْح، سَتَرَ، سوء، وَجَعَ»
- ۶ در طرح سؤال از وزن و حروف اصلی فقط باید از کلمات صحیح و سالم و آشنا استفاده کرد و چنین کلماتی نیز طرح نشود: ملائكة، تلخیص و مأیوس. در امتحان نهایی کلماتی مانند استراق و استماع که دانش‌آموز به جای افتعال، استفعال می‌نویسد و نیز انتظار و انتصار که به احتمال قوی به جای افتعال، انفعال پاسخ می‌دهد، خودداری شود و کلماتی مانند انتقام نیز در امتحان نباید طرح شود؛ زیرا حروف اصلی «نقم» برای دانش‌آموز ناآشناست.
- ۷ تعیین دقیق اینکه در امتحان پایان سال، چند نمره از مطالب نوبت اول بیاید، در درس عربی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مطالب کتاب در هر دو بخش واژگان و قواعد درهم تنیده است؛ با وجود این توصیه می‌شود حتی‌الامکان پنج نمره به محتوای نوبت اول (پنج درس نخست) و ده نمره به محتوای نوبت دوم (پنج درس بعدی) اختصاص داده شود.

۸ این فونت‌ها برای تایپ سؤالات امتحان عربی مناسب‌اند:

Adobe Arabic / Traditional Arabic / Simplified Arabic / KFGQPC Uthman Taha Naskh

۹ جمع نمره امتحان از پانزده است و در برگه امتحانی میزان کسب نمره شفاهی (روان خوانی و مکالمه) مشخص شود. اگر تعداد سؤالات امتحان شانزده مورد است؛ مورد هفدهم درج نمره روان خوانی و مورد هجدهم درج نمره مکالمه است. (در امتحان نهایی استانی یا کشوری مطابق قانون حوزه عمل می‌شود.)

۱۰ در بخش قواعد سؤالات تعریفی مانند تعریف اسم اشاره یا فعل ماضی طرح نمی‌شود.

۱۱ تعریب «ترجمه جمله یا کلمه از فارسی به عربی» از اهداف کتاب نیست.

۱۲ بارم‌بندی امتحان پایان سال «خرداد، شهریور...» مانند هم است.

۱۳ در ساعت خوانی فقط چنین حالت‌هایی در امتحان طراحی می‌شود: الْخَامِسَه، الْخَامِسَه وَ الرَّبْع، الْخَامِسَه إِلَّا رُبْعًا، الْخَامِسَه وَ النِّصْف. بنابراین، ساعت‌هایی مانند الْخَامِسَه وَ خَمْسٌ وَعِشْرُونَ دقیقه یا الْخَامِسَه إِلَّا ثَلَاثًا نباید طرح شود.

۱۴ طرح سؤال از ترکیب اضافی و وصفی که صفت بعد از مضاف و مضاف‌الیه واقع می‌شود، باید فقط از تمرینات کتاب باشد و هیچ تغییری در آن داده نشود و حتماً سؤال در جمله طرح شود؛ مثال:

ترجمه کنید: أَشْكُرُّكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ. نباید ترجمه «عملك الصالح» بیرون از جمله داده شود. نباید مطلقاً چنین سؤالی در هیچ آزمونی طرح شود. ترجمه کنید: حَقِيقَةُ التَّلْمِیْذَةِ النَّظِیْفَةِ. زیرا مطابق با اهداف آموزشی کتاب نیست. دانش‌آموز نمی‌داند «حَقِيقَةُ التَّلْمِیْذَةِ النَّظِیْفَةِ» را به چه صورت معنا کند. «کیفِ دانش‌آموزِ تمیز»: (حَقِيقَةُ التَّلْمِیْذَةِ النَّظِیْفَةِ) یا «کیفِ تمیزِ دانش‌آموز»: (حَقِيقَةُ التَّلْمِیْذَةِ النَّظِیْفَةِ)

ترجمه چنین ترکیبی در امتحان حتی در جمله نیز نباید طرح شود؛ حتی اگر اعراب‌گذاری شده باشد؛ زیرا دانش‌آموز چیزی درباره اعراب نمی‌داند؛ مثال: نَظَرْتُ إِلَى حَقِيقَةِ التَّلْمِیْذَةِ النَّظِیْفَةِ. ۱۵ از طرح سؤال معماًگونه، وجه اختلاف، شاذ و خارج از اهداف آموزشی در امتحان خودداری شود؛ مثال: مفرد علماء، ملائكة، أحادیث، نساء چیست؟ پاسخ: علیم، ملائک یا ملک، أهدوثة، نساء مفرد از جنس خودش ندارد.

بنات، أَخَوَات، أمهات، سماوات و سبعین چه نوع جمع‌ی‌اند؟

مفرد «أمهات» چیست؟ و پاسخ مورد انتظار شما «أُمَّهَة» باشد.

طرح سؤال از تطابق عدد و معدود یا سؤال از ساعت به صورت «پنج و چهل و پنج دقیقه».

اشاره به جمع غیر عاقل با هذه و تلك؛ مانند این سؤال: در جای خالی اسم اشاره مناسب بگذارید.
 رَأَيْتُ الْأَشْجَارَ فِي الْحَدِيقَةِ. – (تِلْكَ / أُولَئِكَ / هَاتَانِ)
 دانش آموز در پاسخ به سؤال بالا به اشتباه گزینه «أُولَئِكَ» را بر می‌گزیند؛ زیرا قاعده‌اش را
 نخوانده است و این طرح سؤال غلط فاحش است.
 رنگ‌های مؤنث بر وزن فَعْلَاء؛ مانند: زَرَقَاء.
 سؤال از حرکت عین الفعل در فعل‌ها.
 حروف اصلی کلماتی مانند اَمَاكِن، قَالَ، آبار و کلماتی که مانند معتَلات تغییراتی دارند که
 دانش آموز آموزش ندیده است.
 جمع مکسر کلماتی که در کتاب درسی نیامده است.

بارم‌بندی پنج نمره امتحان شفاهی عربی، زبان قرآن پایه نهم: نوبت اول و دوم

مهارت‌ها	شماره	موضوع	نمره	جمع
مهارت‌های خواندن، شنیدن، سخن گفتن و ترجمه شفاهی + تحقیق	۱	روان خوانی (خواندن بدون مکث و خطا و تلفظ درست)	۴	۵ نمره
	۲	مکالمه ساده در حد کتاب درسی به صورت پاسخ به جمله‌های پرسشی (سؤال با جملات دارای ما، ماذا، مَنْ، لِمَنْ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، كَمْ، هَلْ، أَ، مَتَى، كَيْفَ، لِمَاذَا)	۱	
جمع نمره			۵	

تذکرات

- تلفظ کاملاً درست مخارج حروف خاص زبان عربی (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع، ق، و) کاری دشوار است و از عهده بیشتر دانش‌آموزان بر نمی‌آید؛ لذا درخواست می‌شود از سخت‌گیری در این زمینه خودداری شود. اما از دانش‌آموزان خواسته شود تلاش کنند حتی‌الامکان حروف خاص زبان عربی را درست بر زبان آورند.
- در پاسخ به جمله‌های پرسشی به پاسخ کوتاه یک یا دو کلمه‌ای بسنده شود؛ مثلاً اگر دانش‌آموز در پاسخ به سؤال «أَنْتَ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ؟» بگوید: «نَعَمْ.» درست است و نیاز نیست پاسخ دهد: «نعم؛ أَنَا فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ.» در بخش مکالمه فهم سؤال نیمی از نمره را دارد.

۳ یکی از موارد آزمون شفاهی می‌تواند این باشد که از دانش‌آموز بخواهیم خود را به زبان عربی در دو دقیقه معرفی کند.

۴ طبیعی است که در یک روز نمی‌توان از همه دانش‌آموزان مدرسه آزمون روخوانی و مکالمه به عمل آورد؛ بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعه فعالیت‌های شفاهی و مکالمه وی نمره شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. مبنای نمره‌دهی آخرین و بهترین وضعیت مهارت شفاهی اوست.

۵ رعایت ظرافت‌های صرفی و نحوی و بلاغی در مکالمه در حد دانش‌آموز پایه نهم نیست. به ویژه اینکه او باید در پاسخگویی سرعت عمل داشته باشد و فرصت کافی برای فکر کردن ندارد؛ از سوی دیگر، آزمون شفاهی اضطراب دارد؛ با توجه به این موارد و توجه به اینکه عربی فصیح یک زبان فنی است، از دبیر ارجمند درخواست می‌شود این بخش را با نرمش و مهربانی برگزار کند، تا دانش‌آموز خاطره خوش از مکالمه داشته باشد و زمینه مثبتی در ذهن او برای سال‌های آینده وجود داشته باشد.







نمونه سؤالات امتحان نوبت اول و دوم

امتحان عربی، زبان قرآن پایه نهم، نوبت اول، از پنج درس، وقت: ۷۰ دقیقه، تاریخ: / ۱۰ / منطقه: نام طراح: نام و نام خانوادگی:		
الف) مهارت ترجمه (هفت نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
۱	<p>جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>۱ الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ. (۱)</p> <p>۲ أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟ (۰/۵)</p> <p>۳ عَلَيْكَ بِالْحَرَكَةِ، يَا سَائِقُ. (۰/۵)</p> <p>۴ السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلًا وَلَكِنَّهَا مَا غَرِقَتْ. (۱)</p> <p>۵ أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟ اِقْبَلْ مَصِيرَكَ. (۱)</p>	۴
۲	<p>ترجمه درست را انتخاب کنید.</p> <p>۱ عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ.</p> <p>الف) دشمن خردمند، بهتر از دوست بی‌خرد است. <input type="checkbox"/></p> <p>ب) دشمنی دانا، بهتر از دوستی نادان است. <input type="checkbox"/></p> <p>۲ صَنَعَ النَّجَّارُ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ، فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَ قَالَ: مَاذَا فَعَلْتَ؟</p> <p>الف) نجار پلی روی رودخانه ساخت، حمید عصبانی شد و گفت: چه کار کردی؟ <input type="checkbox"/></p> <p>ب) نجار روی رود پل می‌سازد، حمید خشمگین می‌شود و می‌گوید: چه می‌کنی؟ <input type="checkbox"/></p>	۰/۵
مهارت واژه‌شناسی (یک و نیم نمره)		
۳	<p>کلمات مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید. «دو کلمه اضافی است».</p> <p>جَمِيل / يَمِين / بُسْتَان / شِرَاء / حَدِيقَةٌ / قَبِيح</p> <p>..... = #</p>	۰/۵
۴	<p>کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید. «نِعَمَتَانِ» مَجْهُولَتَانِ «الصُّحَّةُ» وَ الْأَمَانُ.</p>	۰/۵
۵	<p>کدام کلمه با سایر کلمات از نظر معنا ناهماهنگ است؟ فُنْدُق <input type="checkbox"/> سَمَحَ <input type="checkbox"/> مَحَلَّ <input type="checkbox"/> مَكْتَبَةٌ <input type="checkbox"/></p>	۰/۲۵
۶	<p>در این جمله یک جمع مکسر پیدا کنید و مفرد آن را بنویسید.</p> <p>أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْاِخْوَانِ.</p>	۰/۲۵

مهارت کاربرد قواعد (هفت نمره)										
۷	۱ وزن کلمه «إِخْرَاج» و حروف اصلی کلمه «إِشْتِغَال» را بنویسید. ۲ با تَوَجُّه به قواعد وزن، معنای «عَايِد» و «مَعْبُود» را بنویسید.	۱								
۸	در جاهای خالی «فعل ماضی» مناسب بنویسید. ۱ هُوَلَاءِ الطُّلَّابُ كُرَّةَ الْقَدَمِ الْيَوْمَ. لَعِبُوا <input type="checkbox"/> لَعِبْتُمَا <input type="checkbox"/> لَعِبَا <input type="checkbox"/> ۲ يَا أَصْدِقَائِي، أَأَنْتُمْ فِي الْمُسَابَقَةِ أَمْسٍ؟ نَجَحْتَا <input type="checkbox"/> نَجَحْتُمْ <input type="checkbox"/> نَجَحْتُ <input type="checkbox"/>	۰/۵								
۹	در جاهای خالی «فعل مضارع» مناسب بنویسید. ۱ نَحْنُ لَا التَّلْمِذَ الْجَدِيدَ. نَعْرِفُ <input type="checkbox"/> يَعْرِفُ <input type="checkbox"/> تَعْرِفُ <input type="checkbox"/> ۲ الْفَلَاحَاتُ إِلَى مَزْرَعَتِهِنَّ. تَذْهَبُونَ <input type="checkbox"/> يَذْهَبْنَ <input type="checkbox"/> تَذْهَبَانِ <input type="checkbox"/>	۰/۵								
۱۰	در جاهای خالی «فعل امر» مناسب بنویسید. ۱ يَا زَمِيلِي بِوَاجِبِكَ. اِعْمَلْ <input type="checkbox"/> تَعْمَلِينَ <input type="checkbox"/> اِعْمَلِي <input type="checkbox"/> ۲ يَا أَخْتِي، رَجَاءٌ؛ كَلَامِي. اَسْمَعْ <input type="checkbox"/> اِسْمَعِي <input type="checkbox"/> سَمِعْتِ <input type="checkbox"/> ۳ رَجَاءٌ؛ إِلَى صُفُوفِكُمْ. اِذْهَبِي <input type="checkbox"/> اِذْهَبَا <input type="checkbox"/> اِذْهَبُوا <input type="checkbox"/> ۴ يَا بَنَاتُ، فِي عُرْفَتِكُنَّ. اِجْلِسِي <input type="checkbox"/> اِجْلِسْنَ <input type="checkbox"/> اِجْلِسْنَ <input type="checkbox"/> ۵ رَجَاءٌ؛ يَا أَوْلَادُ، لِحِظَةٍ. اُسْكُنُوا <input type="checkbox"/> اُسْكُنْ <input type="checkbox"/> تَسْكُنُونَ <input type="checkbox"/> ۶ رَجَاءٌ؛ يَا نِسَاءُ، طَعَامًا. اَطْبُخِي <input type="checkbox"/> اَطْبُخْنَ <input type="checkbox"/> اَطْبُخْنَ <input type="checkbox"/>	۱/۵								
۱۱	در جاهای خالی «فعل نهی» مناسب بنویسید. ۱ يَا عَزِيزِي، أَصْدُقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ <input type="checkbox"/> لَا تَكْذِبْ <input type="checkbox"/> لَا يَكْذِبْ <input type="checkbox"/> ۲ يَا طَالِبَةُ، رَجَاءٌ؛ مِنْ صَفِّكَ. لَا تَخْرُجْ <input type="checkbox"/> لَا تَخْرُجِي <input type="checkbox"/> مَا خَرَجْتَ <input type="checkbox"/> ۳ يَا وَلَدُ، رَجَاءٌ؛ فِي الشَّارِعِ أَبَدًا. لَا تَلْعَبْ <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبِي <input type="checkbox"/> لَا تَلْعَبْ <input type="checkbox"/> ۴ يَا طِفْلَةُ، رَجَاءٌ؛ لَا تَضْرُخِي <input type="checkbox"/> لَا تَضْرُخِينَ <input type="checkbox"/> لَا تَضْرُخْ <input type="checkbox"/>	۱								
۱۲	در جمله‌های زیر فقط فعل‌ها را ترجمه کنید. <table><tr><td>۱ هُوَ سَوْفَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ.</td><td>۵ أَنْظُرَا أَنْتُمَا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ.</td></tr><tr><td>۲ هِيَ لَا تَدْخُلُ عُرْفَتَهَا.</td><td>۶ لَا تَكْتُبْ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.</td></tr><tr><td>۳ هُنَّ مَا صَبَرْنَ لَنَا.</td><td>۷ لَا تَلْعَبْ هُنَا يَا صَدِيقِي.</td></tr><tr><td>۴ اُكْتُبْ أَنْتَ دَرَسَكَ.</td><td>۸ أَشْكُرِي رَبَّكَ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ.</td></tr></table>	۱ هُوَ سَوْفَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ.	۵ أَنْظُرَا أَنْتُمَا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ.	۲ هِيَ لَا تَدْخُلُ عُرْفَتَهَا.	۶ لَا تَكْتُبْ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.	۳ هُنَّ مَا صَبَرْنَ لَنَا.	۷ لَا تَلْعَبْ هُنَا يَا صَدِيقِي.	۴ اُكْتُبْ أَنْتَ دَرَسَكَ.	۸ أَشْكُرِي رَبَّكَ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ.	۲
۱ هُوَ سَوْفَ يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ.	۵ أَنْظُرَا أَنْتُمَا إِلَى ذَلِكَ الْجَبَلِ.									
۲ هِيَ لَا تَدْخُلُ عُرْفَتَهَا.	۶ لَا تَكْتُبْ عَلَى الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ.									
۳ هُنَّ مَا صَبَرْنَ لَنَا.	۷ لَا تَلْعَبْ هُنَا يَا صَدِيقِي.									
۴ اُكْتُبْ أَنْتَ دَرَسَكَ.	۸ أَشْكُرِي رَبَّكَ عَلَى هَذِهِ النِّعْمَةِ.									

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.		
۱۳	<div>۱ ماذا في هذه الساحة؟</div> <div></div>	<div>۲ كم كُرسياً حَولَ المِنَصْدَةِ؟</div> <div></div>
مهارت درک و فهم (دو نمره)		
۱۴	<div>هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است».</div> <div>۱ قاطِعُ الرِّجِمِ <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِزِيَارَةِ أُسْرَتِهِ وَ أَقْرَبَائِهِ.</div> <div>۲ اَلْجَامِعَةُ <input type="checkbox"/> <input type="checkbox"/> اَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلاَحْتِرَاقِ فِي النَّارِ.</div> <div>۳ اَلْحَطَبُ <input type="checkbox"/></div> <div>۴ اَلْفَرْجُ <input type="checkbox"/></div>	۰/۵
۱۵	<div>(درک مطلب) با توجّه به متن گزینه درست را انتخاب کنید.</div> <div>أنا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اِسْمِي إِسْحَاق. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيم وَ لالين، هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى المَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي ثَلَاثَةُ إِخْوَةٍ: هَاشِمُ وَ جَوَادُ وَ صَادِقُ. هَاشِمُ اكْبَرُ أَوْلَادِ الأُسْرَةِ؛ هُوَ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ الآنَ هُوَ حَلَوَانِي. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ وَ صَادِقُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ «سَراوان» فِي مُحَافَظَةِ «سِيستان وَ بَلوچستان».</div> <div>۱ لَا تَذْهَبُ مَهْدِيم وَ لالين إِلَى المَدْرَسَةِ؛ لِأَنَّهُمَا... <input type="checkbox"/> صَغِيرَتَانِ <input type="checkbox"/> مَرِيضَتَانِ</div> <div>۲ هَاشِمُ تَخَرَّجَ مِنَ المَدْرَسَةِ وَ هُوَ... <input type="checkbox"/> حَدَادُ <input type="checkbox"/> اَلْقَرْيَةِ</div> <div>۳ تَعِيشُ هَذِهِ الأُسْرَةُ فِي... <input type="checkbox"/> اَلْمَدِينَةِ <input type="checkbox"/> اَلزَّابِيعِ</div> <div>۴ إِسْحَاقُ فِي الصَّفِّ... <input type="checkbox"/> التَّاسِعِ</div>	۱
۱۶	<div>درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیّت معلوم کنید. ✓ ✕</div> <div>۱ ذَهَبَ المَرءُ خَيْرَ مِنْ أَدَبِهِ وَ شَرَفِهِ.</div> <div>۲ اَلْعَالِمُ الحَقِيقِيُّ يَكُنُّ عِلْمُهُ وَ لَا يَنْفَعُ الآخَرِينَ.</div>	۰/۵
نمره شفاهی		
۱۷	روان خوانی	۴
۱۸	مکالمه	۱

<p>امتحان عربی، زبان قرآن پایه نهم، نوبت دوم، وقت: ۷۰ دقیقه، تاریخ: / ۳ / منطقه: نام طراح: نام و نام خانوادگی:</p>		
الف) مهارت ترجمه (هفت نمره)		
ردیف	پرسش	بارم
۱	<p>جمله‌های زیر را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>۱ ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ ۲ أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ. ۳ قَالَ السَّائِقُ: أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا! إِرْكَبُوا. ۴ صَلَاةٌ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ تَعْدِلُ أَلْفَ صَلَاةٍ فِي غَيْرِهِ مِنَ الْمَسَاجِدِ.</p>	۱ ۱ ۱ ۱
۲	<p>ترجمه درست را انتخاب کنید.</p> <p>۱ أَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْذِرَةَ: لِأَنَّنَا جَعَلْنَا بَيْتَكُمْ مَقَرًّا لَنَا دُونَ إِذْنِكُمْ. الف) از شما عذر می‌خواهم؛ چون ما خانه‌تان را بی اجازه شما مقرمان قرار می‌دهیم. <input type="checkbox"/> ب) از شما پوزش می‌خواهم؛ زیرا ما خانه‌تان را بی اجازه‌تان قرارگاه‌مان قرار دادیم. <input type="checkbox"/> ۲ عُصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةٍ عَلَى الشَّجَرَةِ. الف) گنجشکی در دست بهتر از ده تا بر درخت است. <input type="checkbox"/> ب) پرنده‌ای در دست بهتر از نه تا روی درخت است. <input type="checkbox"/></p>	۰/۵
مهارت واژه‌شناسی (یک و نیم نمره)		
۳	<p>کلمات مترادف و متضاد را کنار هم بنویسید. «دو کلمه اضافه است».</p> <p>اِسْتَلَمَ / حَزَبَ / فَجَاءَهُ / فُبِحَ / دَفَعَ / بَغْتَةً = ≠</p>	۰/۵
۴	<p>کلمات مشخص شده را به فارسی ترجمه کنید.</p> <p>مَنْ «كَثُرَ» كَلَامُهُ كَثُرَ خَطَاؤُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ خَطَاؤُهُ «قَلَّ» حَيَاؤُهُ.</p>	۰/۵
۵	<p>کدام کلمه با بقیه از نظر معنا ناهم‌هنگ است؟</p> <p>مِشِمِش <input type="checkbox"/> لَيمون <input type="checkbox"/> تَفَاح <input type="checkbox"/> تَعَب <input type="checkbox"/></p>	۰/۲۵
۶	<p>یک جمع مکسر در این جمله بیابید و مفردش را بنویسید.</p> <p>أُطْلِبُوا مِنِّي تَمَنُّ الْأَضْرَارِ، قَهْذَا رَقْمٌ هَاتِفِي.</p>	۰/۲۵
مهارت کاربرد قواعد (دو نمره)		
۷	<p>۱ وزن کلمه «مُجَالَسَة» و حروف اصلی کلمه «مَفَاتِيح» را بنویسید. ۲ با توجه به قواعد وزن، معنای «کَاتِب» و «مَكْتُوب» را بنویسید.</p>	۱

۰/۵	<p>در جاهای خالی فعل مناسب بنویسید.</p> <p>۱ اُولَئِكَ الْبَنَاتُ مِنَ الصَّفِّ اَمْسِ.</p> <p>۲ ماذا يا اُخِي، اَنَا كَتَبْتُ دَرْسِي.</p> <p>تَرْجِعَنَّ □ يَرْجِعَنَّ □ رَجَعَنَّ □ كَتَبَتْ □ كَتَبَتْ □ كَتَبْتُ □</p>	۸								
۱	<p>در جاهای خالی «فعل امر» مناسب بنویسید.</p> <p>۱ يا زَمِيلِي، إِذَا غَضِبْتَ فَـ</p> <p>۲ يا صَدِيقَاتِي، مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوْءِ.</p> <p>۳ يا رَجُلَانِ، مِنَ الْحَافِلَةِ.</p> <p>۴ يا أَصْدِقَائِي، رَجَاءً؛ كَلَامِي.</p> <p>أُسْكُتْ □ أُسْكُتِي □ أُسْكُنَا □ أَهْرَبْ □ أَهْرَبِي □ أَهْرَبَنَّ □ إِنزِلُوا □ إِنزِلْنِ □ إِنزِلَا □ إِسْمَعُوا □ إِسْمَعِي □ إِسْمَعَا □</p>	۹								
۱	<p>در جاهای خالی «فعل نهی» مناسب بنویسید.</p> <p>۱ يا أَخَوَاتِي، عَلَى زَمِيلَاتِكُنَّ.</p> <p>۲ يا وَلَدَانِ، عَلَى أَصْدِقَائِكُما.</p> <p>۳ يا زَمِيلَتَانِ، رَجَاءً؛ إِصْعَدَا.</p> <p>۴ يا إِخْوَتِي، رَجَاءً؛ أَبْدَا.</p> <p>لا تَغْضَبَنَّ □ لا تَغْضَبُوا □ لا تَغْضَبِي □ لا تَضْحَكَانِ □ لا تَضْحَكَا □ لا تَضْحَكِي □ لا تَنْزِلُوا □ لا تَنْزِلَا □ لا تَنْزِلَانِ □ لا تَكْذِبْ □ لا تَكْذِبِي □ لا تَكْذِبُوا □</p>	۱۰								
۱/۵	<p>در جمله‌های زیر فقط فعل‌ها را ترجمه کنید.</p> <table border="1"> <tr> <td>۱ إِنَّهُ سَيَذْخُلُ صَفْنَا.</td> <td>۵ أَشْكُرَا أَنْثَمَا صَدِيقَكُما.</td> </tr> <tr> <td>۲ مُعَلِّمَتِي لَا تَخْرُجُ الْآنَ.</td> <td>۶ لَا تَكْتُبِي عَلَى الْجِدَارِ.</td> </tr> <tr> <td>۳ أَنْتَنَّ مَا صَبَرْتُنَّ كَثِيرًا.</td> <td>۷ رَجَاءً؛ لَا تَفْعَلْ شَيْئًا.</td> </tr> <tr> <td>۴ اَلْعَبُّ أَنْتَ مَعَ زَمِيلِكَ.</td> <td>۸ أَنْظِرِي إِلَى كِتَابِكَ.</td> </tr> </table>	۱ إِنَّهُ سَيَذْخُلُ صَفْنَا.	۵ أَشْكُرَا أَنْثَمَا صَدِيقَكُما.	۲ مُعَلِّمَتِي لَا تَخْرُجُ الْآنَ.	۶ لَا تَكْتُبِي عَلَى الْجِدَارِ.	۳ أَنْتَنَّ مَا صَبَرْتُنَّ كَثِيرًا.	۷ رَجَاءً؛ لَا تَفْعَلْ شَيْئًا.	۴ اَلْعَبُّ أَنْتَ مَعَ زَمِيلِكَ.	۸ أَنْظِرِي إِلَى كِتَابِكَ.	۱۱
۱ إِنَّهُ سَيَذْخُلُ صَفْنَا.	۵ أَشْكُرَا أَنْثَمَا صَدِيقَكُما.									
۲ مُعَلِّمَتِي لَا تَخْرُجُ الْآنَ.	۶ لَا تَكْتُبِي عَلَى الْجِدَارِ.									
۳ أَنْتَنَّ مَا صَبَرْتُنَّ كَثِيرًا.	۷ رَجَاءً؛ لَا تَفْعَلْ شَيْئًا.									
۴ اَلْعَبُّ أَنْتَ مَعَ زَمِيلِكَ.	۸ أَنْظِرِي إِلَى كِتَابِكَ.									
۱	<p>در این جمله صفت و مضاف‌الیه را مشخص کنید. في مُتَحَفِ الْمَدِينَةِ آثَارٌ جَمِيلَةٌ.</p> <p>ترکیب مخلوط وصفی - اضافی میان گیومه را در دو جمله زیر ترجمه کنید.</p> <p>تُسَاعِدُ «أُخْتِي الْكَبِيرَةُ» جَدَّتَنَا فِي الْقَرْيَةِ.</p> <p>شَجَعْنَا «فَرِيقَنَا الْفَائِزَ» فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ.</p>	۱۲								
۰/۵	<p>كم السَّاعَةُ؟</p> <table border="1"> <tr> <td></td> <td></td> </tr> <tr> <td>.....</td> <td>.....</td> </tr> </table>			۱۳				
										
.....									

با توجّه به تصویر به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.		
۰/۵		
	أَيْنَ تِلْكَ الطِّفْلَةُ؟	بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ؟
مهارت درک و فهم (دو نمره)		
۰/۵	هر جمله را به کلمه مربوط به آن وصل کنید. «یک کلمه اضافه است.» <div>۱ النَّهَارُ <input type="checkbox"/> صِفَةُ حَسَنَةٍ لِلْحَلِيبِ وَ الْفَاكِهَةِ <input type="checkbox"/></div> <div>۲ الْأَزْرَقُ <input type="checkbox"/> مَا بَيْنَ الصُّبْحِ وَ اللَّيْلِ. <input type="checkbox"/></div> <div>۳ الطَّارِجُ <input type="checkbox"/></div>	۱۵
۱	(درک مطلب) با توجّه به متن زیر جمله‌های درست و نادرست را مشخص کنید. حامِدٌ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هُوَ فِي الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ. يَنْهَضُ صَبَاحاً فِي السَّاعَةِ السَّادِسَةِ إِلَّا رُبْعاً. وَ فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ اشْتَرَى وَالِدُهُ حَاسِباً لَهُ وَ سَمَحَ لَهُ بِالْدُّخُولِ فِي الْإِنْتِرْنِتِ فِي أَوْقَاتِ الْفَرَاغِ. فَرِحَ حَامِدٌ بِهَذِهِ الْهَدِيَّةِ. بَعْدَ مُدَّةٍ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمُهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ يَوْمَيْنِ. قَالَ حَامِدٌ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ: «سَأَبْحَثُ بَحْثاً عِلْمِيّاً فِي الْإِنْتِرْنِتِ.» جَلَسَ حَامِدٌ خَلْفَ الْحَاسِبِ وَ لَعِبَ سَاعَاتٍ كَثِيرَةً وَ فِي الْيَوْمِ التَّالِي نَهَضَ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ إِلَّا رُبْعاً. كَانَ حَامِدٌ يَشْعُرُ بِالنُّومِ فِي الصَّفِّ. <div>۱ حَامِدٌ فِي الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ.</div> <div>۲ سَافَرَ وَالِدُهُ وَ وَالِدَتُهُ لِمُهْمَةٍ إِدَارِيَّةٍ لِمُدَّةٍ شَهْرَيْنِ.</div>	۱۶
۰/۵	درستی و نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت معلوم کنید. ✓ ✕ <div>۱ الْمَطْبِئَةُ مَخْرَجٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ.</div> <div>۲ النَّارُ نَتِيجَةُ اخْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ.</div>	۱۷
نمره شفاهی (پنج نمره)		
۴	روان خوانی	۱۸
۱	مکالمه ساده	۱۹

بخش پنجم

توضیحات مشترک در تدریس همهٔ درس‌های کتاب

مطالعه کتاب معلّم، اطلاعات بسیاری را در اختیار دبیر می‌گذارد و بر دبیران عربی پایه نهم الزامی است. با مطالعه کتاب بسیاری از ابهامات برطرف می‌شود. بخشی تحت عنوان «دانش افزایی برای دبیر» پیش‌بینی شده است تا علاوه بر اینکه به سؤالات احتمالی معلّم پاسخ می‌دهد، جایی باشد تا اگر دانش‌آموزی سؤالی دشوار بپرسد، در کتاب معلّم پاسخ آن موجود باشد.

برای تدریس این کتاب، باید عربی پایه هفتم و هشتم را تدریس کرده باشید. این کتاب سومین کتاب عربی دوره اول متوسطه است. شورای تألیف، گروهی شامل استادان متخصص دانشگاه و معلّمان مجرب بوده است. این کتاب مانند دو کتاب پیشین، پیش از چاپ، چندین بار به نقد و بررسی نهاده و تدریس آزمایشی شده است؛ همچنین در سال ۱۴۰۰ در سطح کشور اعتبارسنجی شد، تا اشکالات برطرف و نقاط قوت آن نیز هرچه بیشتر تقویت شود. در بررسی کتاب درسی، افراد بسیاری سهیم‌اند. نمایندگان از معلّمان دوره اول و دوم متوسطه (به ویژه دوره اول)، متخصصان تعلیم و تربیت اسلامی، دبیرخانه کشوری راهبری درس عربی، گروه‌های آموزشی، کارشناسانی از حوزه و دانشگاه و

شیوه کتاب، متن‌محوری است. انتظار می‌رود دانش‌آموز بتواند در پایان دوره اول متوسطه متون ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد. در این کتاب ۲۲۹ واژه جدید به کار رفته؛ اما بسیاری از ۵۷۳ واژه هفتم و هشتم نیز تکرار شده است؛ پس هدف این کتاب آموزش حدود ۸۰۲ واژه پربسامد زبان عربی است.

تألیف کتاب بر پایه اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» انجام شده است. «برنامه درسی ملی» نقشه راه تألیف همه کتاب‌های درسی است. «راهنمای برنامه درسی عربی» نیز که در «شورای برنامه‌ریزی درسی عربی» تهیه و تنظیم شده، نقشه راه برای تألیف کتاب‌های عربی است.

در نگارش کتاب، به تجربیات موفق کتاب‌های عربی پیشین توجه شده است. در تألیف کتاب به تجارب موفق کتب قبلی توجه و تجربه‌های ناموفق کنار نهاده شده است.

کلمات به کار رفته در این کتاب، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، حدیث و روایات و نیز در زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند. تصاویر، عبارات و متون کتاب افزون بر هدف اصلی، تا اندازه‌ای ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز دارند.

دانش‌آموز در پایه هفتم و هشتم کلمات بسیاری را آموخته و تا حدودی با ساختار زبان عربی آشنا شده؛ لذا در پایه نهم متن‌ها بلندتر شده است.

بنابه درخواست گروه‌های آموزشی، دبیران و دانش‌آموزان و به استناد برنامه درسی ملی مجدداً مکالمه در کتاب گنجانده شده است؛ زیرا مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و به درس عربی جذابیت و تحرک می‌بخشد؛ آن را زبانی پویا و کاربردی نشان می‌دهد؛ اما هدف اصلی آموزش کتاب حاضر مکالمه نیست. بسیاری افراد به آموزش عربی در سال‌های گذشته این انتقاد را وارد کرده‌اند که چرا دانش‌آموخته ایرانی قادر به بیان چند جمله ساده نیست و تنها مباحث صرفی و نحوی و تجزیه و ترکیب می‌داند. کتاب حاضر تا حدودی این ضعف را از بین برده است؛ لذا لازم است معلم، خود را در زمینه مکالمه تقویت کند.

این کتاب مکمل دو کتاب پیشین است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هر یک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود خواهند بود.

مهم‌ترین توصیه‌ها درباره شیوه تدریس و ارزش‌یابی کتاب

- ۱ این کتاب در ده درس تنظیم شده است. هر درس در دو جلسه آموزشی تدریس می‌شود.
- ۲ دانش‌آموز در آغاز راه یادگیری زبان عربی است. شایسته است معلم به مطالب کتاب بسنده کند و مطلقاً مطالب اضافه‌ای آموزش ندهد؛ زیرا آنچه را دانش‌آموز باید بیاموزد؛ به تدریج فرا خواهد گرفت. معمولاً معلمان به محض اینکه از طرف مدرسه یک ساعت اضافه می‌گیرند به دنبال مباحث صرفی و نحوی می‌روند؛ درحالی‌که می‌توان از دانش‌آموزان خواست تا داستان‌های کوتاه ترجمه کنند. سرود و نمایش اجرا کنند. می‌توان عبارات ساده و کوتاه مانند سخنان حکمت‌آمیز و ابتسامات و مطالب علمی کوتاه ترجمه کرد. فضا برای کارهای سودمند مناسب است؛ ولی قاعده‌زدگی تدریس عربی، برخی را جذب قواعد کرده است. آموزش قواعد در هر زبانی کاری ساده است؛ ولی تدریس متن‌محور کاری دشوار است. ارزش‌یابی از مطالب صرفی و نحوی آسان است؛ ولی ارزش‌یابی از قرائت و مکالمه بسیار سخت است.
- ۳ سیاست تألیف در همه بخش‌های کتاب مبنی بر ساده‌سازی و جذابیت است؛ لذا بزرگ‌ترین مسئولیت معلم این است که با هنرمندی، کتاب را به ساده‌ترین روش به دانش‌آموز تدریس کند. هنر معلم، علاقه‌مند کردن دانش‌آموز نسبت به درس عربی است؛ لذا باید در امتحانات، از طراحی سؤالات معماگونه خودداری کرد. آزمون‌های مدارس خاص و آزمون‌های طراحی شده توسط مؤسسات خصوصی زمینه انحراف از مسیر آموزش را فراهم می‌سازند. اگر تدریس درس عربی و سایر دروس ساده باشد و پیچیدگی وجود نداشته باشد؛ برخی سودجویان

متضرر می‌گردند. آشفته‌گی وضعیّت آموزش و سختی تمرینات و سؤالات امتحانی زمینه را برای بهره‌برداری برخی سودجویان فراهم و دانش‌آموزان را نیز از درس عربی گریزان می‌سازد. ۴ کار عملی در کتاب عربی، تهیّه انواع کاردستی نیست؛ بلکه کارهایی مانند مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری و داستان‌نویسی است؛ یعنی دانش‌آموز آموخته‌هایش را در قالب سخن‌گفتن یا نوشتن به نمایش بگذارد.

این کار در مدرسی قابل اجراست که درس عربی ساعت اضافه داشته باشد، یا ثبت نام دانش‌آموزان، گزینش شده باشد.

۵ این کتاب افزون بر اینکه مکمل دو کتاب پیشین است؛ پشتیبان تثبیت واژگان و ساختار آموزش داده شده در پایه هفتم و هشتم نیز است. کتاب‌های سال‌های آینده نیز هریک به نوبه خود مکمل کتاب پیش از خود هستند.

۶ در بخش «بدانیم» سعی شده است با شاهد مثال، اصول زبان به دانش‌آموز آموخته شود. ذکر تعاریف و اصطلاحات تنها به منظور فهم بهتر عبارات و متون است و نیازی به حفظ آنها نیست. هدف از بخش‌های «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» کمک به فهم بهتر متن و عبارت است. آنچه در این بخش آمده به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز آن را می‌آموزد تا به کمک آن درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. هدف اصلی، درست خواندن، فهمیدن و ترجمه است. در واقع قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است و این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز لحاظ شده است. به همین دلیل بخش قواعد دو نمره دارد.

۷ از ارائه «جزوه مکمل قواعد» به دانش‌آموز خودداری گردد. هرچه در زمینه قواعد لازم بوده در همین کتاب آمده است. اگر کار اضافه‌ای می‌خواهید انجام دهید در بخش شفاهی انجام دهید. مهارت سخن‌گفتن را در دانش‌آموز تقویت کنید. دانش‌آموزان مکالمه را دوست دارند و از قواعد محض فراری‌اند. مکالمه در آینده برایشان مفید است.

۸ طرح سؤالات امتحان کتبی در نوبت اوّل و دوم از ۱۵ نمره است. ۵ نمره شفاهی شامل روان‌خوانی و مکالمه است.

۹ مطلقاً از طرح سؤالاتی در زمینه «ترجمه فارسی به عربی» خودداری شود؛ زیرا از اهداف آموزشی عربی نیست. دانش‌آموز باید بتواند جمله عربی را بخواند و ترجمه کند و البته قدرت تشخیص درست از نادرست را نیز داشته باشد. در این دو پایه، از او «ساختن جمله عربی» خواسته نمی‌شود.

(در بخش مکالمه، یعنی پاسخ‌گویی به کلمات پرسشی این استثنا وجود دارد؛ زیرا در مکالمه

باید بتواند پاسخ کوتاه دهد که انتظار در حدّ یک یا دو کلمه ساده است و نظر به لزوم سرعت عمل در پاسخ‌دهی به سؤال شفاهی، رعایت ظرافت‌های دشوار و فتی زبان فعلاً لازم نیست).
 ۱۰ تبدیل، از اهداف این کتاب نیست و در هر آزمونی باید از طرح چنین سؤالاتی خودداری کرد؛
 مثال:

این جمله را به جمع تبدیل کنید: یا طَالِبُ، اُكْتُبْ واجِبَاتِكَ.
 در جای خالی کلمات مناسب بنویسید: أَيْتُهَا التَّلْمِيزَاتُ، لَا تَخْرُجْنَ مِنْ صَفِّكَ.
 مِنْ صَفِّكُمْ.

همچنین ذکر صیغه در ارزش‌یابی لازم نیست.

۱۱ هیچ واژه‌ای بیرون از جمله سؤال نشود. ترجمه کلمات، در داخل جمله خواسته شود؛ مثلاً:
 ترجمه کلمات مشخص شده را بنویسید.

مَرْقَدُ الْإِمَامِ الثَّامِنِ فِي مَشْهَدٍ. صَنَعَ النَّجَّارُ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ.

در دو جمله بالا دانش‌آموز به کمک قرائن می‌تواند واژه خواسته شده را درست ترجمه کند. او با این روش، از یادگیری درس عربی لذت می‌برد. امتحان دو منظوره می‌شود، هم امتحان است و هم یادگیری در آن مستتر است.

۱۲ در پاسخ‌گویی به جمله استفهامی باید به پاسخ کوتاه بسنده شود. پاسخ کامل مدّ نظر نیست. هرچند اگر دانش‌آموز پاسخ بلند دهد بهتر است. برای نمونه، در پاسخ به چنین سؤالی «لِمَاذَا تَدْرُسُ؟» پاسخ «لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.» کافی است و نمره کامل تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر لازم نیست چنین پاسخ داده شود: «أَنَا أَدْرُسُ لِلنَّجَاحِ فِي الْحَيَاةِ.»
 از آنجاکه در رویکرد برنامه درسی عربی، پرورش مهارت‌های زبانی آمده و سخن گفتن نیز یکی از این موارد است؛ لذا بخش «اسماء و حروف استفهام» استثنا شده است.

پیشنهاد می‌شود دبیر برای امتحان مکالمه، یک آلبوم عکس در کاور یا سلیفون تهیه کند و در آن، تصاویر لازم را در اندازه‌های بزرگ داشته باشد، یا در صورتی که در مدرسه هوشمند تدریس می‌کند فایل تصاویر مورد نیازش را از قبل تهیه کند.

می‌توان بخشی از نمره مکالمه را به معرفی دانش‌آموز از خودش اختصاص داد. دانش‌آموز بتواند در یک دقیقه خودش را به زبان عربی معرفی کند. همچنین نمره شفاهی دانش‌آموزانی که داوطلب اجرای سرود، یا نمایش، یا مکالمه گروهی در کلاس می‌شوند را می‌توان از همین مورد منظور کرد.

۱۳ هدف در آزمون شفاهی روخوانی، درست خواندن است. بدیهی است برگزاری آزمون شفاهی

در یک روز امکان‌پذیر نیست. بنابراین، هرچه را دانش‌آموز در طول سال تحصیلی می‌خواند و مجموعهٔ فعالیت‌های شفاهی او، نمرهٔ شفاهی‌اش را تشکیل می‌دهد. دانش‌آموز در آغاز، در مهارت خواندن و شنیدن نیاز به تکرار و تمرین دارد و به تدریج این مهارت تقویت می‌گردد؛ لذا ملاک نمره‌دهی، بهترین و آخرین وضعیت دانش‌آموز است.

۱۴ به‌منظور تسهیل آموزش و صرفه‌جویی در وقت، در بسیاری از جاهای کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حلّ تمرین درنظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد. نیازی به رونویسی از متن درس‌ها یا بخش‌های دیگر نیست. اگر در درس انگلیسی رونویسی انجام می‌شود به این دلیل است که الفبای آن فرق دارد، ولی از آنجا که الفبای فارسی با مختصری تغییر همان الفبای عربی است؛ لذا رونویسی ضرورتی ندارد. در گذشته مشاهده شده که برخی از معلّمان از دانش‌آموزان می‌خواستند نقّاشی‌ها و طرح‌های کتاب را در دفتر پاک‌نویس وارد کنند؛ یا از دانش‌آموزان می‌خواستند دو کتاب تهیه کنند و تصاویر کتاب دوم را با قیچی درآورند و با چسب در دفتر پاک‌نویس بچسبانند. وظیفهٔ گروه‌های آموزشی در این زمینه ارشاد، معلّم است. ۱۵ هرچند کتاب کار در آموزش هر زبانی مناسب است؛ اما تجربه نشان داده است بیشتر کتاب‌های کار، زمینهٔ انحراف از مسیر صحیح آموزش را فراهم می‌کنند و زمینه را برای دور افتادن از اهداف آموزشی و آسیب رساندن به روند آموزش فراهم می‌کنند. زمان اختصاص یافته به درس عربی (دو ساعت در هفته) برای تدریس این کتاب و حلّ تمرین‌های آن است. گروه‌های آموزشی در این زمینه شایسته است نقش فعّال داشته باشند.

۱۶ ما ایمان داریم که کار اصلی را معلّم انجام می‌دهد؛ لذا از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با سیاست دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا به تدریج، همهٔ کتاب‌های سال‌های آینده نیز ادامه و مکمل این کتاب خواهند بود.

۱۷ دانش‌آموزان بسیاری از آموخته‌ها را پس از دانش‌آموختگی فراموش خواهد کرد؛ ولی خاطرات تلخ و شیرین ماندگارند. آنچه در تدریس مهم است برخوردهای درست، دلسوزانه و عالمانه است.

این کتاب از ده درس به شرح ذیل تشکیل شده است:

- ۱ درس اول: دوره‌ای بر آموخته‌های پایه هفتم و هشتم است. ساختارهای دو کتاب پیشین نیز تکرار می‌گردد، تا به مصداق «الدرس حرف و التکرار ألف». آموخته‌ها تثبیت گردد. برخی از آموخته‌های پایه‌های هفتم و هشتم در این درس تکرار می‌شود و از آنجا که این امر مهم فقط در درس اول محقق نمی‌شود؛ لذا در درس‌های بعدی و پایه‌های بعد نیز این تکرار و تمرین انجام شده است.
- ۲ درس دوم: متن درس درباره اهمیت مقررات راهنمایی و رانندگی است. ساختار درس درباره وزن و حروف اصلی است. اهمیت مبحث این درس در املا فارسی بسیار است. دانش‌آموزی که این مطلب را خوب بیاموزد، در درس املا فارسی می‌تواند موفق باشد. یکی از ویژگی‌های بارز زبان عربی، داشتن وزن و حروف اصلی است. ویژگی‌ای که حتی در زبان‌های خویشاوند عربی، یعنی سایر زبان‌های سامی به این صورت وجود ندارد.
- ۳ درس سوم: متن درس داستانی زیبا و خواندنی است. نتیجه اخلاقی و پیام درس نیز در راستای اهداف برنامه درسی ملی است. سخن حکیمانه حضرت علی (علیه السلام) زینت بخش و حسن ختام متن درس شده است.
إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا قَاطِعُ الرَّجِمِ وَ جَارُ السَّوْءِ.
ساختار درس سوم فعل امر مفرد است.
- ۴ درس چهارم: متن درس داستانی زیباست. موضوع داستان جدید است و دانش‌آموزان این داستان را پیش از این نشنیده‌اند. پیام اخلاقی درس سخن حکیمانه «الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ» است که تیتراژ درس نیز شده است.
- ساختار درس ادامه درس سوم و فعل امر مثنی و جمع است.
- ۵ درس پنجم: متن درس داستانی در باره نقش تلاش در زندگی است. در فرهنگ اسلامی سخنان بسیاری در این باره آمده است؛ مانند: ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾
ساختار درس شناخت فعل نهی مفرد است.
- ۶ درس ششم: متن درس داستانی جذاب است که نقش نحوه رفتار آدم‌ها را در زندگی افراد نشان می‌دهد. یک رفتار شایسته، می‌تواند زندگی یک انسان را دگرگون کند و به تبع آن، انسان متحول می‌تواند نقش مهمی در جامعه داشته باشد. رفتار و گفتار هرکس می‌تواند نقش مهمی در افراد و حتی در جامعه داشته باشد.
- ساختار درس شناخت فعل نهی مثنی و جمع است.

۷ درس هفتم: متن درس داستانی از زندگی مردی است که به بشریت خدمت کرد.

ساختار آموزشی این درس ترکیب اضافی و وصفی است.

۸ درس هشتم: متن درس هشتم مکالمه‌ای در موزه آثار تاریخی حرمین شریفین در مکه است.

از ده درس کتاب عربی نهم این اختصاصاً مکالمه است. در این درس دانش آموز با عبارت‌های پرکاربرد در مکالمه آشنا می‌گردد.

از آنجا که ماضی استمراری در هر زبانی از جمله، عربی کاربرد بسیار دارد؛ وقت آن است که اکنون دانش آموز با این مفهوم آشنا شود.

۹ درس نهم: از آنجا که ذخیره واژگانی دانش‌آموزان تقویت شده و با بسیاری ساختارهای زبانی آشنا شده‌اند سه متن کوتاه علمی درباره بهترین رنگ‌ها، ویتامین آ و شیر تازه انتخاب شده

است، تا فراگیر با متون علمی نیز آشنا شود.

در بخش «بدانیم» ساعت‌خوانی آموزش داده شده است؛ اما به ربع و نیم بسنده شده است.

در زبان عربی و برخی زبان‌ها مانند آلمانی، عددهایی مانند «بیست و پنج» را «پنج و بیست» می‌گویند؛ لذا آموزش این بخش فعلاً به صلاح نیست؛ چون موجب دشواری‌هایی در آموزش می‌گردد.

۱۰ درس دهم: آخرین متن کتاب درباره شهید حاج قاسم سلیمانی است. متنی که نشان می‌دهد

در نبرد باید به اصول اخلاقی پایبند بود.

در این درس، ساختار جدیدی آموزش داده نمی‌شود؛ بلکه تکراری بر آموخته‌های سه کتاب

عربی هفتم، هشتم و نهم صورت می‌گیرد.

ویژگی‌های کتاب

۱ قاعده‌محور نبودن کتاب به معنای نفی ارزش قواعد نیست؛ لذا دو بخش «بدانیم» و «فَنِّ

ترجمه» در کتاب‌های عربی هفتم، هشتم و نهم تنظیم شده است؛ تا دانش‌آموز بتواند به

کمک آنها عبارات و متون ساده را بهتر بفهمد و ترجمه کند. قواعدی که در بخش «بدانیم»

آمده به منظور فهم معنای جملات است. دانش‌آموز قواعد را می‌خواند، تا به کمک آن بتواند

درست بخواند، درست بشنود و درست ترجمه کند. قواعد در خدمت فهم عبارت و متن است

و به این موضوع در بارم‌بندی امتحانات نیز توجه شده است.

۲ در این کتاب، مکالمه نیز اهمیت دارد؛ در «برنامه درسی ملی» نیز به آموزش مهارت‌های

زبانی از جمله سخن گفتن اشاره شده است.

۳ روخوانی در کتاب‌های عربی اهمیّت ویژه‌ای دارد. دانش‌آموز باید بتواند درست بخواند، تا درست ترجمه کند. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی «خواندن» است؛ لذا این بخش باید تقویت گردد. دانش‌آموزی می‌تواند معنای عبارت را بفهمد که درست بخواند. آهنگ بیان جمله‌های خبری، تعجّبی، پرسشی و امری با هم فرق دارد. روان‌خوانی اوج هنر دانش‌آموز در درس عربی است که در سایهٔ تسلّط نسبی او به‌زبان به‌دست می‌آید.

۴ شروع هر درس کتاب عربی نهم، مانند دو کتاب پیشین با واژگان جدید آن است. هدف از این کار، ساده‌سازی آموزش است. هدف این نیست که دانش‌آموز قبل از شروع درس، این واژه‌ها را حفظ کند. حفظ واژه‌ها باید در طيّ خواندن متون و عبارات اتّفاق بیفتد.

۵ آنچه باید سرلوحهٔ تدریس و ارزشیابی معلّم قرار بگیرد؛ این است که «ترجمه از فارسی به عربی و ساختن جمله از اهداف عربی پایهٔ هفتم، هشتم و نهم نیست.»

۶ مبنای گزینش آیات، احادیث و امثال به‌کار رفته در کتاب چند مورد بوده است: سادگی الفاظ؛ سادگی ساختار و مطابقت آن با آموزش کتاب درسی؛ کاربری براساس نیازهای روز؛ تناسب با سطح درک و فهم دانش‌آموز نوجوان.

دانش‌آموز باید بتواند در زندگی به‌هنگام نیاز به امثال و حکم خوانده شده استشهد کند؛ مثلاً دربارهٔ «انتقام» به این حدیث شریف از پیامبر اسلام ﷺ استشهد کند: «إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِّلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ».

این هدف تا پایان کتاب درسی از اهداف اصلی کتاب است؛ اما نباید با اکراه دانش‌آموزان را وادار به حفظ این عبارات نمود؛ بلکه شایسته است با تغییر نگرش، ایجاد علاقه و با هنر معلّمی دانش‌آموزان را علاقه‌مند نمود، تا این عبارات را حفظ کند و در هنگام لزوم از آنها استفاده کنند.

۷ در گزینش تصاویر اصول زیر رعایت شده است:

برنامهٔ درسی ملّی: مسائل فرهنگی و تربیتی، تعادل در جنسیت و ذکر شخصیت‌ها، دوری از تنش‌آفرینی در جامعه، توجّه به امور مهمّی مانند: ارزش‌های دینی، دفاع مقدّس، احترام به محیط‌زیست، میهن‌دوستی، به‌روز بودن تصاویر، ایجاد جذّابیت در کتاب، شاد بودن موضوعات، علمی بودن آنها، زیبایی تصاویر با توجّه به سنّ پرجوش و خروش نوجوانی دانش‌آموزان و

۸ مطالب اساسی هر درس در درس‌های بعدی تکرار می‌گردند و افزون بر این مطالب دو کتاب عربی هفتم و هشتم نیز مجدّداً یادآوری می‌شود.

الگوی پیشنهادی جهت تدریس قسمت‌های هفت گانه هر درس

کتاب حاضر ده درس دارد و هر درس از هفت قسمت تشکیل شده که برای هریک روشی مناسب با اهداف کتاب و برنامه درسی پیشنهاد شده تا معلّم بهتر بتواند به اهداف آموزشی تعیین شده برسد. قطعاً معلّمان محترم نیز روش‌هایی برای خود دارند، ولی این روش‌ها باید از وحدت رویه نیز برخوردار باشند. هدف کتاب معلّم که پل ارتباط بین مؤلّف و معلّم است؛ تعیین چارچوبی است که هم اهداف برنامه درسی ملیّ محوریت داشته باشد و هم معلّم بتواند در آن، توانمندی‌های فردی خود را به نمایش بگذارد.

چینش درس‌ها

- ۱ واژگان
- ۲ متن درس
- ۳ «بدانیم» و «فَنّ ترجمه»
- ۴ آموزش تصویری قواعد (کلیدواژه تصویری)
- ۵ تمارین
- ۶ «کنز الحکمة» و «نور السماء»
- ۷ پژوهش
- ۸ اربعینیات یا قرآنیات

تحلیل بخش‌های هر درس

هدف کتاب از تحلیل قسمت‌های نام‌برده در هر درس، بررسی دقیق ابعاد مختلف محتوا، معرفی قواعد، ارائه توضیحات جهت رفع ابهامات و پیشنهاد روش‌هایی است که معلّم به یاری آن بتواند با تسلّط و آگاهی بیشتر به امر تدریس بپردازد. کتاب در این قسمت، معلّم را با مراحل مختلف تدریس، مهارت‌های موردنظر و چگونگی اجرای آن آشنا می‌کند و الگویی را برای تدریس همه دروس و بخش‌ها در اختیارش قرار می‌دهد، تا آموزش را برای وی تسهیل کند.

۱ واژگان

دلیل تقدیم واژگان به همراه معنا، در آغاز هر درس این بوده تا دانش‌آموز با راحتی و سرعت بیشتری در فرایند ترجمه فعال باشد؛ بدین‌گونه که معلم باید دانش‌آموز را گام به گام در ترجمه مشارکت دهد، تا توانایی ترجمه را در او پروراند و این امر در راستای فعالیت و مشارکت دانش‌آموز در فرایند یادگیری قرار دارد. این بخش تقریباً باید در پنج دقیقه تدریس شود. هدف این نیست که در همان ابتدا دانش‌آموز، همه کلمات جدید را یاد بگیرد؛ بلکه هدف این است که با آنها آشنا شود. در بخش واژه‌شناسی می‌توان از تمریناتی مانند تشخیص کلمه ناهماهنگ، مترادف و متضاد^۱ و کاربرد واژگان استفاده کرد.

مراحل آموزش واژگان: معلم می‌تواند در آغاز از کتاب گویا استفاده کند و چنان‌که نکاتی جالب برای آنها سراغ دارد؛ جهت تقریب به ذهن برای دانش‌آموزان ذکر کند؛ اما مراقب زمان باشد که وقت زیادی صرف این بخش نکند.

سپس دانش‌آموزان کلمات عربی را قرائت می‌کنند و این قرائت می‌تواند به تشخیص معلم به همراه او و گروهی باشد یا به صورت انفرادی.

۱. در مورد مترادف در زبان عربی از دیرباز میان دانشمندان اختلاف وجود داشته است؛ برخی برای اسب و شمشیر و مانند آن اسم‌های بسیاری را برشمرده‌اند و برخی از میان آنها تنها یکی را اسم و بقیه را صفت دانسته‌اند.

«سیبویه» می‌گوید: در کلام عرب گاهی دو لفظ گوناگون برای دو معنای مختلف و گاهی دو لفظ مختلف برای یک معنا می‌آورند که برای مورد اخیر فعل «ذَهَبَ» و «انطَلَقَ» را مثال می‌زند.

از دیدگاه «سیبویه» دلیل اصلی پیدایش مترادف در یک زبان این است که دو طایفه برای یک معنا دو واژه را به کار برده‌اند، سپس پس از اینکه طایفه‌ها یکی شده‌اند، این دو کلمه مترادف شده‌اند.

اما گاهی اوقات این‌سکیت معتقد است که برخی از واژه‌ها با اینکه تقریب معنایی دارند، اما حالت‌های دقیق خاص خودشان را بیان می‌کنند. مثلاً در مورد فعل «گزیدن»:

العَصَ: بالأسنان لا بالشفقتين / الثَّهْس: المَدُّ بالفم / التَّهْش: العَضُّ السريع / العَجَم: العَضُّ بالاسنان لِيَنْتَظِرَ أَ صُلْبُ هُوَ أَمْ خَوَارِ
یا در مورد لانه:

العُش: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ غَيْرِهِا قَيْبِيضُ فِيهِ. / الْوَكْر: فِي الْجَبَلِ / الْوُكْنَةُ: مَوَاقِعُ الطَّيْرِ حَيْثُمَا وَقَعَ

و در مورد جدا کردن واژه‌ها از هم و ارائه شیوه درست به‌کارگیری آن درباره فرق «راکب» و «فارس» می‌گوید:

«يقال: مَرَّ بِنا رَاكِبٌ، إِذَا كَانَ عَلَى بَعِيٍّ، وَ الرَّكَبُ أَصْحَابُ الْإِبِلِ. أَمَّا إِذَا كَانَ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ فَرَسٍ يُقَالُ: مَرَّ بِنا فَارِسٌ عَلَى حِمَارٍ أَوْ بَغْلٍ أَوْ...»

اما ابو‌منصور ثعالبی در کتاب «فقه اللغة» به معنای دقیق کلمات اشاره می‌کند و از به‌کار بردن هر کلام به‌جای دیگری برحذر می‌دارد؛ مثلاً در مورد خواب و ترتیب آن چنین می‌گوید:

أَوَّلُ النَّوْمِ: التَّعَاسُ / الْكُرَى: هُوَ أَنْ يَكُونَ الْإِنْسَانُ بَيْنَ النَّائِمِ وَالْيَقْظَانِ / الرَّقَاد: هُوَ النَّوْمُ الطَّوِيلُ

و گاهی اوصاف یک اسم به‌عنوان مترادف به‌کار می‌رود که در اصل حالت‌های گوناگون آن اسم است.

۲ متون

در این بخش نیز باید سهم مشارکت معلّم و دانش‌آموز مشخص شود و اینکه هریک از معلّم و دانش‌آموز چه وظیفه‌ای دارند.

۱ **مرحله اول (شنیدن):** اولین وظیفه برعهده معلّم است که با روان‌خوانی، مهارت شنیداری دانش‌آموزان را تقویت کند. در این بخش استفاده از کتاب گویا مجدداً تأکید می‌شود. اگر وقت معلّم کم است، از دانش‌آموزان بخواهد در منزل کتاب گویا را گوش دهند.

۲ **مرحله دوم (خواندن):** دانش‌آموزان براساس روشی که معلّم پیشنهاد می‌دهد؛ به قرائت می‌پردازند تا مهارت گفتاری تقویت شود.

۳ **مرحله سوم (ترجمه مقدماتی):** دانش‌آموزان با کمک گرفتن از ترجمه واژگان، به ترجمه هر عبارت می‌پردازند و توانمندی خود را در ترجمه می‌آزمایند؛ تا نقاط ضعف و قوت آنان مشخص شود و مهارت درک و فهم آنها ارتقا یابد.

چند روش در اینجا وجود دارد:

از دانش‌آموزی می‌خواهیم یک یا دو سطر را ترجمه کند، سپس ما بر ترجمه او نظارت می‌کنیم؛ یا اینکه یک دانش‌آموز را مأمور می‌کنیم که اگر اشکالی وجود داشت اصلاح کند، یا اینکه می‌گوییم همه دانش‌آموزان هنگام ترجمه دانش‌آموز اول باید آماده باشند و معلّم تصادفاً از یکی از دانش‌آموزان اشکالات احتمالی ترجمه را بپرسد. هریک از این شیوه‌ها درجای خود مفیدند. گاهی در صورت کمبود وقت، معلّم می‌تواند خودش بخواند و خودش نیز ترجمه کند. روشی که در وهله نخست به نظر می‌آید نامناسب است و دانش‌آموز فعال نیست، ولی از روی ناچاری و به دلیل تعطیلی‌های اضطراری یا هرعلت دیگری پیش آمده است. در این روش، معلّم باید هر چند لحظه یک بار ترجمه برخی قسمت‌ها را از یک دانش‌آموز بپرسد. در این شیوه تدریس سریع‌تر انجام می‌شود. در مدرسی که امکانات خوبی دارند می‌شود ترجمه متن درس را در برگه‌ای نوشت و از دانش‌آموزان بخواهیم در گروه‌های چند نفره ترجمه ناقص را کامل کنند. این روش فوق‌العاده سریع انجام می‌شود، ولی لازمه آن زحمت برای دبیر و کادر مدرسه برای تکثیر کاربرگ است.

۴ **مرحله چهارم (ترجمه نهایی):** معلّم در ادامه روش مقدماتی به عنوان راهنما، خطاها را اصلاح می‌کند و ترجمه نهایی را ارائه می‌دهد. در حقیقت مرحله مقدماتی و نهایی بدون فاصله‌اند.

۵ **مرحله پنجم (پیام درس):** معلّم در این مرحله از دانش‌آموزان می‌خواهد تا پیام درس را بگویند. برای پیوند میان ادبیات فارسی و عربی می‌توان از آنان خواست تا پیام درس را با جمله‌ای نغز در زبان فارسی بیان کنند، یا برای پیوند میان درس قرآن و معارف اسلامی می‌توان از آنان خواست، تا اگر آیه یا حدیثی در این مورد می‌دانند، ذکر کنند.

۳ آموزش تصویری قواعد

تصاویر: تصاویر زیبای کتاب دربرگیرنده پیام‌های گوناگونی است و در راستای تقویت هویت ایرانی - اسلامی و با دقت فراوان گزینش شده‌اند.

رسالت مهم تصاویر

- ۱ پیام‌های ارزشی این تصاویر، موجب تقویت هویت اسلامی - ایرانی می‌شود.
- ۲ به‌روز بودن و واقعی بودن تصاویر کتاب درسی را جذاب‌تر می‌کند. سعی شده است تا سنّ تصاویر دانش‌آموزان حتی‌الامکان همان سنّ پایه نهم باشد.
- ۳ از همه مهم‌تر، جذابیت این تصاویر، انتقال مفاهیم درس را تسریع و تسهیل می‌کند. شاعر گرانبمایه ایرانی مولوی در این باره می‌گوید:

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سال‌ها نتوان نمودن با بیان

عبارات حاوی قواعد: این عبارات‌ها وظیفه آموزش ساختار فعل امر و نهی، معادل ماضی استمراری، وزن و حروف اصلی، ترکیب اضافی و وصفی و ساعت خوانی را برعهده دارند. در آموزش فعل امر و نهی فقط از فعل‌های صحیح و سالم استفاده شده و اگر در چند مورد از فعل مهموز مانند یقرأ استفاده شده، به‌علّت پرکاربرد بودن است.

تذکر بسیار مهم: در هر سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم برای آموزش فعل‌های ماضی و مضارع بومی‌سازی انجام شده است. دانش‌آموز ایرانی با شش صیغه فارسی آشناست. او می‌داند اوّل شخص مفرد، دوم شخص مفرد و... چیست. در درس انگلیسی نیز همین‌طور می‌خواند. در برخی کشورها مانند مغرب (مراکش) و لبنان نیز در آموزش فعل‌ها تغییراتی را انجام داده‌اند. در آموزش فعل نیز در ایران بومی‌سازی صورت گرفته است.

این شیوه در مدارس توسط دبیران در تدریس آزمایشی موفق بوده است و بسیاری از دبیران از آن استقبال کرده‌اند و یادگیری عربی را برای دانش‌آموزان تسهیل کرده است.

او می‌خواند که:

«أنا أذهب»؛ یعنی «من می‌روم».

«أنت تذهب و أنت تذهبین»؛ یعنی «تو می‌روی».

«هو يذهب و هي تذهب»؛ یعنی «او می‌رود».

«نحن نذهب»؛ یعنی «ما می‌رویم».

«أنتم تذهبون، أنتن تذهبن و أنتما تذهبان»؛ یعنی «شما می‌روید».

و «هم يذهبون، هن يذهبن، هما يذهبان و هما تذهبان»؛ یعنی «آنها می‌روند».

با این شیوه، درس را منطقی‌تر و بهتر می‌آموزد. شاید دبیری که سال‌ها به شیوه‌ای دیگر تدریس کرده و خودش نیز به همین‌گونه آموزش دیده است، شیوه جدید برایش سخت باشد. از دیرباز گفته‌اند: «العادة كالطبيعة الثانوية».

اما از آنجا که کتب جدید با این شیوه پیش می‌رود؛ لذا شایسته است دبیران نیز با آن هماهنگ باشند. گفتنی است که روش بومی شده در یادگیری آسان‌تر است. پس از پایان آموزش به شیوه بومی‌سازی می‌توان دانش‌آموز را با شیوه سنتی صرف ضمیر و فعل نیز آشنا کرد؛ اما لازم است بدانیم که هدف آموزش صرف ضمیر و فعل نیست؛ بلکه دانش‌آموز باید هر ضمیر و فعل را در جمله و با توجه به قرائن معنا کند. اجرا: نخست روخوانی توسط دانش‌آموزان جهت تقویت مهارت شنیداری و گفتاری انجام می‌گیرد. آنگاه هر جمله ترجمه می‌شود.

۴ «بدانیم» و «فَنَ ترجمه»

در این قسمت، ساختار و چارچوب قواعد هر درس بیان شده است. باید توجه کرد که توضیحات این دو بخش تا پایان کتاب، برای فهم بهتر عبارت و متن است. هدف این است که دانش‌آموز بتواند از این اطلاعات در فهم معنای جمله بهره ببرد؛ لذا حفظ مطالب این بخش الزامی نیست و نیازی نیز به گسترش آن نمی‌باشد.

حفظ بخش «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» لازم نیست و نیازی به گسترش مطالب و ارائه جزوه مکمل نیست.

اجرا: معلّم در این قسمت دانش‌آموزان را در قرائت، توضیح مثال‌ها و شرح تصاویر به مشارکت می‌گیرد.

معلّم باید قواعد را به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به مهارت ترجمه و درک و فهم درنظر بگیرد، نه هدف.

علّت نام‌گذاری این بخش به «بدانیم» و «فَنَ ترجمه» در واقع کم‌رنگ کردن نقش قواعد و پررنگ کردن جایگاه ترجمه و درک و فهم است؛ لذا معلّم محترم نیز باید در بیان قواعد به آنچه در کتاب آمده است بسنده کند و از بیان توضیحات خارج از کتاب و جزوه دادن، خودداری کند. در این قسمت، نیز برای تفهیم بهتر قواعد و همچنین ایجاد جذابیت از تصاویری متناسب با مفاهیم استفاده شده که شایسته است معلّم گرامی به آن توجه کند و ساده از کنار آن نگذرد.

ترجمه از فارسی به عربی چه در کلمه و چه در جمله، ممنوع است و جزء اهداف آموزشی کتاب عربی پایه هفتم، هشتم و نهم نیست و تخلّف از این امر، مستلزم دخالت گروه‌های آموزشی و ارشاد معلّم است.

اجرا: در این قسمت دانش‌آموزان مشارکت بیشتری دارند خودشان می‌خوانند و خودشان هم به سوالات آن پاسخ می‌دهند و معلّم می‌تواند نقش راهنما و مصحّح را داشته باشد. در بخش اربعینات گفت‌وگوهایی آمده است که می‌تواند افزون بر سفر زیارت عتبات در سفر سیاحی نیز به کار گرفته شود.

۵. تمارین

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه حوزه واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل تسهیل آموزش عربی، سعی شده است:

نخست: تمارین درس ساده باشد، تا دانش‌آموز از حلّ آن لذّت ببرد.

دوم: تعداد آنها نیز کم باشد؛ تا معلّم فرصتی برای تقویت و ارتقای دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد و دانش‌آموز نیز از حلّ تمرینات خسته نشود.

اجرا: حلّ تمرین‌ها برعهده دانش‌آموز است.

جای کافی برای حلّ تمارین پیش‌بینی شده است؛ تا نوشتن مجدّد تمارین وقت زیادی را از دانش‌آموز نگیرد. با توجّه به اینکه نوشتن عبارات عربی با رعایت اعراب برای دانش‌آموز دشوار است و ممکن است خطاهای اعرابی او در نوشته‌هایش به قرائت او نیز منتقل شود؛ لذا بهتر است در پایه‌های هفتم، هشتم و نهم حلّ تمرینات در کتاب صورت بگیرد؛ تا چشم دانش‌آموز به املا و اعراب صحیح در کتاب درسی عادت کند و مشکلی در قرائت او نیز پدید نیاید؛ چون کمتر دانش‌آموزی است که بتواند در این سن، متن عربی را بدون خطا بنویسد.

همانند کتاب راهنمای معلّم عربی هفتم و هشتم در کتاب راهنمای معلّم عربی نهم نیز نمونه سؤال استاندارد و بارم‌بندی قرار داده شده است، تا در زمینه ارزش‌یابی ارائه طریق نماید.

این بخش از این جهت اهمّیت دارد که در ارزش‌یابی‌ها، معیار و شاخصی برای طراح سوالات امتحانی است و معلّم باید از الگوها و قالب‌های موجود بهره‌برد و از طرح سؤالاتی مانند فارسی به عربی، ساختن صیغه‌های مختلف فعل که در کتاب معلّم منع شده است، خودداری کند.

ساختار درس: ساختار آموزشی کتاب عربی نهم، شناخت فعل امر و نهی و معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی، وزن و حروف اصلی و ساعت‌خوانی است.

۶ كَنْزُ الْحِكْمَةِ وَ نُورُ السَّمَاءِ

شامل آیات مبارک قرآن مجید و احادیث شریف می‌باشد. ملاک گزینش، مطابقت با ساختار خوانده شده است.

در هر درس آیاتی انتخاب شده است که علاوه بر مفهوم کاربردی و مناسب آن، با ساختار آموزشی تدریس شده سازگار است. این نکته در هر سه کتاب عربی دورهٔ اوّل متوسطه رعایت شده است.

۷ پژوهش

پژوهش‌های کتاب در حدّ توان دانش‌آموز انتخاب شده است. دانش‌آموز در درس عربی، سومین سالی است که عربی می‌خواند و در پایهٔ هفتم و هشتم حدّ اکثر ۴۰ جلسه در کلاس بوده است. پژوهش در درس عربی و انگلیسی بسیار سخت است. چون زبان آن فارسی نیست.

بخش ششم

محتوای کتاب عربی پایه نهم و چگونگی آموزش درس ها

الدَّرْسُ الْأَوَّلُ

أَيُّهَا الطُّلَّابُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ.
 أَيَّتُهَا الطَّالِبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكُنَّ، أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُنَّ.
 ای دانش‌آموزان، سلام بر شما (سلام علیکم)، خوش آمدید.

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۴ واژه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان‌خوانی و ترجمه متن درس از عربی به فارسی
- ۳ تشخیص اسم‌های مفرد، مثنی و جمع در جمله
- ۴ تشخیص ساختار جمله‌های دارای اسم اشاره به دور و نزدیک
- ۵ آشنایی با پرسش و پاسخ با کلمات پرسشی «هل، أ، أَيْنَ، مَنْ، ما (ماذا)، کَمْ، لِمَاذَا، متى و کیف»
- ۶ تشخیص و ترجمه فعل‌های ماضی و مضارع (ثلاثی مجرد صحیح و سالم) در جمله
- ۷ دانستن نام رنگ‌های اصلی در حالت عمومی وزن أَفْعَل
- ۸ حفظ بودن نام روزهای هفته و فصل‌ها
- ۹ تشخیص کلمات مترادف و متضاد
- ۱۰ دانستن معنای ضمایر منفصل و متصل
- ۱۱ حفظ عددهای اصلی از یک تا دوازده و ترتیبی را از یکم تا دوازدهم

فرایند آموزش

متن درس ابتدا خوشامدی به دانش‌آموزان و مقدمه‌ای کوتاه است؛ سپس شعری شاد برای دانش‌آموزان تنظیم شده است. شایسته است متن شعر با استفاده از کتاب گویا برای دانش‌آموزان اجرا گردد. وزن شعر، وزنی شاد است؛ (مفتعلن فعلن فعلاتن) لذا دانش‌آموزان می‌توانند آن را در کلاس نیز اجرا کنند.

شعر درس

يَبْتَدِي الْعَامَ الدَّرَاسِي الْجَدِيدُ. يَذْهَبُ الطَّلَابُ وَ الطَّالِبَاتُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ يَفْرَحُ؛ هُمْ يَحْمِلُونَ حَقَائِبَهُمْ وَ يَمْشُونَ عَلَى الرَّصِيفِ وَ يَعْبُرُونَ مَمَرَّ الْمَشَاةِ لِلْعُبُورِ الْأَمْنِ. الشَّوَارِعُ مَمْلُوءَةٌ بِالْبَنِينَ وَ الْبَنَاتِ. يَبْتَدِي فَصْلُ الدَّرَاسَةِ وَ الْقِرَاءَةِ وَ الْكِتَابَةِ وَ فَصْلُ الصَّدَاقَةِ بَيْنَ التَّلَامِيذِ.

سال تحصیلی نو (جدید) آغاز می شود. دانش آموزان پسر و دختر با خوشحالی به مدرسه می روند. آنها (آنان) کیف هایشان را برمی دارند و در پیاده رو راه می روند (قدم می زنند) و از خط کشی عابر پیاده برای عبور و مرور ایمن رد می شوند. (عبور می کنند، می گذرند) خیابان ها پر از پسران و دختران است. سال تحصیل و خواندن و نوشتن و فصل دوستی میان دانش آموزان آغاز می شود.

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كَلَامِي	أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ قِيَامِي
با نام خدا سخنم را آغاز می کنم	پروردگارم را هنگام برخاستن یاد می کنم
أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ دُرُوسِي	أَذْكُرُ رَبِّي عِنْدَ جُلُوسِي
با نام خدا درس هایم را آغاز می کنم	پروردگارم را هنگام نشستن یاد می کنم.
أَقْرَأُ بِاسْمِ اللَّهِ كِتَابِي	أَسْأَلُ رَبِّي حَلَّ صِعَابِي
کتابم را با نام خدا می خوانم	از پروردگارم، حلّ سختی هایم (مشکلاتم) را درخواست می کنم (می خواهم).
مَكْتَبُنَا نُورٌ وَ حَيَاةٌ	فِيهِ دُعَاءٌ، فِيهِ صَلَاةٌ
مکتب ما (مدرسه ما) روشنایی و زندگی است.	در آن دعاست، در آن نماز است.
فِيهِ عُلُومٌ، فِيهِ كَمَالٌ	فِيهِ كُنُوزٌ، فِيهِ جَمَالٌ
در آن دانش هاست، در آن کمال هست.	در آن گنج هاست، در آن زیبایی هست.
يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الْعُلَمَاءُ	وَ يُدْرَسُ فِيهِ الْحُكْمَاءُ
دانشمندان از آن فارغ التحصیل می شوند (دانش آموخته می شوند).	و حکیمان در آن درس می دهند.
هَذَا كُتُبِي أَنْوَارُ سَمَائِي	مَرْحَمَةٌ، كُنُزٌ، كَدَوَائِي
هان، کتاب هایم روشنایی های آسمانم،	مهربانی و گنج و مانند دارویم هستند.
أَبْدَأُ بِاسْمِ اللَّهِ أُمُورِي	فَأَسْمُ إِلَهِي، زَادَ سُورِي
با نام خدا کارهایم را آغاز می کنم	نام خدایم، شادی ام را افزون ساخت (زیاد کرد).

واژگان: این درس ۲۴ واژه جدید دارد.

قواعد: خلاصه هرچه دانش آموز در عربی هفتم خوانده در تمریناتی متنوع طراحی شده است. هدف از قواعد، فقط کمک به ترجمه است و خود به خود هدف نیستند. همانند کتاب درسی پایه هفتم و هشتم در این کتاب نیز هدف تا پایان کتاب فقط این است که دانش آموز بتواند درست بخواند و درست ترجمه کند و جمله ای را که معلم بر زبان می آورد درست بشنود و از آنجا که یکی از دو هدف اصلی آموزش درس عربی، کمک به زبان و ادبیات فارسی است، باید بتواند در درس فارسی به او کمک کند.

تمرین ها

هدف اصلی در این قسمت، تثبیت یادگیری در سه مهارت واژگان، قواعد و ترجمه است و در راستای اصل ساده سازی آموزش عربی تلاش شده است، تا:

- تمرین درس ساده باشد، تا دانش آموز از حل آن لذت ببرد.
- تعداد آنها کم باشد، تا معلم فرصتی برای تقویت و پیشبرد دو مهارت زبانی شنیدن و خواندن داشته باشد.
- شایسته است دبیر ارجمند، برگه ای ویژه قرائت دانش آموزان داشته باشد و هر بار که کسی عبارتی یا تمرینی را می خواند در آن علامت بزند تا عدالت آموزشی در این باره اجرا شود.
- برای حل تمرینات نیازی به دفتر پاکنویس نیست. در کتاب درسی، جای جواب پیش بینی شده است.^۱
- این کار موجب می شود، دانش آموز کمتر خسته شود و فرصت کافی برای مهارت شفاهی زبان داشته باشد.

- حل تمرین ها بر عهده دانش آموز است و نقش معلم، نظارت و تصحیح است.
- به منظور صرفه جویی در وقت کلاس تمرینات به گونه ای طراحی شده است، تا معلم بتواند در دو جلسه درس اول را به پایان برساند.

تمرین اول: این تمرین تقویت مهارت مکالمه است. دانش آموز با توجه به تصاویر به سؤالات پاسخ می دهد. این تمرین به دلیل مصور بودن جذابیت دارد. دانش آموزان از این سؤال در امتحان لذت می برند، ولی طرح چنین سؤالی بسیار وقت گیر است؛ زیرا باید مصور باشد. هر تصویری نیز

۱. در امتحان شفاهی به سادگی می توان از کتابی دست نخورده استفاده کرد. برخی می گویند اگر دانش آموز پاسخ را در کتاب بنویسد روز امتحان نمی تواند خود آزمایی کند؛ اما چنین نیست با چیزی شبیه یک تکه کاغذ یا خط کش به راحتی می توان روی پاسخ ها را گرفت.

برای برگه امتحانی مناسب نیست؛ لذا طرّاحی سؤال ساده نیست؛ امّا از نظر آموزشی کاری شایسته تقدیر است. در این تمرین، پاسخ کوتاه کافی است.

تمرین دوم: هدف، تکرار عددهای یک تا دوازده، اوّل تا دوازدهم، روزهای هفته، نام فصل‌ها و نام سه وعده غذایی است.

تمرین سوم: این تمرین موجب تقویت مهارت زبانی مکالمه می‌شود. هرچند آموزش مهارت زبانی مکالمه از اهداف اصلی این کتاب نیست؛ امّا این تمرین، موجب تحرّک در کلاس درس و ایجاد علاقه و انگیزه می‌گردد.

تمرین چهارم: هدف، تقویت شناخت فعل و ضمیر است. دانش‌آموز باید بتواند دو فعل ماضی و مضارع را از هم تشخیص دهد، تا بتواند آنها را درست ترجمه کند. هرچند دانش‌آموز در پایه هفتم با ضمائر آشنا شده است، ولی تکرار آن و به‌ویژه نهادن آن کنار ضمیر منفصل به تقویت یادگیری منجر می‌شود.

تمرین پنجم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. از دانش‌آموز بخواهیم هر چهار کلمه را معنا کند، سپس کلمه‌ای را که از نظر معنایی با سه کلمه دیگر ناهماهنگ است، معلوم کند و دلیل ناهماهنگی را توضیح دهد.

مثلاً سؤال اوّل باید این گونه حل شود: ☐ مَوْظَفَة ☐ طَبِیْبَة ☐ طَبَّاحَة ☐ حَقِیْبَة
گزینه‌های اوّل، دوم و سوم شغل هستند (کارمند، پزشک و آشپز)؛ امّا گزینه چهارم به معنای کیف یا چمدان است و ربطی به سایر گزینه‌ها ندارد.

توجّه داشته باشیم که در طرّاحی این سؤال چنین اشتباهی را مرتکب نشویم.

کدام کلمه از نظر معنایی و دستوری با بقیه کلمات ناهماهنگ است؟

۱ ☐ مَوْظَفَة ☐ طَبِیْبَة ☐ طَبَّاحَة ☐ حَقِیْبَة پاسخ حَقِیْبَة است.

مَوْظَفَة ☐ طَبِیْبَة ☐ طَبَّاح ☐ حَقِیْبَة علاوه بر حقیبه، طبّاح نیز می‌تواند ناهماهنگ باشد.

۲ ☐ مُحَافَظَة ☐ قَرِیَة ☐ مَدِیْنَة ☐ عَامِل پاسخ عامل است.

مُحَافَظَة ☐ قَرِیَة ☐ بَلَد ☐ عَامِلَة پاسخ می‌تواند عامله باشد و بلد نیز درست است.

در طرّاحی سؤال از این بخش، دقت لازم را داشته باشیم. از نظر ما گزینه‌ای درست است، ولی دانش‌آموز از نظر دیگر فکر می‌کند و گزینه دیگری را درست می‌بیند.

تمرین ششم و هفتم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است.

تمرین هشتم: برای تقویت توان واژه‌شناسی دانش‌آموز است. در آموزش هر زبانی تمرین متضاد و مترادف طرّاحی می‌گردد؛ زیرا روش مناسبی برای تسلّط بر مفردات است.

از طرّاحی چنین سؤالاتی در امتحان خودداری گردد:

مترادف کلمات داده شده را بنویسید: والدۀ، بیت، بستان

متضاد کلمات داده شده را بنویسید: قلیل، بعید، یمین

طرح سؤال لازم است بدین گونه باشد:

کلمات متضاد را دوبه دو کنار هم بنویسید. (قرب / قبیح / صغیر / کبیر / بعید / جمیل)

کلمات مترادف را دوبه دو کنار هم بنویسید. (ورد / رجل / امرأ / زهر)

بین کلمات مترادف و متضاد علامت مناسب بگذارید: قریب ... بعید والدۀ ... اُمّ

تمرین نهم: هدف یادآوری آموخته‌های درس اوّل عربی هفتم است. دانستن این مطلب به فهم زبان کمک می‌کند. گذشت زمان موجب فراموش شدن آموخته‌ها می‌شود؛ لذا هرچند وقت یک بار این یادآوری‌ها لازم است.

هماهنگی در حلّ تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: با توجّه به تصویر پاسخ دهید.

- ماذا عَلَى الشَّجَرَةِ؟ حَمَامَتَانِ يَا عَلَى الشَّجَرَةِ حَمَامَتَانِ.
- هَلْ هَذَا زَمِيلُكَ؟ نَعَمْ. يَا نَعَمْ؛ هَذَا زَمِيلِي. يَا لَا؛ لَا؛ لَيْسَ هَذَا زَمِيلِي.
- أَيْنَ مُسْتَشْفِي بَغْدَاد؟ فِي شَارِعِ نِضَال.
- لِمَنْ هَذَا الْكِتَابُ؟ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ.
- فِي أَيِّ عِلْمٍ هَذَا الْعَالِمُ مَعْرُوفٌ؟ فِي عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.
- كَمْ حَافِلَةً فِي الْمَوْقِفِ؟ أَرْبَعَةٌ. (أَرْبَعُ حَافِلَاتٍ هُمُ دَرَسَتْ اسْت).
- هَلْ هُنَا مَنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ؟ نَعَمْ. يَا نَعَمْ؛ هُنَا مَنْطَقَةُ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.
- مَتَى تَلْعَبُنَ كُرَةَ الْمَنْصَدَةِ؟ فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ. يَا نَلْعَبُ فِي السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ.
- يَا تَلْمِيزَاتُ، كَيْفَ حَالُكُنَّ؟ بِخَيْرٍ. يَا نَحْنُ بِخَيْرٍ.
- بِمَ يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ؟ بِالطَّائِرَةِ. يَا يُسَافِرُ الْحُجَّاجُ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ بِالطَّائِرَةِ.
- يَا الْحُجَّاجُ يُسَافِرُونَ إِلَى مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ بِالطَّائِرَةِ.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: در جای خالی کلمه مناسب بنویسید.

- ۱ واحد / اثنان / ثلاثة / أربعة / خمسة / ستة / سبعة / ثمانية / تسعة / عشرة / أحد عشر / اثناعشر
- ۲ الأوّل / الثّاني / الثّالث / الرّابع / الخامس / السادس / السابع / الثّامن / التاسع / العاشر / الحادي عشر / الثاني عشر

۳ یَوْمُ السَّبْتِ / الْأَحَدِ / الْإِثْنَيْنِ / الثَّلَاثاءِ / الْأَرْبَعاءِ / الْخَمِيسِ / الْجُمُعَة

۴ الرَّبِيعِ / الْصَّيْفِ / الْخَرِيفِ / اَلشَّتَاءِ

۵ الْفُطُورُ فِي الصَّبَاحِ / الْغَدَاءُ فِي الظُّهْرِ / الْعِشَاءُ فِي اللَّيْلِ

التَّمرينُ الثَّالثُ:

۱ أنا حميدٌ. يا أنا حميدة. يا...

۲ أنا بخير.

۳ أنا من إيران. يا أنا إيراني (أنا إيرانية)

۴ في الصَّفِّ التاسع.

۵ يبدأ في شهر مهر.

التَّمرينُ الرَّابِعُ: برای فعل‌های زیر، ضمیر مناسب انتخاب؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.

نَحْنُ نَكْذِبُ: ما موفّق شدیم. هُمْ يَنْصُرُونَ: آنها یاری می‌کنند. أَنْتَ لَا تَكْذِبُ: تو دروغ نمی‌گویی
أَنْتُمْ وَصَلْتُمْ: شما رسیدید. هُنَّ يَقْدِرْنَ: آنها می‌توانند. هِيَ مَا قَرُبَتْ: او نزدیک نشد.

التَّمرينُ الْخَامِسُ: کدام کلمه از نظر معنایی با بقیه کلمات «ناهماهنگ» است؟

۱ مُوَظَّفَة، طَبِيبَة، طَبَاخَة، حَقِيبَة ☒

۲ مُحَافَظَة، قَرْيَة، مَدِينَة، عَامِل ☒

۳ بِنْت، أُخْت، لَوْن ☒

۴ قَدَم، قَوْل ☒

۵ بَقَرَة، جَنَّة ☒

۶ أُسْرَة ☒

۷ أُسْبُوع، ذَهَب ☒

۸ نُفَّاح، رُمَّان، تَمَر، سَحَاب ☒

التَّمرينُ السَّادِسُ: هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید «یک کلمه اضافه است».

۱ كُرَةُ الْقَدَم: رِيَاضَة يَلْعَبُ فِيهَا أَحَدَعَشَرَ لَاعِبًا.

۲ الْمُحَافَظَة:

۳ المَطْعَمُ: مَكَانٌ يَأْكُلُ فِيهِ النَّاسُ الْفُطُورَ وَالْعَدَاءَ وَالْعِشَاءَ.

۴ الْمَسَاءُ: وَقْتُ نِهَایَةِ النَّهَارِ وَبِدَایَةِ اللَّیْلِ.

۵ الْغَابَةُ: أَرْضٌ وَاسِعَةٌ فِيهَا أَشْجَارٌ كَثِيرَةٌ.

۶ الْغُرَابُ: طَائِرٌ أَسْوَدُ اللَّوْنِ لَيْسَ جَمِیلَ الصَّوْتِ.

۷ الضَّيْفُ: هُوَ الَّذِي يَدْخُلُ الْبَيْتَ بِدَعْوَةٍ أَوْ بِغَيْرِ دَعْوَةٍ.

التَّمْرِینُ السَّابِعُ: در جای خالی، یکی از کلمه‌های زیر را بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

عَلَيْكَ / ذَهَبَ / الْجُلُوسُ / الْحَجَرُ / الْجَاهِلُ / الْأَمَانُ / الصُّعَابُ

۱ أَدَبَ الْمَرْءُ، خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ.

۲ الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ، كَالنَّفْسِ فِي الْحَجَرِ.

۳ نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ؛ الصُّحَّةُ وَالْأَمَانُ.

۴ الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

۵ عِدَاوَةُ الْعَاقِلِ، خَيْرٌ مِنْ صِدَاقَةِ الْجَاهِلِ.

التَّمْرِینُ الثَّامِنُ: متضاد کلمه‌های داخل جدول را در کلمات زیر پیدا کنید و بنویسید.

کثیر / لئیل / نهایه / قریب / جمیل / صداقه / یمین / غالیه / شراء / فَرَحَ / کَذَبَ / حَارَّ
رَخِیصَةٌ ≠ غَالِيَةٌ بَعِيدٌ ≠ قَرِيبٌ یَسَارٌ ≠ یَمِینٌ بَیْعٌ ≠ شِرَاءٌ بِدَایَةٌ ≠ نِهَایَةٌ بَارِدٌ ≠ حَارٌّ
حَزَنٌ ≠ فَرَحٌ قَبِیحٌ ≠ جَمِیلٌ صَدَقٌ ≠ کَذَبٌ قَلِیلٌ ≠ کَثِیرٌ عِدَاوَةٌ ≠ صِدَاقَةٌ نَهَارٌ ≠ لَیْلٌ

التَّمْرِینُ التَّاسِعُ: این کلمات را در جای مناسبی از جدول بنویسید.

أوراق – فَلَاحَانٍ – شَجَرَةٌ – رِیَاضِیُّونَ – سَيِّدَاتُ – مُدَرِّسَتَانِ

مفرد مؤنث: شَجَرَةٌ مثنای مذکر: فَلَاحَانٍ مثنای مؤنث: مُدَرِّسَتَانِ

جمع مذکر سالم: رِیَاضِیُّونَ جمع مؤنث سالم: سَيِّدَاتُ جمع مکسر: أوراق

الأربعينيات (گفت و گوهای اربعینی)

الْشُّرْطَى وَ الزَّائِرُ

پلیس و زائر

- | | |
|--|--|
| — أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ! | — شُكْرًا. سَاعَدَكَ اللَّهُ! |
| خوش آمدید! | سپاسگزارم. خدا قوت! |
| — كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي الْعِرَاقِ؟ | — نَبْقَى أُسْبُوعَيْنِ. |
| چند روز در عراق می مانید؟ | دو هفته می مانیم. |
| — إِلَى أَيِّ مَدْنٍ تُرِيدُونَ الدَّهَابَ؟ | — إِلَى النَّجَفِ وَ كَرْبَلَاءَ وَ الْكَاْظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ؟ |
| به کدام شهرها می خواهید بروید؟ | به نجف، كربلا، کاظمین و سامرا. |
| — كَمْ يَوْمًا تَبْقَوْنَ فِي النَّجَفِ؟ | — نَبْقَى يَوْمَيْنِ. |
| چند روز در نجف می مانید؟ | دو روز می مانیم. |
| — وَ كَمْ يَوْمًا فِي بَاقِي الْمَدْنِ؟ | — فِي الْكَاْظِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ يَوْمَيْنِ، وَ الْبَاقِي فِي كَرْبَلَاءَ. |
| و چند روز در بقیه شهرها؟ | در کاظمین و سامرا دو روز و بقیه در كربلا. |
| — أَتَمَنَّى لَكُمْ زِيَارَةً مَقْبُولَةً! | — حَفِظَكَ اللَّهُ! |
| برایتان زیارتی قبول شده آرزو می کنم. | خدا حفظت کند! |
| — خُذْ جَوَاْزَكَ وَ اذْهَبْ، فِي أَمَانِ اللَّهِ! | — شُكْرًا جَزِيلًا. فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ! |
| گذرنامهات را بردار (بگیر، ببر)، خداحافظ! | بسیار سپاسگزارم. در پناه و حفظ خدا. |
- مَنْ زَارَنَا فِي مَمَاتِنَا فَكَأَنَّمَا زَارَنَا فِي حَيَاتِنَا.
- هرکس ما را در مرگمان زیارت کند؛ گویی در زنده بودنمان ما را زیارت کرده است.

ارزش یابی

در ارزش یابی از درس اول باید توجه داشت که همان گونه که از نام درس پیداست، همه این درس ارزش یابی است و نیازی به ارزش یابی مجدد از آن نیست. پس می توان از دانش آموزان خواست تا در گروه های چندنفره آن را حل کنند، سپس رفع اشکال توسط معلم انجام شود، یا اینکه در منزل حل کنند و در کلاس رفع اشکال گردد. انتظار نمی رود در عرض دو جلسه آموزشی در آغاز مهر ماه کل مطالب عربی پایه هفتم و هشتم به اندازه کافی تکرار و تمرین شود. در این درس فقط مهم ترین مطالب تکرار شده است و به تدریج در درس های بعد و در کتاب های آینده این تکرار در متون، عبارات و تمرینات انجام خواهد شد.

وسایل کمک آموزشی

شایسته است دبیران محترم، از این وسایل کمک آموزشی در کلاس استفاده کنند: کتاب گویا، نرم افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف^۱، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش کارت

دانش افزایی برای دبیر (نه برای دانش آموز)

۱ جمع «این» به دو صورت اَبْنَاء و بَنَوَ (بَنَيْنَ) درست است. واژه بنین ملحق به جمع مذکر سالم است. ملحق به جمع مذکر سالم کلماتی اند که اعراب جمع مذکر را می گیرند؛ امّا شرایط آن را ندارند و معروف ترین آنها عبارت اند از کلماتی که معنای جمع دارند و مفردی از خود ندارند؛ مانند: «أولو» و «عالمون» (جمع عالم) و «اعداد عقود» مانند «عشرون» تا «تسعون» و کلماتی نظیر «بنون» و «أرضون» و «سنون» که ملحق به جمع به شمار می آیند.

۲ تلمیذ: به معنای دانش آموز دبستان است. واژه سُرْیانی معرّب به معنای شاگردی است که پیشه‌ای می آموزد. (خود کلمه شاگرد نیز در فارسی شاه گرد بوده است. یعنی خدمت گزاری که گرد شاه

۱. آموزگاران، خبرنگاران و... اینفوگرافیک را به عنوان امتیازی یافته اند که در رساندن تندتر و تیزهوشانه تر مقاصدشان به مخاطبان آنها را یاری می رساند. (یک انقلاب بصری)

امروزه باید بصری صحبت کنیم. با تصویرسازی درست، افراد می توانند سریع تر و با پشتیبانی اطلاعات بهتر تصمیم سازی کنند. اینفوگراف چیست؟

واژه اینفوگراف Infograph کوتاه شده Information Graphic است. امروزه اینفوگراف ها را بسیار در اطراف خود می بینیم. اینفوگرافیک نمایشگر تصویری اطلاعات و داده ها است.

مردم توجه کمتری به نوشته ها و متون دارند و این توجه کمتر و کمتر می شود و تمایل برای صرف زمان بیشتر بر جنبه های بصری وجود دارد. استفاده از گرافیک های اطلاع رسان باعث می شود بیننده با نگاهی کوتاه حجم قابل توجهی از اطلاعات را که شکل نوشتاری آن ممکن است مقاله بلند بالایی را تشکیل دهد، به سادگی از طریق بصری دریافت کند و حتی آن را به خاطر بسپارد. شاید به همین دلیل باشد که امروزه گرافیک های اطلاع رسان همه جا دیده می شوند، از نشریات گرفته تا علامت های راهنمایی و رانندگی.

آنچه یک دیدن کند ادراک آن سالها نتوان نمودن با بیان (مولوی)

نخستین اینفوگرافیک ها را می توان در نگاره های داخل غار انسان های نخستین یافت.

برخی اینفوگراف ها یک داستان را در یک نگاه کوتاه و خواندن مختصر بیان می کنند. برخی دیگر کمی پیچیده ترند و نیاز دارند که خواننده زمان بیشتری به همراه تفکر صرف کند.

جدول صرف فعل مضارع در حالی که در آن به حروف مضارعه (يَتَدَنَّ، أَ) و ضمائر اشاره شده است زبان عربی را زبانی دشوار جلوه گر می سازد. دانش آموز با دیدن جزوه ای که قواعد فعل مضارع را مفصلاً آموزش می دهد یادگیری زبان عربی را بسیار سخت می بیند؛ امّا یک اینفوگراف او را کنجکاو و علاقه مند می سازد.

در یک اینفوگراف جملاتی مانند «الْأَعْبُ الثَّائِرُ يَرْقُعُ الْكَأْسُ». دیده می شود که در کنار آن تصویر بازیکنی که جام پیروزی را بالا برده است، دانش آموز با دیدن جمله ها و تصاویر با ساختار فعل مضارع آشنا می شود.

است.) جمع آن افزون بر تَلَامِیْذ، تَلَامِیْذَة نیز هست. در فارسی مصدر «تَلَمَّذ» را از آن ساخته‌ایم که در عربی به کار نمی‌رود. تلمیذ تقریباً هم‌معنای طَالِب است. اما طَالِب دانش‌آموز دبیرستانی یا دانشجو است؛ مثال: طَالِب ثانَوی: دانش‌آموز دبیرستانی و طَالِب جامِعی: دانشجو.^۱

۳ «قَامَ»؛ یعنی ایستاد، برخاست، بلند شد؛ اَمَّا وَقَفَ؛ یعنی ایستاد، توقف کرد.^۲

۴ دِرَاسَة به دو معنای «درس خواندن» و «بررسی و پژوهش» است.

مصدر «دَرَسَ یَدْرُسُ» می‌شود: «دِرَاسَة و دَرَس» دَرَس الثَّوْب: جامه را کهنه کرد.

وجه تسمیه دَرَس همین است که آن قدر باید خواند که گویی مانند جامه‌ای کهنه شود.^۳

۵ فرق عام و سَنَة: معمولاً این دو مترادف گرفته می‌شوند. در فرهنگ‌های لغت عربی و فارسی هر دو را مترادف یا با تعاریفی نزدیک به هم ذکر کرده‌اند، المنجد ذیل عام (عَوَم) آن را این‌گونه تعریف کرده است: أربعة فصول، سنة كاملة متوالية و در تعریف سنة (سنا – سنو) آورده‌اند: «اثنا عشر شهراً» و «۳۶۵ يوماً»؛ یعنی «سَنَة» همان سال خورشیدی است. گفته می‌شود: عام الفیل، عام الحزن، عام الوفود، عام فتح مکه؛ ولی گفته نمی‌شود: سنة الفیل، سنة الحزن و سنة فتح مکه. امروزه عام ۲۰۱۴ و سنة ۲۰۱۴ هر دو گفته می‌شود؛ اما در متون کهن (سنة) گفته می‌شد و (عام) برای حوادث بوده است.

امروزه اصطلاح «العَامُ الدَّرَاسی» کاربرد بیشتری از «السَّنَة الدَّرَاسیَّة» دارد.^۴

۶ «مَمَرٌ»؛ یعنی راهرو یا گذرگاه. «مَمَرٌ الطَّابِقِ الثَّالِثِ»؛ یعنی راهرو طبقه سوم.^۵

۷ «زَادَ» دو معنا دارد: زیاد شد، زیاد کرد.^۶

۱. تلمیذ: دانش‌آموز دبستانی، شاگرد / الجمع: تَلَامِیْذَة و تَلَامِیْذُ

۲. قَامَ: قَامَ إِلَى / قَامَ بِ / قَامَ عَلَى / قَامَ لَا یَقُومُ، قُمَ، قِیَامًا، و اسم فاعله قائم و اسم مفعوله مَقُوم

۳. دَرَسَ / دَرَسَ بِ / دَرَسَ فِی یَدْرُسُ، دِرَاسَة دَرَسَ، و اسم فاعله دارس، و اسم مفعوله مَدْرُس و الجمع: دُرُسُ، و دَوَارُسُ

۴. عام: (اسم) الجمع: أَعْوَام / العام: السَّنَة / رأس العام: أَوَّلُهُ

عام الحُرْن: العام العاشر من بعثة النبی ﷺ و هو العام الذی تُوفی فیهِ أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى الرَّسُولِ و أَزْهَمُ عِنْدَهُ: زوجته خدیجة، و عمّه أبوطالب.

عام الفیل: العام الذی هجم فیهِ الأَحْبَاشُ بِأَفْیَالِهِمْ عَلَى الْكَعْبَةِ، و فیهِ كَانَتْ وَلَادَةُ النَّبِیِّ ﷺ.

سَنَة: (اسم) الجمع: سَنَوَات، و سِنَوَنَ

۵. مَمَرٌ: راهرو، گذرگاه الجمع: مَمَرَات و مَمَارَ

۶. عَلَى مَمَرٍ الْعَصُور: عَلَى طُولِهَا و مَدَاهَا / عَلَى مَمَرٍ الْفُصُول: عَلَى تَوَالِیْهَا و تَعَاقِبِهَا / مَمَرٌ مَائِي: مَسْطَحٌ مَائِي صَالِحٌ لِلْمَلَاخَةِ كَنَهْرٍ أَوْ قَنَاةٍ / مَمَرٌ الرِّجَالِیْنَ، مَمَرٌ الْمَشَاةِ: الْحَبِيزُ الْمَوْجُودُ بَيْنَ خَطَّیْنِ عَرِیضَیْنِ وَالرَّابِطُ بَيْنَ رَصِیْقَیْنِ

۷. زَادَ / زَادَ عَلَى / زَادَ عَنْ / زَادَ فِی / زَادَ یَزِیدُ، زَدَ، زِیَادَة، زَیَّدَ، مَزَیَّدٌ و اسم فاعله زائد و اسم مفعوله مَزَیْد – لِلْمَتَعَدِّی:

زَادَ عَدَدُ السَّكَّانِ: تَضَاعَفَ، كَثُرَ / زَادَهُ اللَّهُ رِزْقًا عَلَى رِزْقِهِ: وَهَبَهُ، مَنَحَهُ طَهُ آیَة ۱۱۴ ﴿وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا﴾

زَادَ الشَّيْءُ: جَعَلَهُ یَزِیدُ / زَادَ الطَّيْنُ بِلَّةً: زَادَ الْأَمْرُ سَوْءًا، أَوْ خَطُورَةً / زَدَ عَلَى ذَلِكَ أَنْ: أَضِفَ إِلَى ذَلِكَ

الدَّرْسُ الثَّانِي

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۹ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ قرائت و ترجمه متن درس از عربی به فارسی
- ۳ درک پیام متن درس
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ تشخیص حروف اصلی
- ۶ تشخیص وزن کلمات
- ۷ دانستن معنای اسم‌های بر وزن «فَاعِل» و «مَفْعُول»

فرایند آموزش

متن درس دوم درباره اهمیت قوانین راهنمایی و رانندگی است. سالانه در ایران ده‌ها هزار نفر در تصادفات کشته و زخمی می‌شوند. لذا این وظیفه هر درسی است که فراخور حال خود، به این موضوع گریزی بزند. در کتاب درسی مانند فارسی یا اجتماعی این موضوع به راحتی قابل بررسی است؛ ولی در کتاب زبان عربی از آنجا که مشکل ساختار و واژگان وجود دارد؛ لذا محدودیت بسیاری وجود دارد؛ با این حال، یکی از متون کتاب به این موضوع پرداخته است، تا دبیر به بهانه آن به دانش‌آموزان که رانندگان آینده‌اند تلنگری بزند.

بلافاصله پس از همه درس‌های کتاب عربی نهم درک مطلب آمده است. این تمرین، به منظور تسهیل آموزش به صورت «تشخیص درست، یا نادرست» طراحی شده است.

قَوَانِينُ الْمُرُورِ

قانون‌های رانندگی

رَجَعَ سَجَادٌ مِنَ الْمَدْرَسَةِ حَزِينًا؛ عِنْدَمَا جَلَسَ عَلَى الْمَائِدَةِ مَعَ أُسْرَتِهِ، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ فَجَاءَهُ وَ ذَهَبَ إِلَى غُرْفَتِهِ؛ ذَهَبَ أَبُوهُ إِلَيْهِ وَ تَكَلَّمَ مَعَهُ وَ سَأَلَهُ: «لِمَاذَا مَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ؟!»

سجاد با ناراحتی (اندوهگین) از مدرسه برگشت؛ وقتی که همراه خانواده‌اش سر سفره غذا نشست، ناگهان شروع به گریه کرد و به اتاقش رفت. پدرش به سوی او رفت و با وی سخن گفت و از او پرسید: «چرا غذا نخوردی؟!»

أَجَابَ: «هَلْ تَعْرِفُ صَدِيقِي حُسَيْنًا؟» قَالَ: «نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ؛ هُوَ وَلَدٌ ذَكِيٌّ وَ هَادِيٌّ. مَاذَا حَدَّثَ لَهُ؟»
پاسخ داد: «آیا دوستم حسین را می‌شناسی؟» گفت: «بله؛ می‌شناسمش؛ او پسری باهوش و آرام است. چه اتفاقی برایش افتاده است؟»

أَجَابَ سَجَادٌ: «هُوَ رَقَدَ فِي الْمُسْتَشْفَى؛ صَدَمَتْهُ سَيَّارَةٌ. وَقَعَتِ الْحَادِثَةُ أَمَامِي؛ عِنْدَمَا شَاهَدْتُهُ عَلَى الرَّصِيفِ الْمُقَابِلِ؛ نَادَيْتُهُ.

سجاد پاسخ داد: «او در بیمارستان بستری شده است؛ ماشینی به او برخورد کرد؛ حادثه جلوی من اتفاق افتاد؛ وقتی که وی را در پیاده‌رو روبه‌رو (مقابل) دیدم؛ صدایش زدم.

فَقَصَدَ الْعُبُورَ بِدُونِ النَّظَرِ إِلَى السَّيَّارَاتِ وَ مِنْ غَيْرِ مَمَرٍ الْمَشَاةِ؛ فَقَرَّبْتُ مِنْهُ سَيَّارَةً وَ صَدَمَتْهُ. كَانَتْ سُرْعَةُ السَّيَّارَةِ كَثِيرَةً.

و قصد کرد (خواست) بدون نگاه کردن به خودروها و از جایی جز خط‌کشی عابر پیاده عبور کند. در نتیجه خودرویی به او نزدیک شد و به وی برخورد کرد. سرعت خودرو بسیار بود.

قَالَ أَبُوهُ: «كَيْفَ حَالُهُ الْآنَ؟» قَالَ سَجَادٌ: «هُوَ مَجْرُوحٌ».

پدرش گفت: «اکنون حالش چطور است؟» سجاد گفت: «او زخمی است».

فِي الْيَوْمِ التَّالِيِ طَلَبَ الْمُدَرِّسُ مِنْ تَلَامِيذِهِ كِتَابَةَ قَوَانِينِ الْمُرُورِ وَ رَسَمَ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ فِي صَحِيفَةٍ جِدَارِيَّةٍ وَ رِعَايَةَ الْأَعْمَالِ الصَّحِيحَةِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ.

در روز بعد معلم از دانش‌آموزانش خواست در یک روزنامه دیواری قوانین رانندگی را بنویسند و علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی کنند و کارهای درست را در خیابان‌ها و راه‌ها رعایت کنند.

ثُمَّ أَخَذَ الْمُدِيرُ تَلَامِيذَ الْمَدْرَسَةِ إِلَى مَنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ.

سپس مدیر، دانش‌آموزان مدرسه را به پارک آموزش ترافیک برد.

وَبَعْدَ يَوْمَيْنِ جَاءَ شُرْطُي إِلَى الْمَدْرَسَةِ مِنْ إِدَارَةِ الْمُرُورِ لِشَرْحِ إِشَارَاتِ الْمُرُورِ وَ طَلَبَ مِنْهُمْ الْعُبُورَ مِنْ مَمَرِ الْمَشَاةِ.

و پس از دو روز، پلیسی از اداره راهنمایی و رانندگی برای شرح علامت‌های راهنمایی و رانندگی به مدرسه آمد و از آنها درخواست کرد از گذرگاه پیاده (خط‌کشی پیاده) عبور کنند.

كَتَبَ التَّلَامِيذُ صَحِيفَةً جِدَارِيَّةً وَ رَسَمُوا فِيهَا عَلَامَاتِ الْمُرُورِ وَ شَرَحُوا مَعَانِيَهَا. دانش‌آموزان یک روزنامه دیواری نوشتند و در آن علامت‌های راهنمایی و رانندگی را نقاشی کردند (رسم کردند) و معانی آن را شرح دادند.

درک مطلب

- | | | |
|---|--|------|
| ۱ | كَانَ مَوْضِعُ الصَّحِيفَةِ الْجِدَارِيَّةِ قَوَانِينِ الْمُرُورِ. | صحیح |
| ۲ | الْمُدِيرُ أَخَذَ التَّلَامِيذَ إِلَى مِنْطَقَةِ تَعْلِيمِ الْمُرُورِ. | صحیح |
| ۳ | رَقَدَ حَسِينٌ فِي مُسْتَوَصِفٍ قَرِيبٍ مِنْ بَيْتِهِ. | غلط |
| ۴ | رَجَعَ سَجَادٌ إِلَى مَنْزِلِهِ مَسْرُورًا. | غلط |
| ۵ | أُسْرَةُ سَجَادٍ مَا عَرَفَتْ حُسَيْنًا. | غلط |

بدانیم

در بخش «بدانیم» مبحث وزن و حروف اصلی به دانش‌آموز تدریس شده است؛ یک هدف اصلی این بخش، کمک به املاي دانش‌آموز است؛ یکی از راه‌هایی که معلّم ادبیّات فارسی به دانش‌آموزان پیشنهاد می‌کند تا املاي درست کلمات را تشخیص دهند مراجعه به هم‌خانواده و حروف اصلی کلمه است؛ لذا این مبحث در یاری رساندن به املا بسیار مؤثر است؛ مثلاً برای درست نوشتن کلمه «استحکامات» مراجعه به هم‌خانواده‌های آن؛ یعنی «مستحکم و محکم و...» به درست‌نویسی آن کمک می‌کند.

فَن تَرْجَمِهِ

در اینجا دانش‌آموز با معنای دو وزن «فَاعِلٍ» و «مَفْعُول» آشنا می‌گردد. در کتاب درسی این دو وزن این گونه تعریف شده است: معمولاً وزن «فَاعِلٍ» به معنای «انجام‌دهنده، یا دارنده حالت» و وزن «مَفْعُول» به معنای «انجام‌شده» است؛ مثال: حامد: ستاینده، مَحْمُود: ستوده شده

در صورت داشتن وقت می‌توان مثال‌های بیشتری پرسید؛ مثلاً:
 قَاتِل، مَقْتُول، ضَارِب، مَضْرُوب، شَامِل، مَشْمُول، حَافِظ، مَحْفُوظ، وَاجِد، مَوْجُود، وَالِد، مَوْلُود، رَافِع،
 مَرْفُوع، حَاكِم، مَحْكُوم، شَاهِد، مَشْهُود، عَابِد، مَعْبُود، حَامِل، مَحْمُول، وَارِد، مَوْرُود و

تمرین‌ها

تمرینات این درس نیز مانند درس اوّل کوتاه و ساده‌اند؛ تا دانش‌آموز با حلّ تمرین بتواند خود را بیازماید و آموخته‌هایش را تثبیت کند.

تمرین اوّل: هدف، تشخیص حروف اصلی و ترجمه کلمات است. فراگیر در بخش «بدانیم» و «فَنّ ترجمه» با مفهوم ریشه و وزن آشنا شده است. اکنون در این تمرین می‌تواند آموخته خویش را ملکه ذهن کند.

تمرین دوم: نظر به اهمّیت باب‌های ثلاثی مزید، در این تمرین، وزن فعل‌های باب‌های ثلاثی مزید طرّاحی شده است؛ امّا هدف مطلقاً تدریس ابواب ثلاثی مزید نیست. هدف این است که گوش و چشم دانش‌آموز به این کلمات عادت کند. افعال ثلاثی مزید حتّی معتل در پایه هفتم و هشتم نیز آمده بود؛ امّا هدف آموزش فعل ثلاثی مزید نبود؛ مثال: أَحَبَّ، إِشْتَرَى، أَعْطَى، شَاهَدَ و سَافَرَ. در کتاب نهم نیز فعل‌های ثلاثی مزید بسیار به کار رفته است، امّا هدف آموزش فعل ثلاثی مزید نیست. دانش‌آموز باید فعل «شَاهَدَ» را بشناسد و بداند به معنای «دید» است و فعل «يُشَاهِدُ» را نیز بشناسد و بداند به معنای «می‌بیند» است؛ امّا این که بتواند از «شَاهَدَ» فعل مضارعش و یا از «يُشَاهِدُ» فعل ماضی‌اش و یا از «تُشَاهِدُ» فعل امرش را بسازد به هیچ روی از اهداف آموزشی نیست. هدف تنها دانستن معنای این کلمات است، آن هم در میان جمله نه مستقلاً. اگر دانش‌آموز بتواند خوب بخواند و خوب بفهمد و خوب ترجمه کند می‌تواند خوب نیز بسازد. ولی ساختن، هدف کتاب نیست هرچند خودبه‌خود ساختن نیز حاصل می‌شود، امّا به منظور تسهیل آموزش و ارزش‌یابی این الزام وجود دارد که از ساختن خودداری کنیم. دانش‌آموزی که علاقه‌مند است به دنبال «ساختن» می‌رود و دانش‌آموزان دیگر فقط در حدّ فهم متن عربی می‌آموزند. تخصّص در مرحله دانشگاهی است. کسانی که علاقه‌مند هستند در دانشگاه زبان و ادبیات عرب را به صورت تخصّصی خواهند خواند.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت خواندن و واژه‌شناسی و ترجمه است. این تمرین، توان دانش‌آموز را در شناخت کاربرد کلمات تقویت می‌کند.

تمرین چهارم: هدف، بازآموزی مبحث ضمیر است که در عربی هفتم و هشتم به کار رفته است. دانش‌آموز در این جا ضمایر پراکنده را به صورت مرتّب و یک‌جا می‌بیند. این تمرین، او را در شناخت

ضمیر کمک می‌کند. چنین‌ضمایر در صورت سؤال براساس سبک سنتی صرف است.
تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. او باید بتواند جمله را درست بخواند و درست ترجمه کند و معانی کلمات را نیز بداند، تا بتواند تشخیص دهد کدام کلمه را می‌توان در جای خالی گذاشت.

تمرین ششم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. باید مراقب بود که در طرح سؤال دو گزینه درست نباشد؛ مثلاً در تشخیص کلمه ناهماهنگ در میان این چهار کلمه دو گزینه درست است.
 حمامة / عُصفور / غراب / وَلَد

گزینه ناهماهنگ می‌تواند حمامة باشد چون مؤنث است و از سوی دیگر می‌تواند ولد باشد که دانش‌آموز آن را به معنای «پسر» می‌گیرد و با خودش می‌گوید بقیه کلمات پرنده‌اند، ولی این یکی انسان است.

تمرین هفتم: بی‌گمان آشنایی با قرآن و حدیث از اهداف اصلی کتاب عربی است؛ لذا این تمرین که درباره وزن کلمات است از احادیث گهربار پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام برگزیده شده است. دانش‌آموز در عین حال که دارد روی مبحث وزن کلمات تمرین می‌کند با سخنانی حکیمانه مواجه می‌شود که می‌تواند در رفتار و نگرش او تأثیر عمیقی بگذارد.

تمرین هشتم: درک مطلب، غایت والای کتاب درسی عربی هفتم، هشتم و نهم است. متن برگزیده درباره خانواده‌ای در یکی از شهرهای استان سیستان و بلوچستان است. در کتاب درسی عربی سعی شده است نام استان‌ها و شهرها و مناطق مختلف ایران ذکر شود (مازندران، خراسان، کرمان، زاهدان، یاسوج، شیراز، اصفهان، تبریز، سنجند، ایلام، بیستون، اهواز، شوشتر، پل گاومیشان، خرم‌آباد، مشهد، همدان، بدره، جنگل آرسباران ...).

نورُ السَّماءِ: هدف پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. دانش‌آموز در این‌جا آیاتی از کلام الله مجید تلاوت می‌کند. گزینش آیاتی که در راستای ساختار کتاب درسی باشد بسیار دشوار است. گزینش حدیث، ساده است ولی در مورد آیات قرآن وضعیت فرق دارد. احادیث کوتاه بسیاری وجود دارند، ولی آیات کوتاهی که از نظر ساختاری و واژگانی در حد کتاب درسی باشند، به فراوانی احادیث نیستند؛ بنابراین، تأکید می‌شود در ارزش‌یابی‌ها آیات تغییر داده نشوند.

ارزش‌یابی

در تشخیص وزن و حروف اصلی باید با روش کتاب و از مثال‌هایی شبیه به کتاب درسی استفاده کرد. مؤسّسات خصوصی که کتاب‌های کار را وارد مدارس می‌کنند سؤالاتی طرح می‌کنند که هیچ سود آموزشی ندارد.

توجّه داشته باشیم که در طرح سؤال از وزن و حروف اصلی فقط باید از کلمات صحیح و سالم و آشنا استفاده کنیم و چنین کلماتی نیز طرح نشود: ملائکه و مأیوس. کلماتی مانند «انتقام» نیز در امتحان نباید طرح شود؛ زیرا حروف اصلی «ن ق م» برای دانش‌آموز ناآشناست. چنین شیوه‌ای در امتحان فقط برای ایجاد انزجار از درس عربی مؤثر است و متأسفانه در برخی آزمون‌های مؤسّسات خصوصی، گاهی آزمون‌های غیراستاندارد طرح می‌شود. هرکس چنین سؤالاتی طرح می‌کند دانسته، یا نادانسته به فرایند آموزش درس عربی در مدارس ضربه می‌زند.

وسایل کمک آموزشی

کتابِ گویا، نرم‌افزار آموزشی، فیلم، اینفوگراف، پاورپوینت، کلیپ آموزشی، اسلاید، پوستر، فلش کارت افزون بر وسایل کمک آموزشی یاد شده می‌توان از زبان فارسی نیز کمک گرفت. در کتاب‌های فارسی سال‌های گذشته بحث هم‌خانواده در کتاب درسی، بسیار مطرح شده است و دانش‌آموزان به اندازه کافی با این بحث آشنا هستند. می‌توان برای فهم بهتر این موضوع، میان دو کتاب عربی و فارسی ارتباطی برقرار کرد.

هماهنگی در حلّ تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: حروف اصلی و ترجمه کلمات زیر را بنویسید.

عابد، مَعْبُود: «ع ب د» پرستش‌گر، پرستیده	فاتح، مَفْتُوح: «ف ت ح» گشاینده، گشوده
کاتب، مَكْتُوب: «ک ت ب» نویسنده، نوشته	ضارب، مَضْرُوب: «ض ر ب» زنده، زده شده
خادم، مَخْدُوم: «خ د م» خدمت‌کننده، خدمت‌شده	شاهد، مَشْهُود: «ش ه د» بیننده، دیده شده

التَّمْرِينُ الثَّانِي: وزن کلمات جدول را بنویسید.

أَفْعَلٌ، يُفْعَلُ، إِفْعَالٌ / فَعَلٌ، يُفْعَلُ، تَفْعِيلٌ / تَفَاعَلٌ، يَتَفَاعَلُ، تَفَاعُلٌ / تَفَعَّلَ، يَتَفَعَّلُ، تَفَعُّلٌ / اِسْتَفْعَلَ، يَسْتَفْعَلُ، اِسْتِغْعَالٌ / فاعَلٌ، يُفاعِلُ، مُفاعِلَةٌ / اِنْفَعَلَ، يَنْفَعِلُ، اِنْفِعالٌ / اِفْتَعَلَ، يَفْتَعِلُ، اِفْتِعالٌ

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: پرسش‌ها و پاسخ‌های مربوط به هم را به یکدیگر وصل کنید.

- | | |
|-------------------------|--|
| ۱ قَوَانِينُ الْمُرُورِ | قَوَاعِدُ الْمُرُورِ فِي الشُّوَارِعِ وَ الطَّرِيقِ. |
| ۲ الْمُسْتَشْفَى | مَكَانٌ مَجْهُزٌ لِفَحْصِ الْمَرْضَى. |
| ۳ الرَّصِيفُ | جَانِبُ مِنَ الشَّارِعِ لِمُرُورِ النَّاسِ. |
| ۴ الصَّحِيفَةُ | أَوْرَاقٌ فِيهَا أَخْبَارٌ وَ مَعْلُومَاتٌ أُخْرَى. |
| ۵ الْبُكَاءُ | جَرَيَانُ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزَنِ. |

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: جاهای خالی را با کلمات داده شده پُر کنید.

من: أنا / تو: أنت، أنتِ / او: هو، هي / ما: نحن / شما: أنتم، أنْتُنَّ، أنْتُمَا / ایشان: هم، هُنَّ، هُما

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: در جاهای خالی از کلمات داده شده استفاده کنید. «یک کلمه اضافه است.»

التَّالِي / جِدَارِيَّة / شَاحِنٌ / تَلْمِيذٌ / الدَّمُوعُ / حَدَّثَ

۱ ما بِكَ يَا زَمِيلِي؟ لِمَ أَنْتَ حَزِينٌ؟ ماذا «حَدَّثَ»؟

۲ التَّلَامِيذُ مَشْغُولُونَ بِتَهْيِئَةِ صَحِيفَةٍ «جِدَارِيَّة».

۳ أَخَى «تَلْمِيذٌ» فِي الصَّفِّ السَّادِسِ الْإِبْتِدَائِيِّ.

۴ «الدَّمُوعُ» جَارِيَةٌ عَلَى وَجْهِ الطِّفْلِ.

۵ هَلْ عِنْدَكَ «شَاحِنٌ» الْهَاتِفِ الْجَوَالِ؟

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: کدام کلمه از نظر معنا با سایر کلمه‌ها «ناهماهنگ» است؟

«هَادِي» سَيَّارَةُ سَفِينَةٍ طَائِرَةٌ شَارِعٌ سَاحَةٌ «خَاتَمٌ» رَصِيفٌ «أَكَلٌ» رَأَى شَاهِدَ نَظَرَ
ماءِ شَرَابٍ شَاى «جَارٌ» يَدُ لِسَانٍ سَنَ «نَادَى»

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: احادیث زیر را ترجمه کنید. سپس کلماتی بر این وزن‌ها در آنها بیابید.

فَاعِلٌ: عَالِمٌ / يَفْعُلُ: يَسْتُرُ / فَعَالَةٌ: سَعَادَةٌ / فِعْلٌ: عِلْمٌ / فِعَالٌ: عِبَادٌ

۱ ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ الْفَاطِرُ: ۳۸

بی‌گمان، خدا دانای نهان آسمان‌ها و زمین است.

۲ حُسْنُ اللَّادِبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ^۱ الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نیکی ادب (ادب خوب) زشتی نسبت (اصل و نسب) را می‌پوشاند.

۳ إِنَّ أَحَبَّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَيَّ اللَّهُ أَنْصَحُهُمْ لِعِبَادِهِ. ۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بی‌گمان دوست داشتنی‌ترین بندگانِ خدا نزد خدا، اندرزگوترینشان برای بندگانِش هستند.

۴ شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالأَصْلِ وَالنَّسَبِ. ۲ الْإِمَامُ عَلِيُّ (ع)

شرفِ آدمی به دانش و ادب است، نه به اصل و نسب.

۵ مِنْ سَعَادَةِ ابْنِ آدَمَ حُسْنُ الْخُلُقِ وَمِنْ شَقَاوَةِ ابْنِ آدَمَ سُوءُ الْخُلُقِ. ۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

از خوشبختیِ آدمیزاد (فرزند آدم) خوش اخلاقی و از بدبختیِ آدمیزاد، بد اخلاقی است.

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: متن زیر را بخوانید سپس پاسخ پرسش‌های آن را بیابید.

أَنَا طَالِبٌ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ. اسْمِي إِسْحَاقُ. لِي أُخْتَانِ: مَهْدِيمٌ وَ لَالِينُ، هُمَا صَغِيرَتَانِ؛ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ وَ عِنْدِي أَخَوَانِ: هَاشِمٌ وَ جَوَادُ. هَاشِمٌ أَكْبَرُ أَوْلَادِ الْأُسْرَةِ؛ إِنَّهُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ الْآنَ هُوَ حُلَوْنِي. جَوَادُ فِي الصَّفِّ السَّابِعِ. نَحْنُ مِنْ مَدِينَةِ «سَرَاوَان» فِي مُحَافَظَةِ «سیستان و بلوچستان».

۱ لِماذا لَا تَذْهَبُ مَهْدِيمُ وَ لَالِينُ إِلَى الْمَدْرَسَةِ؟ لِأَنَّهُمَا صَغِيرَتَانِ. يَا هُمَا صَغِيرَتَانِ فَلَا تَذْهَبَانِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ.

۲ مَا اسْمُ أَكْبَرِ الْبَنَيْنِ فِي هَذِهِ الْأُسْرَةِ؟ هَاشِمٌ. يَا اسْمُهُ هَاشِمٌ.

۳ مَنْ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ؟ هَاشِمٌ. يَا هَاشِمُ تَخَرَّجَ مِنَ الْمَدْرَسَةِ.

۴ مِنْ أَيْنَ هَذِهِ الْأُسْرَةُ؟ مِنْ سَرَاوَان. يَا مِنْ مَدِينَةِ «زاهدان» فِي مُحَافَظَةِ «سیستان و بلوچستان».

۵ فِي أَيِّ صَفِّ إِسْحَاقُ؟ فِي الصَّفِّ التَّاسِعِ.

۶ كَمْ أُخْتًا لِإِسْحَاقُ؟ أُخْتَانِ. يَا لَهُ أُخْتَانِ. يَا عِنْدَهُ أُخْتَانِ.

هماهنگی در ترجمه آیات بخش «نور السماء»

۱ ﴿...مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ (البَقَرَةُ: ۶۲)

کسی که به خدا و روز رستاخیز ایمان دارد و کار شایسته می‌کند، پاداش آنها نزد پروردگارشان هست.

۲ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ (الصَّف: ۲)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا می‌گویید آنچه را انجام نمی‌دهید؟!

۱. نهج الفصاحه: صفحه ۲۶۹، حکمت ۵۷۸ / تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، جلد ۲- صفحه ۴۹

۲. ابن حدیث به شکل‌های گوناگون با همین مفهوم آمده است. غررالحکم و دررالکلم، جلد ۱، صفحه ۶۳

۳. کنز العمال، حکمت ۵۲۴۳

۳ ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ﴾ (الأحزاب: ۲۱)

قطعاً در فرستاده خدا برای شما الگوی خوبی هست. (همانا در رسول خدا برای شما الگوی نیکویی وجود دارد).

۴ ﴿إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ﴾ (البقرة: ۱۸۶)

هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، {بدانند که قطعاً} من به آنان نزدیکم.

۵ ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ﴾ (المجادلة: ۱۱)

خدا کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد.

الْأَرْبَعِينَ (گفت‌وگوهای اربعینی)

– أَيْمِكُنْ أَنْ تَرْجِعَ قَلِيلًا؟

– لا بَأْسَ.

اشکالی ندارد.

آیا ممکن است کمی به عقب برگردی؟ (هنگام شلوغی

مراسم دعا و نماز خطاب به شخصی که پشت سر ماست

این جمله را می‌گوییم تا جای نشستن ما باز شود)

– عَفْوًا؛ أَ تُعْطِينِي مَكَانًا حَتَّى أَجْلِسَ هُنَا؟

– نَعَمْ، تَفَضَّلْ.

آری، بفرما.

بخشید؛ آیا جایی به من می‌دهی تا اینجا بنشینم؟

– هَلْ يَسُدُّونَ بَابَ الْحَرَمِ هَذِهِ اللَّيْلَةَ؟

– نَعَمْ.

آری.

آیا امشب در حرم را می‌بندند؟

– عَفْوًا؛ أَيْنَ مَوْقِفُ سَيَّارَاتِ الْحَرَمِ؟

– خَلْفَ هَذِهِ الْبِنَاءِ.

پشت این ساختمان.

بخشید؛ ایستگاه خودروهای حرم کجاست؟

– هَلْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٍ لِلْعَتَبَةِ لِلذَّهَابِ إِلَى سَامَرَاءَ؟

– لا؛ مَعَ الْأَسْفِ.

نه؛ متأسفانه.

آیا خودروهای عتبه (آستانه) برای رفتن به سمت سامرا

وجود دارد؟

– أَيْمِكُنْ أَنْ تُسَاعِدَنِي؟

– لا بَأْسَ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ.

اشکالی ندارد. من در خدمت

هستم.

آیا امکان دارد به من کمک کنی؟

– عَلَى الْيَمِينِ.

سمت راست است.

– أَيْنَ الْحَرَمِ؟

حرم کجاست؟

- أَيْ جِهَةً بِلَا اِزْدِحَامٍ؟
کدام سمت شلوغ نیست؟
- هَذِهِ الْجِهَةُ، عَلَى الْيَسَارِ.
این سمت، دست چپ.
- مِنْ أَيْنَ اشْتَرَى شَا حِنَ الْجَوَالِ؟
از کجا شارژرِ تلفن همراه بخرم؟
- مِنْ ذَلِكَ الْمَحَلِّ.
از آن مغازه.
- أَيْ يُمْكِنُ أَنْ تُعْطِيَنِي شَا حِنَ الْجَوَالِ؟
آیا ممکن است شارژرِ تلفن همراه به من بدهی؟
- تَفَضَّلْ.
بفرما.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «آمَنَ» بر وزن أَفْعَلَ است. (آمَنَ، يُؤْمِنُ، إِيْمَان) اصلِ آن «أَمَّنَ» بوده که ادغام شده است.
- ۲ «أُسْوَةٌ» و قُدْوَةٌ مترادف‌اند. جمع آن أُسَى و إِسَى است. تَأَسَّى و اِئْتَسَى یعنی اِئْتَدَى
- ۳ «تَكَلَّمَ»؛ یعنی صحبت کرد. در محاورات عربستان معمولاً کَلَّمَ به کار می‌رود.^۱
- ۴ «رَقَدَ» و نام به معنای «خوابید» هستند. «مَرَقَدَ» از همین ریشه و به معنای خوابگاه یا آرامگاه است.
- ۵ ماضی و مضارع مصدر شَقَاوَةٌ، شَقِيَ يَشْقَى است که با سَعَدَ متضاد است و در فارسی این کلمه شَقَاوَت تلفظ می‌شود.
- ۶ فُجَاءَةً و فُجَاءَةً هم معنا هستند. فاجَأَهُ یعنی؛ غافل‌گیرش کرد.
- ۷ مضارع «فَقَدَ» به دو صورت يَفْقِدُ و يَفْقُدُ آمده، ولی در المنجد فقط يَفْقِدُ ذکر شده است. در فارسی مصدر فَقَدَانِ بیشتر به کار رفته است. در عربی فَقْدَانِ نیز گاهی به کار رفته است.
- ۸ «فَمَ»؛ یعنی دهان و جمع آن أَفْوَاه است به اعتبار اینکه اصل فَم، قَوْه می‌باشد. مثنای آن فَمَانِ، فَمَوَانِ و فَمِيَانِ به سه شکل به کار رفته است. اما شکل فَمَانِ بهتر است. اسم منسوب آن فَمِيٌّ است که فَمَوِيٌّ نیز کاربرد دارد. در ترکیب با کلمات معانی دیگری دارد؛ مثال: فَمُ الْمَعْدَةِ = باب‌المعدة / فَمُ الرُّجَاجَةِ = سر شیشه / فَمُ الْقِنِيَّةِ = سر بطری / فَمُ السَّيْفِ = لبه شمشیر
- ۹ «قُبْح» زشتی در گفتار، کردار، پندار و چهره است. قَبِيح نیز زشت است که در برابر جَمِيل قرار دارد. متضاد قُبْح حُسْن یا جَمَال است.
- ۱۰ «رَصِيفٌ»؛ یعنی «پیاده‌رو» و به معنای «استوار» نیز به کار رفته است. عَمَلٌ رَصِيفٌ: کار استوار جَوَابٌ رَصِيفٌ: پاسخ استوار

۱. مثلاً تَكَلَّمَ در سعودی کَلَّمَ و در عراق اِخْجَى (اِخْجَ) گفته می‌شود.

- ۱۱ «لَقَدْ» ترکیب لَ + قَدْ است و بر سر فعل ماضی برای تأکید در معنا به کار می‌رود.
- ۱۲ «لِمَ» ترکیب (لِ + ما) است که حرف الف کوتاه شده است. هنگامی که حرف جر بر سر مای استفاده می‌درآید، الفِ آن حذف می‌شود. مثال‌های دیگر: عَمَّ (عَنْ+ما)، مِمَّ (مِنْ+ما)، بِمَّ (بِ+ما)، فِیمَ (فِی+ما)، إِلَامَ (إِلَى+ما)، عَلَامَ (عَلَى+ما)
- ۱۳ «ما» معانی و کاربردهای زیادی دارد؛ مثال:
- ﴿مَا عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ﴾: به او شعر نیاموختیم
 - ﴿مَا يَنْبَغِي لَهُ﴾: شایسته او نیست.
 - ﴿مَا هَذَا بَشَرًا﴾: این آدمیزاد نیست.
 - ﴿وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾ (مریم: ۳۱) در اینجا ما دُمْتُ؛ یعنی مدت زندگی‌ام.
 - ما هذا؟ این چیست؟
 - ﴿مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾
 - آنچه نزد شماست تمام می‌شود و آنچه نزد خداست ماندگار است.
 - ﴿إِنْ تَبَدُّوا الصَّدَقَاتِ فَنِعْمًا هِيَ﴾؛ یعنی فَنِعْمَ الشَّيْءُ هِيَ.
 - غَسَلْتُهُ غُسْلًا نِعْمًا وَ دَقَّقْتُهُ دَقًّا نِعْمًا؛ یعنی نِعَمَ الْغُسْلِ وَ نِعَمَ الدَّقِّ.
 - مَرَرْتُ بِمَا مُعْجِبٌ لَكَ؛ یعنی بَشْءٍ مُعْجِبٍ لَكَ.
 - ما أَجْمَلُ الرَّبِّيعِ!؛ بهار چه زیباست!
 - إِنَّمَا أَخُوكَ ذُو هِمَّةٍ. در اینجا حرف كَافُهُ ما اجازه نداده است که إِنَّ بتواند کلمه أَخ را منصوب کند. إِنَّ أَخَاكَ ذُو هِمَّةٍ.
 - مادامت السماوات و الأرض؛ یعنی چندان که آسمان‌ها و زمین بپایند. (از اقسام مای زائده مای تأکید به معنای «چندان که» است).
 - ﴿القَارِعَةُ مَا الْقَارِعَةُ﴾؛ یعنی قیامت و چه قیامتی! در اینجا «ما» برای تفخیم به کار رفته است.
- ۱۴ «مُشَاة»؛ جمع ماشی به معنای پیاده است. مانند «قُضَاة» که جمع قاضی است. الْمَشْيُ به معنای پیاده‌روی و راه رفتن است. (مَشَى، يَمْشِي، مَشْيًا وَ تِمَشَاءً) در سفرهای زیارتی فعل امر «امْشِ» توسط مأموران بسیار به کار می‌رود که موجب ناراحتی برخی زائران می‌شود و تصوّر می‌کنند معنای بدی دارد؛ زیرا در گذشته حشره‌کشی به نام «امشی» وجود داشت.
- ۱۵ «نَادَى»؛ یعنی صدا زد. (نَادَى، يُنَادِي، مُنَادَاةً وَ نِدَاءً) نَادَا: او را صدا زد. فعل امر = نَادِ مانند نَادِ عَلِيًّا مظهر العجائب. در گویش محلی عراقی «صَيِّحْ» معادل «نَادِ» است.

۱۶ «هَادِي»؛ یعنی آرام. مانند الْمُحِيطُ الْهَادِيُّ: اقیانوس آرام. حروف اصلی هَادِي، (هده) است و حروف اصلی هادی: راهنما (هدی) است. هُدوء: آرامش و بِهِدوءٍ: به آرامی از همین ریشه است.

۱۷ نام چند وسیله به زبان عربی:

اتومبیل: سَيَّارَةٌ / دوچرخه: دَرَّاجَةٌ هَوَائِيَّةٌ / سه‌چرخه: دَرَّاجَةٌ ثَلَاثِيَّةٌ الْعَجَلَاتِ / موتورسیکلت: دَرَّاجَةٌ نَارِيَّةٌ (در عربستان: دَبَّاب) / جرثقیل: مِرْفَاع / اتوبوس: حَافِلَةٌ (در عربستان: باص) / هواپیما: طَائِرَةٌ / موشک: صاروخ / قایق: زَوْرَق، قَارِب / کشتی: سَفِينَةٌ، بَاخِرَةٌ / مینی‌بوس: حَافِلَةٌ صَغِيرَةٌ / کامیون: شَاحِنَةٌ

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۴ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان‌خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های خوانده شده
- ۵ شناخت و ترجمه فعل امر معادل دوم شخص مفرد (مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب) در جمله با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس ماجرای دو برادر است که با یکدیگر دشمنی پیدا می‌کنند و دشمنی میان خانواده‌شان نیز گسترش می‌یابد. تا جایی که برادر کوچک‌تر مزرعه را با نهري به دو نصف تقسیم می‌کند. در این هنگام نجاری از راه می‌رسد و از برادر بزرگ‌تر می‌پرسد آیا کاری دارد؟ در این هنگام، برادر بزرگ‌تر درخواست می‌کند با چوب‌های موجود در انبار خانه‌اش دیواری بسازد، تا دیگر چشمش به چشم برادرش نیفتد، اما نجار خیرخواه که متوجه دشمنی میان دو برادر می‌شود به جای دیوار پلی می‌سازد، برادر بزرگ که از بازار برمی‌گردد، با تعجب به پل نگاه می‌کند و نجار را سرزنش می‌کند که چرا به جای دیوار پل ساخته است؟! برادر کوچک‌تر نیز از راه می‌رسد و پل را می‌بیند و شرمنده می‌شود؛ او می‌پندارد که برادر بزرگ‌تر دستور ساختن پل را داده است، تا پیمان دوستی دو برادر قطع نشود و گریه‌کنان می‌آید، برادرش را می‌بوسد و معذرت‌خواهی می‌کند، برادر بزرگ‌تر با دیدن این صحنه متوجه ترفند نجار می‌شود. نجار پل دوستی ساخته بود. از او می‌خواهد که مهمان او باشد که نجار می‌گوید: باید بروم و چند پل دوستی دیگر بسازم.

معلوم می‌شود که نجار فردی شایسته و خیرخواه بوده است.

۱. پیام درس دربارهٔ صلۀ رحم، احترام به همسایه و تلاش برای از بین بردن دشمنی بین همسایگان و خویشان است.

جِسْرُ الصَّدَاقَةِ

پل دوستی

كَانَ حَمِيدٌ وَ سَعِيدٌ أَحَوَيْنِ؛ هُمَا كَانَا فِي مَزْرَعَةٍ قَمَحٍ. فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ وَقَعَتْ عَدَاوَةٌ بَيْنَهُمَا وَ غَضِبَ الْأَخُ الْأَكْبَرُ «حَمِيدٌ» عَلَى الْأَخِ الْأَصْغَرِ «سَعِيدٍ» وَ قَالَ لَهُ:

حمید و سعید دو برادر بودند؛ آن دو در یک مزرعه گندم (در مزرعه گندمی) بودند؛ در یکی از روزها میانشان دشمنی افتاد و برادر بزرگتر حمید بر برادر کوچکتر خشم گرفت و به او گفت:

«أُخْرِجْ مِنْ مَزْرَعَتِي». وَ قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرِزْوَجَةِ سَعِيدٍ: «أُخْرِجِي مِنْ بَيْتِنَا».

«از مزرعه ام خارج شو.» و همسر حمید به همسر سعید گفت: «از خانه مان خارج شو.»

فِي صَبَاحِ أَحَدِ الْأَيَّامِ طَرَقَ رَجُلٌ بَابَ بَيْتِ حَمِيدٍ؛ عِنْدَمَا فَتَحَ حَمِيدٌ بَابَ الْبَيْتِ؛ شَاهَدَ نَجَّارًا؛ فَسَأَلَهُ: «مَاذَا تَطْلُبُ مِنِّي؟»

در صبح یکی از روزها مردی در خانه حمید را زد؛ وقتی که حمید در خانه را باز کرد؛ نجاری را دید و از او پرسید: «از من چه می خواهی؟!»

أَجَابَ النَّجَّارُ: «أَبْحَثُ عَنْ عَمَلٍ؛ هَلْ عِنْدَكَ عَمَلٌ؟»

نجار جواب داد: «دنبال کاری می گردم (در جست و جوی کاری هستم)؛ آیا کاری داری؟»

فَقَالَ حَمِيدٌ: «بِالتَّأَكِيدِ؛ عِنْدِي مُشْكِلَةٌ وَ حَلُّهَا بِيَدِكَ».

حمید گفت: «البته؛ مشکلی دارم و حل آن در دست توست».

قَالَ النَّجَّارُ: «مَا هِيَ مُشْكِلَتُكَ؟» أَجَابَ حَمِيدٌ: «ذَلِكَ بَيْتٌ جَارِي؛ هُوَ أَخِي وَ عَدَوِي؛ أَنْظِرْ إِلَى ذَلِكَ النَّهْرِ؛ هُوَ قَسَمَ الْمَزْرَعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ؛ إِنَّهُ حَفَرَ النَّهْرَ لِأَنَّهُ غَضَبَانُ عَلَيَّ. عِنْدِي أَخْشَابٌ كَثِيرَةٌ فِي الْمَخْرَنِ؛ رَجَاءً، إِصْنَعْ جِدَارًا خَشَبِيًّا بَيْنَنَا».

نجار گفت: «مشکلت چیست؟» حمید جواب داد: «آن خانه همسایه ام است؛ او برادرم و دشمنم است؛ به آن رودخانه نگاه کن؛ او مزرعه را با آن نهر (جوی) به دو نیمه (نصفه) تقسیم کرده است؛ او نهر را گنده است (حفر کرده)؛ زیرا از من عصبانی است (بر من خشمگین است). چوب های بسیاری در انبار دارم؛ لطفاً دیواری چوبی میان ما بساز.

ثُمَّ قَالَ لِلنَّجَّارِ: «أَنَا أَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ وَ أَرْجِعُ مَسَاءً». عِنْدَمَا رَجَعَ حَمِيدٌ إِلَى مَرْعَتِهِ مَسَاءً نَعَجَبَ كَثِيرًا! النَّجَّارُ مَا صَنَعَ جِدَارًا! بَلْ صَنَعَ جِسْرًا عَلَى النَّهْرِ؛ فَغَضِبَ حَمِيدٌ وَقَالَ لِلنَّجَّارِ: «مَاذَا فَعَلْتَ؟! لِمَ صَنَعْتَ جِسْرًا?!»

سپس به نجار گفت: «من به بازار می‌روم و بعد از ظهر (اول شب) برمی‌گردم.» هنگامی که حمید بعد از ظهر به مزرعه‌اش برگشت، خیلی تعجب کرد؛ نجار دیواری نداشت؛ بلکه پلی را روی نهر ساخت، پس حمید خشمگین شد و به نجار گفت: «چه کردی؟! (چه کار کرده‌ای؟! چرا پلی ساختی؟! (ساخته‌ای؟!))

فِي هَذَا الْوَقْتِ وَصَلَ سَعِيدٌ وَ شَاهَدَ جِسْرًا؛ فَحَسِبَ أَنَّ حَمِيدًا أَمَرَ بِصُنْعِ الْجِسْرِ؛ فَعَبَّرَ الْجِسْرَ وَ بَدَأَ بِالْبُكَاءِ وَ قَبَّلَ أَخَاهُ وَ اعْتَذَرَ.

در این وقت سعید رسید و پلی را دید و گمان کرد که حمید به ساختن پل دستور داده است؛ پس، از پل عبور کرد و شروع به گریستن کرد و برادرش را بوسید و عذرخواست.

ذَهَبَ حَمِيدٌ إِلَى النَّجَّارِ وَ شَكَرَهُ وَقَالَ: «أَنْتَ صَبَفِي لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ».

حمید به سوی نجار رفت و از او تشکر کرد و گفت: «تو به مدت سه روز مهمان منی.»

اعْتَذَرَ النَّجَّارُ وَقَالَ: «جُورٌ كَثِيرَةٌ بَاقِيَةٌ؛ عَلَى الذَّهَابِ لِصُنْعِهَا».

نجار عذرخواهی کرد و گفت: «پل‌های زیادی مانده است؛ باید برای ساختن آنها بروم».

إِثْنَانِ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: قَاطِعُ الرَّجْمِ وَ جَارُ السَّوَاءِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دو تن خداوند به آنها نگاه نمی‌کند: برنده پیوند خویشان و همسایه بد.

درک مطلب

۱. قَالَتْ زَوْجَةُ حَمِيدٍ لِرَؤُوسَةِ سَعِيدٍ: أَخْرِجْنِي مِنْ بَيْتِنَا. صحیح
۲. صَنَعَ النَّجَّارُ جِدَارًا خَشْبِيًّا بَيْنَ الْأَخْوَيْنِ. غلط
۳. بَقِيَ النَّجَّارُ فِي بَيْتِ حَمِيدٍ لثَلَاثَةِ أَيَّامٍ. غلط
۴. سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. غلط
۵. مَا نَدِمَ سَعِيدٌ وَ مَا قَبَّلَ أَخَاهُ. غلط
۶. حَمِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ سَعِيدٍ. صحیح

۱. (شاید دانش‌آموز تحت اللفظ ترجمه کند. ← «رفتن برای ساختن آنها بر من لازم است.» در این صورت نمره کامل می‌گیرد؛ اما او را راهنمایی می‌کنیم که روان معنا کند).

آموزش تصویری قواعد درس

دانش آموز جمله‌های زیر هر تصویر را می‌خواند و با توجه به آن و زیر نظر معلم ترجمه می‌کند؛ معلم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی (کلید واژه تصویری) توضیح می‌دهد و دانش آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های اِفْعَلْ و اِفْعَلِی ارجاع می‌دهد. از همکاران درخواست می‌شود دو کلمه اِفْعَلْ و اِفْعَلِی را به صورت اِفْعَلْ و اِفْعَلِی؛ یعنی با همزه قطع ننویسند؛ زیرا غلط است و همزه این دو فعل همزه وصل است. رعایت این امر برای دانش آموز لازم نیست؛ زیرا جزء آموزش نبوده است. روش اکتشافی به فهم ساختار کمک بسیاری می‌کند. معلم از دانش آموزان می‌خواهد آنچه را از آموزش تصویری قواعد دریافته‌اند توضیح دهند. سپس خودش آن را کامل می‌کند.

بدانیم

معادل عربی فعل امر دوم شخص مفرد در این درس در کنار فعل مضارع آموزش داده شده است. ساخت فعل امر، هدف کتاب درسی نیست؛ هدف این است که دانش آموز فعل امر مفرد مذکر و مفرد مؤنث را در جمله تشخیص و ترجمه کند. تبدیل صیغه و ساخت فعل در سایه روان خوانی و ترجمه خودبه‌خود حاصل می‌شود؛ اما در هر سه کتاب درسی عربی دوره اول متوسطه، جزء اهداف آموزشی نیست. نه تنها در این درس، بلکه در همه دروس کتاب در بخش بدانیم ارجاع به تصاویر برای فهم بهتر جملات شایسته و بایسته است؛ چون تصویر به فهم ساختار جملات کمک می‌کند.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت درک مطلب است. از آنجا که یکی از مهارت‌های چهارگانه زبانی سخن گفتن است؛ این تمرین در این زمینه به دانش آموز کمک می‌کند. در این قسمت نباید سخت‌گیری کرد؛ زیرا ساختن جمله از اهداف اصلی کتاب نیست. بنابراین، سؤال به صورت تعیین درست و نادرست است. دانش آموز به سادگی به این تمرین پاسخ می‌دهد. برای اینکه او از آموختن لذت ببرد، سؤال ساده طراحی شده است.

تمرین دوم: هدف، ترجمه جمله‌های عربی دارای معادل ساخت دوم شخص مفرد از فعل امر است. تصویر، افزون بر زیباسازی کتاب موجب تلطیف و تسهیل آموزش می‌شود.

تمرین سوم: همان هدف تمرین دوم در اینجا نیز به شکلی جدید تکرار شده، با این فرق که توانایی تشخیص فعل امر در جمله نیز مدّ نظر است. یک هدف اصلی آموزش عربی، فهم بهتر قرآن است؛ لذا این تمرین از آیات قرآن مجید برگزیده شده است.

تمرین چهارم: هدف، تکرار آموخته‌های درس اوّل کتاب هفتم است. آنچه را دانش‌آموز دو سال پیش آموخته است، برای اینکه در ذهنش تثبیت شود، مجدّداً تکرار می‌کنیم.

تمرین پنجم: هدف، تکرار و تمرین بر فعل امر در جمله است. دانش‌آموز جمله دارای فعل امر را می‌خواند و به فارسی ترجمه می‌کند. در امتحانات نیز همین شیوه باید رعایت شود. با این شیوه، آموزش ساده و ترس و نگرانی فراگیر در امتحان کاسته می‌شود.

تمرین ششم: هدف، تقویت ذخیره واژگانی دانش‌آموز است. به منظور آسان‌سازی، تمرین به صورت دو گزینه‌ای طراحی شده است.

تمرین هفتم: در آموزش هر زبانی تمرین مترادف و متضاد یکی از شیوه‌های اصلی کاربرد واژگان است. دانش‌آموز با این تمرین، ارتباط کلمات را با هم درمی‌یابد.

کنزُ الحکمة: هدف، پیوند دادن درس عربی با فرهنگ اسلامی است. در اینجا دانش‌آموز سخنانی حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام می‌خواند که فعل‌های گوناگون ماضی، مضارع و امر دارند.

ترجمه کنید

- اِنْحَثْ عَنِ الْمِفْتَاحِ؛ دِنبالِ کلیدِ بگرد. اِزْرَعِ قَمْحًا. گندمِ بکار
- اِرْقَعْ عِلْمَ ایران؛ پرچمِ ایران را بالا ببر. اِرْجِعِ إِلَى رَبِّكَ؛ به سوی پروردگارت بازگرد.
- اَطْلُبْ خَيْرَ الْأُمُورِ؛ بهترین کارها را بخواه. اَشْكُرِ أُمَّكَ؛ از مادرت سپاسگزاری کن.

هماهنگی در حلّ تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: درستی یا نادرستی جمله‌های زیر را بر اساس حقیقت مشخص کنید.

- ۱ اَلْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ وَ الْمَوْظِفُ يَعْمَلُ فِي الْإِدَارَةِ. صحیح
- ۲ مَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّالِثِ فِي مَدِينَةِ مَشْهَدٍ فِي مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ. غلط
- ۳ الْمَخْزَنُ مَكَانٌ نَجْعَلُ وَ نَحْفَظُ فِيهِ أَشْيَاءَ مُخْتَلِفَةً. صحیح
- ۴ بَعْدَمَا صَدَمَتْ سَيَّارَةٌ عَابِرًا، يَأْتِي شُرْطِيُّ الْمُرُورِ. صحیح
- ۵ الْجِسْرُ مَكَانٌ يَرْقُدُ فِيهِ الْمَرَضَى لِلْعِلَاجِ. غلط

التَّمْرِينُ الثَّانِي: جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر، ترجمه کنید.

- رَجَاءٌ، الْعَبُّ مَعَنَا كُرَّةُ الْقَدَمِ؛ لطفاً همراه ما فوتبال بازی کن.
 ■ رَجَاءٌ، الْعَبِي مَعَنَا كُرَّةُ الْمِنْصَدَةِ؛ لطفاً همراه ما تنیس روی میز (پینگ‌پونگ) بازی کن.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: آیات شریفه زیر را ترجمه؛ سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

- ۱ ﴿رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (المؤمنون: ۱۰۹)
 [ای] پروردگار ما، ایمان آوردیم، پس ما را بیامرز و به ما رحم کن، حال آنکه تو بهترین رحم‌کنندگان.

- ۲ ﴿رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ﴾ (الأعراف: ۸۹)
 [ای] پروردگار ما، میان ما و مردم‌مان از روی حق راهی بگشا، حال آنکه تو بهترین راهگشایانی.^۱

- ۳ ﴿وَأَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾ (الأعراف: ۱۵۶)
 و در این دنیا و در آخرت برایمان نیکی بنویس.

- ۴ ﴿... أَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (آل عمران: ۱۴۷)
 ما را بر قوم کافر یاری کن.

- ۵ ﴿قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ﴾ (الحجر: ۳۴)
 گفت: پس، از آن خارج شو زیرا تو (بی‌گمان تو) رانده شده‌ای.

- ۶ ﴿وَأَدْخُلِي جَنَّتِي﴾ (الفجر: ۳۰)
 و وارد بهشت من (باغ من) شو.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: هر کلمه را در جای مناسب از جدول بنویسید.

مفرد مؤنث: زوجة / مثنای مذکر: جسرین / مثنای مؤنث: تلميذتان
 جمع مذکر سالم: راجمون / جمع مؤنث سالم: صالحات / جمع مکسر: صعب

۱. در بسیاری از ترجمه‌های قرآنی «افتح» را «داوری کن» معنا کرده‌اند. ترجمه استاد مهدی فولادوند: بار پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.

التَّمَرُّنُ الْخَامِسُ: ترجمه کنید؛ سپس فرق جمله خطاب به مذكر را با جمله خطاب به مؤنث توضیح دهید.

- ۱ یا اُخِی، اِسْمَعْ کَلَامَ مُدَرِّسِنَا؛ ای برادرِ من، سخنِ معلِّمِ ما را بشنو (گوش کن).
- ۲ یا اُخْتِی، اِسْمَعِی کَلَامَ مُدَرِّسَتِنَا؛ ای خواهرِ من، سخنِ معلِّمِ ما را بشنو (گوش کن).
- ۳ یا اَیُّهَا التِّلْمِیذُ، اُشْکُرْ رَبَّکَ؛ ای دانش‌آموز، از پروردگارت سپاسگزاری کن.
- ۴ یا اَیُّهَا التِّلْمِیذَةُ، اُشْکُرِی رَبَّکَ؛ ای دانش‌آموز، از پروردگارت سپاسگزاری کن.

التَّمَرُّنُ السَّادِسُ: گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- ۱ اِرْحَمْ مَنْ فِی الْأَرْضِ یَرْحَمُكَ مَنْ فِی السَّمَاءِ. رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ
- ۲ الْمُهَنْدِسُونَ صَنَعُوا جِسْرًا لِعُبُورِ السَّیَّارَاتِ.
- ۳ سَعِیدٌ قَسَمَ الْمَرْزَعَةَ إِلَى نِصْفَیْنِ بِذَلِكَ النَّهْرِ.
- ۴ عَجَزَ الْمَرِیضُ فَرَقَدَ فِی الْمُسْتَشْفَى.
- ۵ ظَلَمْتُ صَدِیقَکَ فَهُوَ غَضَبَانُ عَلَیْکَ.
- ۶ جَارُنَا یَعْمَلُ فِی مَصْنَعِ الْکِرَاسِیِّ.

التَّمَرُّنُ السَّابِعُ: کلمه‌های مترادف و متضاد را دو به دو کنار هم بنویسید.

جَمَالٌ ≠ قُبْحٌ / تِلْمِیذٌ = طَالِبٌ / عِنْدَمَا = لَمَّا / حَزِینٌ = مَحْزُونٌ
شَقَاوَةٌ ≠ سَعَادَةٌ / حَیَاةٌ ≠ مَمَاةٌ (مَمَات)

هماهنگی در ترجمه آیات بخش «کنز الحکمة»

۱ اِعْلَمَنَّ النَّصْرَ مَعَ الصَّبْرِ^۱ رَسُوْلُ اللَّهِ ﷺ

بدان که پیروزی (یاری) همراه بُردباری (صبر) است.

۲ لَا یَشْکُرُ اللَّهُ مَنْ لَا یَشْکُرُ النَّاسَ^۲ الْإِمَامُ عَلِیٌّ عَلَیْهِ السَّلَامُ

کسی که از مردم سپاسگزاری نمی‌کند از خدا هم سپاسگزاری نمی‌کند.

۳ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْکُتْسَابِ الْإِخْوَانِ^۳ الْإِمَامُ عَلِیٌّ عَلَیْهِ السَّلَامُ

ناتوان‌ترین (عاجزترین) مردم کسی است که از به دست آوردنِ دوستان (برادران، یاران) ناتوان است.

۱. مَنْ لَا یَحْضَرُهُ الْفَقِیْه، جلد ۴، صفحه ۴۱۲

۲. وَسَائِلُ الشَّیْعَةِ، جلد ۱۱، صفحه ۵۴۲

۳. نَهْجُ الْبَلَاغَةِ، صُبْحِی صَالِح، حکمت ۱۲

۴ إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ^۲. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هرگاه بر دشمنت چیره شدی (قادر شدی)؛ بخشش او را را شکرانه چیرگی (قدرت یافتن) بر او قرار بده.

۵ اَلْعِلْمُ وَ اَلْمَالُ يَسْتُرَانِ كُلَّ عَيْبٍ وَ اَلْجَهْلُ وَ اَلْفَقْرُ يَكْشِفَانِ كُلَّ عَيْبٍ^۳. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش و دارایی (علم و ثروت) هر عیب و نادانی ای را می پوشانند و نادانی و نداری (جهل و فقر) هر عیبی را آشکار می کنند.

الأربعينيات (گفت و گوهای اربعینی)

عِنْدَ السَّائِقِ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ الْحُسَيْنِيُّ

نزد راننده در راهپیمایی اربعین حسینی

– الْأَجْرَةُ مَقْطُوعَةٌ. كَمْ نَفَرًا أَنْتُمْ؟

کرایه مقطوع است. شما چند نفرید؟

– أَجْرُهُ كُلُّ نَفَرٍ خَمْسَةٌ وَ عِشْرُونَ أَلْفَ دِينَارٍ.

کرایه هر نفر بیست و پنج هزار دینار است.

– كَمْ أَجْرُهُ نَفَرٍ وَاحِدٍ؟

کرایه یک نفر چقدر است؟

– ثَلَاثَةٌ نَفَرًا.

سه نفر.

...

– أَلْجَوُ حَارٌّ. رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْحَرَكَةِ يَا سَائِقُ.

هوا گرم است. ای راننده، لطفاً باید حرکت کنی.

– رَجَاءٌ، شَغَلِ الْمَكْيَفَ.

لطفاً کولر را روشن کن.

– عَفْوًا؛ فَلَا تَرْكَبْ هَذِهِ الْحَافِلَةَ.

بخشید؛ پس سوار این اتوبوس نمی شویم.

– لَا؛ نَحْنُ نَنْزِلُ. مَعَذِرَةٌ.

نه؛ ما پیاده می شویم. پوزش.

...

۱. حرف «ل» در «إِجْعَلْ» در جمله «... إِجْعَلِ الْعَفْوَ...» برای راحتی تلفظ، علامت کسره گرفته است؛ زیرا تلفظ دو حرف ساکن در کنار هم

در زبان عربی دشوار است. (إِجْعَلِ الْعَفْوَ)

۲. نهج البلاغة، صبحی صالح، حکمت ۱۱

۳. کنز العمال، حکمت ۲۸۶۶۹

– رَجَاءٌ، عَلَيْكَ بِالْوُقُوفِ فِي مَكَانٍ لِإِدَاءِ الصَّلَاةِ وَ – عَلَى عَيْنِي.

لِلْإِسْتِرَاحَةِ. به روی چشمم.

لطفاً، باید در جایی برای نماز خواندن (ادای

نماز) و استراحت توقف کنی.

– يَا سَائِقُ، أَيْنَ الْوُقُوفُ وَ مَتَى؟ – فِي أَحَدِ الْمَوَاقِبِ بَعْدَ نِصْفِ سَاعَةٍ.

ای راننده، توقف کجا و کی است؟ در یکی از موب‌ها نیم ساعت دیگر.

– هَلْ تَوْجَدُ مَرَافِقِي صَحِيَّةً؟ – نَعَمْ؛ بِالتَّأَكُّدِ.

آیا سرویس بهداشتی وجود دارد؟ (هست؟) بله؛ البته.

پژوهش

دانش آموز سومین سالی است که درس عربی دارد. پژوهش خواسته شده در حدّ توانایی اوست. از دانش آموز خواسته شده است تا یک متن کوتاه پیدا کند که در آن فعل امر به کار رفته باشد. این کار موجب می‌شود مهارت او در شناخت فعل امر تقویت شود.

ارزش‌یابی

هر چه در دروس قبل درباره شیوه‌های ارزش‌یابی نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد. علاوه بر آن از آنجا که متن درس گفت‌وگو میان چهار نفر است؛ لذا چهار نفر همراه با راوی متن می‌توانند درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. این فعالیت می‌تواند بخشی از نمره مستمر دانش‌آموزان را تشکیل دهد. انجام این فعالیت افزون بر زیباسازی، شادابی و تحرک در کلاس موجب تقویت رفتار بهینه اجتماعی در دانش‌آموزان می‌شود. دانش‌آموزان به داستان علاقه‌مندند؛ این کار موجب علاقه‌مندی بیشتر خواهد شد. انجام این کار، مستلزم داشتن فرصت کافی است.

وسایل کمک آموزشی

در این درس نیز همچنان استفاده از کتاب گویا، نرم‌افزار، پاورپوینت، اینفوگراف، کلیپ آموزشی، پوستر و اسلاید توصیه می‌شود.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱ «آخِر» یعنی «پایان» و با «آخَر» فرق دارد. «آخَر» بر وزن «أَفْعَلَ» در اصل «أَخَّرَ» بوده و مؤنث آن «أُخِّرَى» به معنای «دیگر» است. اما آخِر در اصل «ءَاخِر» و مؤنث آن «آخِرَة» است که گاهی به معنای «الذَّارُ الْآخِرَة» به کار می‌رود.

۲ اِجْلِسْ و أَقْعُدْ هر دو به معنای «بنشین» هستند. جَلَسَ و قَعَدَ هم معنا می‌باشند. اما برخی میان آنها فرق قائل‌اند.^۱

۳ «أَخٌ»؛ یعنی «برادر، دوست» مثال: «رَبِّ أَخٍ لَكَ لَمْ تَلِدْهُ أُمُّكَ». چه‌بسا برادری که او را مادرت نزاییده است. «إِنَّ أَخَاكَ مَنْ آسَاكَ». برادرت کسی است که با تو همدردی کند. أَخ به معنای مانند نیز به کار رفته است. هذا أَخُو ذَلِكَ؛ یعنی این مثل آن است. بصريّون می‌گویند: إِخْوَة برادران خونی و نسبی و إِخوان دوستان است.

۴ «أُخْرِجْ» در گویش عامیانه «إِطْلَعْ بَرَه» گفته می‌شود.

۵ «إِذْ»؛ یعنی «آنگاه» و ظرف است برای ماضی.

﴿إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ التَّوْبَة: ۴۰

اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: آنگاه که کسانی که کفر ورزیدند او را [از مکه] بیرون کردند و او نفر دوم از دو تن بود آنگاه که در غار [ثَوْر] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد و او را با سپاه‌یانی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد و کلمه‌ی کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید و کلمه‌ی خداست که برتر است و خدا شکست‌ناپذیر و حکیم است.

۶ «جِسْر» در گویش حجازی «کوبری» گفته می‌شود که برگرفته از تُرکی است. افزون بر جُسور به صورت أَجْسَر نیز جمع بسته شده است.

۷ «رَجَاءٌ» به صورت «الرَّجَاء» نیز صحیح است و برای خواهش به کار می‌رود. «مِنْ فَضْلِكَ» نیز همین کاربرد را دارد.

۱. برخی اصرار دارند بین جلوس و قعود فرق بگذارند و می‌گویند: جلوس نشستن از پایین به طرف بالاست. اما قعود از بالا به پایین است.

به شخص خوابیده می‌گوییم: اِجْلِسْ و به شخص ایستاده می‌گوییم: أَقْعُدْ. زمان اِجْلِسْ کوتاه و أَقْعُدْ طولانی است.

قَعَدَ الشَّخْصُ: جلس بعد إن كان واقفاً.

امروزه در گویش عامیانه أَقْعُد و در فصیح اِجْلِس گفته می‌شود. أَقْعُد را در گویش محلی عراق اُكْعِدْ، در کویت اِكْعِدْ و در سوریه عُد می‌گویند.

۸ «قَبَّلَ، يُقَبِّلُ» و «بَاسَ، يَبُوسُ» مترادف‌اند. «بَاسَ» ریشه فارسی دارد.

۹ «مَخْزَنَ» و «مُسْتَوْدَعَ» مترادف‌اند.

۱۰ «أَيُّوبَ» نام غیرعربی (عبری) است؛ لذا تنوین نمی‌گیرد.

۱۱ واژه «مُعْطَلٌ» در گویش عامیانه «خَرَبَان» و «عَطْلَان» گفته می‌شود. عراقی‌ها خَرَبَان می‌گویند.

۱۲ واژه «نَافِذَةٌ» با واژه «شُبَّاک» هم‌معناست. در گویش محلی عراقی «شُبَّاک» را «شِبَّاجْ» تلفظ

می‌کنند.

الدَّرْسُ الرَّابِعُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۲۶ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت فعل‌های امر معادل دوم شخص مفرد فارسی (جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنی مذکر مخاطب و مثنی مؤنث مخاطب) و ترجمه آنها در جمله با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیباست که دانش‌آموز از خواندن آن لذت می‌برد. نه تنها نوجوانان، بلکه بزرگسالان نیز داستان دوست دارند.

پیام اخلاقی درس والاست و به چند آیه شریفه قرآن کریم مزین شده است. دانش‌آموز باید متن درس را روخوانی و ترجمه کند و معلم راهنما باشد. می‌توان جلوتر از چند دانش‌آموز خواست که برای هفته آینده، متن درس را به صورت نمایشی در کلاس اجرا کنند. نباید به دانش‌آموزان برای حفظ عبارات فشار آورد. هر یک از آنان نقش خود را روی کاغذی می‌نویسد و از روی آن می‌خواند.

یک نفر راوی داستان، یک نفر استاد، یک نفر گوینده جمله «فَقَدْنَا سَفِينَتَنَا»، یک نفر دانشجویی که کشتی را دید، یک نفر گوینده جمله «کیف وجدتم مکاننا؟» و یک نفر سرباز داخل کشتی می‌شود. این کار، کلاس را پرتحرک و شاداب می‌سازد.

۱. پیام متن درس درباره توکل به خدا و صبر است. انسان به یاد چند آیه شریفه قرآن مجید می‌افتد:

﴿وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ﴾ (البقرة: ۲۱۶)

﴿...أَمْنٌ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يُكَشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَدَّكَّرُونَ﴾ (النمل: ۶۲)

... (آیا آن شریکان بهترند) یا کسی که (دعای) شخص گرفتار را هنگامی که او را می‌خواند، پاسخ می‌دهد و آسیب و گرفتاری‌اش را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان (روی) زمین قرار می‌دهد (جانشینان خدا در روی زمین و حاضران در جای رفتگان)؟ آیا با خدای یکتا معبودی هست؟ بسیار اندک متذکر می‌شوید.

الصَّبْرُ مِفْتَاحُ الْفَرَجِ

صبر، کلید گشایش است.

وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَوَاتٍ بَعِيدَةٍ فِي أَحَدِ الْبِلَادِ؛ ذَهَبَ اثْنَا عَشَرَ طَالِباً مِنْ طُلَّابِ الْجَامِعَةِ مَعَ أَسَاتِذِهِمْ إِلَى سَفَرَةٍ عِلْمِيَّةٍ لِتَهْيِئَةِ أَبْحَاثٍ عَنِ الْأَسْمَاكِ؛

این حکایت در سال‌های گذشته دور در یکی از کشورها (سرزمین‌ها) روی داده است؛ دوازده دانشجو از دانشجویان دانشگاه همراه استادشان برای تهیة پژوهش‌هایی درباره ماهی‌ها به گردشی علمی (سفری علمی) رفتند.

كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِنَةً؛ فَجَاءَ ظَهَرَ سَحَابٍ فِي السَّمَاءِ؛ ثُمَّ عَصَفَتْ رِياحٌ شَدِيدَةٌ وَ صَارَ الْبَحْرُ مَوَاجًا. آب‌های دریا آرام بود؛ ناگهان ابری در آسمان آشکار شد (ظاهر شد)؛ پس بادهای سختی (شدیدی) وزید (وزیدند) و دریا توفانی شد.

فَأَصَابَتْ سَفِينَتُهُمْ صَخْرَةٌ؛ فَخَافُوا؛ السَّفِينَةُ انْكَسَرَتْ قَلِيلاً وَلَكِنَّهَا مَا غَرِقَتْ؛ عِنْدَمَا وَصَلُوا إِلَى جَزِيرَةٍ مَجْهُولَةٍ، فَرَحُوا كَثِيراً وَ شَكَرُوا رَبَّهُمْ وَ نَزَلُوا فِيهَا.

کشتی‌شان به صخره‌ای (تخته سنگی) برخورد کرد (اصابت کرد)؛ کشتی کمی شکست، ولی غرق نشد؛ وقتی که به جزیره‌ای (خشکی‌ای) رسیدند، بسیار خوشحال شدند و پروردگارشان را شکر کردند و در آن پیاده شدند.

مَضَى يَوْمَانِ؛ فَمَا وَجَدُوا أَحَدًا فِي الْجَزِيرَةِ وَ مَا جَاءَ أَحَدٌ لِنَجَاتِهِمْ؛ قَالَ لَهُمُ الْأُسْتَاذُ: «يَا سَبَابُ، عَلَيْكُمْ بِالْمُحَاوَلَةِ. اسْمَعُوا كَلَامِي وَ اعْمَلُوا بِهِ كَأَنَّهُ مَا حَدَّثَ شَيْءٌ. عَلَيْكُمْ بِمُواصَلَةِ أَبْحَاثِكُمْ.»

دو روز گذشت و کسی را در جزیره پیدا نکردند و کسی برای نجاتشان (رهایی‌شان) نیامد؛ استادشان به آنها گفت: «ای جوانان، باید تلاش کنید. (تلاش بر شما لازم است، یا هر ترجمه مشابه دیگری) سخنم را گوش کنید و به آن عمل کنید؛ گویا (انگار، مثل اینکه) چیزی نشده است (چیزی اتفاق نیفتاده است). باید پژوهش‌هایتان (تحقیقات‌تان) را ادامه دهید. (ادامه دادن پژوهش‌هایتان بر شما لازم است).

ثُمَّ قَسَمَهُمْ إِلَى أَرْبَعَةِ أَفْرِقَةٍ وَ قَالَ لِلْفَرِيقِ الْأَوَّلِ: «يَا طُلَّابُ، ابْتَخُوا عَنْ صَيِّدٍ وَ اجْمَعُوا الْحَطَبَ». سپس آنها را به چهار گروه (تیم) تقسیم کرد و به گروه اول گفت: «ای دانشجویان، دنبال صیدی بگردید و هیزم جمع کنید».

وَقَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّانِي: «يَا طَالِبَانِ، إِحْمِلَا بَعْضَ الْأَشْيَاءِ الضَّرُورَةِ مِنَ السَّفِينَةِ».

و به گروه دوم گفت: «ای دانشجویها (دو دانشجو) مقداری چیزهای ضروری از کشتی بردارید. (حمل کنید)

و قَالَ لِلْفَرِيقِ الثَّالِثِ: «يَا طَالِبَاتُ، أَطْبُخْنَ لَنَا طَعَامًا».

و به تیم سوم گفت: «ای دختران دانشجو، غذایی برایمان پزید».

و قَالَ لِلْفَرِيقِ الرَّابِعِ: «يَا طَالِبَتَانِ، إِحْتَسَا عَنْ مَوَادِّ غِذَائِيَّةٍ».

و به گروه چهارم گفت: ای دو دختر دانشجو، دنبال مواد خوراکی (غذایی) بگردید».

ثُمَّ قَالَ لِلْجَمِيعِ: ﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ مَضَى أَسْبُوعٌ. فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ نَزَلَ مَطَرٌ شَدِيدٌ وَ أَصَابَتْ صَاعِقَةٌ سَفِينَتَهُمْ فَاحْتَرَقَتْ. قَالَ الطُّلَابُ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِنَا». فَقَرَأَ الْأُسْتَاذُ هَذِهِ الْآيَةَ: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا﴾.

سپس به همگی گفت: «صبر کنید؛ زیرا (قطعاً) خدا با صبرکنندگان است. یک هفته (هفته ای) گذشت. در روزی از روزها باران شدیدی بارید (نازل شد) و صاعقه ای به کشتی آنها برخورد کرد (اصابت کرد) و کشتی آتش گرفت. دانشجویان گفتند: «هیچ امیدی به نجاتمان نیست.»^۱ پس استاد این آیه را خواند: (ای کسانی که ایمان آورده اید صبر کنید).

حَزَنَ الطُّلَابُ وَ قَالُوا: «فَقَدْ نَا سَفِينَتُنَا. وَ بَعْدَ آدَاءِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ صَرَخَ أَحَدُهُمْ بَغْتَةً:

دانشجویها ناراحت شدند (غمگین شدند) و گفتند: «کشتی مان را از دست دادیم.»^۲ و پس از به جا آوردن (انجام، ادای) نماز و دعا یکی از ایشان ناگهان فریاد زد.

«أَنْظَرُوا يَا زُمَلَائِي. أَنْظَرُنَا يَا زَمِيلَاتِي. تِلْكَ سَفِينَةٌ تَقْتَرِبُ مِنَّا».

«ای پسران همکلاسی ام، نگاه کنید. ای دختران همکلاسی ام نگاه کنید. آن یک کشتی (کشتی ای) است که به ما نزدیک می شود».

السَّفِينَةُ الْخَرِبَةُ اقْتَرَبَتْ مِنْهُمْ وَ نَزَلَ مِنْهَا جُنُودٌ. فَرَحَ الطُّلَابُ وَ سَأَلُوا الْجُنُودَ: «كَيْفَ وَجَدْتُمْ مَكَانَنَا؟» أَجَابَ الْجُنُودُ: «رَأَيْنَا دُخَانًا مِنْ بَعِيدٍ. فَاتَيْنَا وَ شَاهَدْنَاكُمْ».

کشتی جنگی به آنها نزدیک شد و سربازان از آن پیاده شدند. دانشجویان شاد شدند و از سربازان پرسیدند: «چگونه جای ما را یافتید؟!» سربازان پاسخ دادند: «دودی را از دوردست دیدیم. پس آمدیم و شما را دیدیم».

۱. باید توجه داشت که دانش آموز پایه نهم با «لای نفی جنس» آشنا نیست؛ لذا اگر گفت «امیدی به نجات ما نیست.» باید از او بپذیریم.

۲. «فَقَدْ» دو معنا دارد: از دست داد، گم کرد.

درک مطلب

- | | | |
|---|--|------|
| ١ | ذَهَبَ الطُّلَابُ إِلَى هَذِهِ السَّفَرَةِ لَتَهِيَّةِ أَبْحَاثٍ عَنِ النَّبَاتَاتِ. | غلط |
| ٢ | مَا وَجَدَ الطُّلَابُ إِنْسَانًا غَيْرَهُمْ فِي الْجَزِيرَةِ. | صحيح |
| ٣ | عَشْرَةُ طُلَّابٍ كَانُوا فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ. | غلط |
| ٤ | كَانَتْ مِيَاهُ الْبَحْرِ هَادِئَةً فِي الْبِدَايَةِ. | صحيح |
| ٥ | وَقَعَتْ هَذِهِ الْحِكَايَةُ قَبْلَ سَنَةٍ. | غلط |

آموزش تصویری قواعد درس

دانش‌آموز همانند دروس پیشین جمله‌های مصوّر را می‌خواند و با توجه به تصویر و با راهنمایی معلّم ترجمه می‌کند. معلّم قاعدهٔ درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های اِفْعَلُوا و اِفْعَلْنَ و اِفْعَلْ ارجاع می‌دهد. از همکاران درخواست می‌شود سه فعل امر اِفْعَلُوا، اِفْعَلْنَ و اِفْعَلْ را به صورت اِفْعَلُوا، اِفْعَلْنَ و اِفْعَلْ؛ یعنی با همزهٔ قطع ننویسند؛ زیرا غلط است و همزهٔ این دو فعل همزهٔ وصل است. رعایت این امر، برای دانش‌آموز الزامی نیست.

در اینجا روش اکتشافی مورد نظر است. دانش‌آموز، عبارت را می‌خواند و معلّم از او می‌خواهد یافته‌های خود را در مورد صیغه‌های فعل توضیح دهد. هر آنچه را معلّم در نظر دارد دربارهٔ ساخت‌های فعل توضیح دهد از دانش‌آموز می‌پرسد تا کلاس متکلم وحده نشود و دانش‌آموز در این میان فعال باشد.

بدافیم

مقایسه‌ای میان فعل مضارع و فعل امر صورت گرفته است، تا بدون اینکه اشاره‌ای به نحوه ساختن فعل امر از مضارع شود خود دانش‌آموز فریق میان آن دو را کشف کند و البته ساخت فعل امر از فعل مضارع از اهداف کتاب درسی عربی پایه نهم نیست.

از دانش‌آموز می‌خواهیم که به علائم رنگی در مثال‌ها توجه کند.

می‌توانیم از او بخواهیم، تا شفاهی چنین فعل‌هایی را ترجمه کند.

أُخْرِجْ، أُخْرِجِي، أُخْرِجُوا، أُخْرِجْنَ / أُدْخِلْ، أُدْخِلِي، أُدْخِلُوا، أُدْخِلْنَ، أُدْخِلَا

و با فعل‌هایی دیگر مانند: اَصْبِرْ، اِسْمَعْ، اِلْعَبْ، اُكْتُبْ، اَنْظُرْ، اَشْكُرْ بیشتر تمرین کند.

معلم می تواند بگوید «اَصْبِرْ»؛ یعنی «صبر کن» سپس پرسد: «اَصْبِرُوا» یعنی چه؟

در چنین مواردی خوب است که از کلماتی مانند اُعْبُدْ، اِفْهَمْ، اِعْمَلْ، اُدْكُرْ و ... استفاده شود که حروف اصلی آنها در زبان فارسی نیز به کار می‌رود.

اگر از دانش آموز سؤال کنیم: «اُخْرِجْ»؛ یعنی چه؟ به سادگی جواب می‌دهد؛ یعنی: «خارج شو» اما اگر بپرسیم: اُطْرِقْ؛ یعنی چه؟ سؤال سخت می‌شود و موجب کندی آموزش می‌گردد.

این کار فقط در این درس، یا در عربی نهم قابلیت اجرا ندارد؛ بلکه در هر سه کتاب هفتم و هشتم و نهم مصداق دارد.

ترجمه کنید

سخن حق را بپذیر.	■ اِقْبَلِ الْكَلَامَ الْحَقَّ؛
تصویر شهید را نقاشی کن.	■ اُرْسُمِ صُورَةَ الشَّهِيدِ؛
دستانتان را پیش از ناهار بشوید.	■ اِغْسِلَا اَيْدِيَكُمَا قَبْلَ الْغَدَاءِ؛
برای خدا، پروردگارِ جهانیان سجده کنید.	■ اُسْجُدَا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛
نعمتِ خدا بر خودتان را یاد کنید.	■ ﴿اُذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ﴾؛
از هم‌نشینانِ بد، بگریزید. (واژه سوء به معنای بدی است).	■ اَهْرَبْنَ مِنْ جَلِيسَاتِ السَّوِّءِ؛

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. این تمرین، در کتاب درسی به صورت متنوع طراحی شده است. در اینجا دانش‌آموز عبارت‌ها را می‌خواند و ترجمه می‌کند و پاسخ هر یک را در میان واژگان جدید درس چهارم جست‌وجو می‌کند. این کار می‌تواند نمره شفاهی او را تشکیل دهد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند، تا ترجمه درستی ارائه دهد. چهار تصویر ارائه شده علاوه بر زیباسازی کتاب درسی در جهت تثبیت آموخته‌های فراگیر در زمینه فعل امر بسیار کمک می‌کند.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز در ضمن قرائت باید بتواند فعل امر را در جمله تشخیص دهد.

هر پنج جمله، از ساده‌ترین آیات قرآن انتخاب شده است، تا هدف نهایی آموزش عربی جامه عمل بپوشد.

تمرین چهارم: هدف این است که دانش آموز کشف کند ترجمه چنین جملاتی به فارسی یکی می شود و علت را نیز دریابد. یا طَلَّابُ، أَنْظُرُوا إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ. یا طَالِبَاتُ، أَنْظُرْنَ إِلَى نُزُولِ الْمَطَرِ.

تمرین پنجم: هدف، کاربرد واژگان است.

این کلمات در همه کتاب به صورت مبتدا و خبر تنظیم شده است. دانش آموز کلمات و عبارات را می خواند، آنگاه در پی این برمی آید که ارتباط معنایی میان آنها را دریابد. به لحاظ آموزشی این تمرین، بسیار موفق است. طرح چنین تمرینی برای معلم وقت گیر است؛ زیرا باید با توجه به آموخته های او طراحی کند.

کَنْزُ الْحِكْمَةِ: دانش آموز احادیثی از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی (ع) می خواند که همگی درباره «خرد و دانش» است.

در اینجا دو کار صورت می گیرد. هم مهارت زبانی آموزش داده می شود و هم اهداف برنامه درسی ملی اجرا می شود.

هماهنگی در حل تمرینات

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ: توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

- ۱ بِلَادٌ كَبِيرَةٌ جَدًّا فِي شَرْقِ آسِيَا؛ سرزمینی بسیار بزرگ در شرق آسیا: «الْصَّيْن».
- ۲ إِدَامَةُ الْعَمَلِ وَالْإِسْتِمْرَارُ عَلَيْهِ؛ ادامه دادن و استمرار بر آن: «الْمُواصَلَةُ».
- ۳ شَيْءٌ ضَرُورِيٌّ لِلْحَيَاةِ تَشْرِبُهُ وَ لَا لَوْنَ لَهُ؛ چیزی ضروری برای زندگی که آن را می نوشیم و هیچ رنگی ندارد: «الْمَاء».
- ۴ يُدْرَسُ فِيهَا الْأُسْتَاذُ وَ يَتَخَرَّجُ مِنْهَا الطُّلَّابُ؛ استاد در آن درس می دهد و دانشجویان از آن دانش آموخته (فارغ التحصیل) می شوند: «الْجَامِعَةُ».
- ۵ الَّذِينَ وَصَلُوا إِلَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَلَيْسُوا أَطْفَالًا؛ کسانی که به سن بلوغ رسیده اند و کودک نیستند: «شَبَاب».
- ۶ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الرِّيَاضِيِّينَ أَوْ جَمَاعَةٌ مِنَ الرِّمَالَةِ فِي الْعَمَلِ؛ مجموعه ای از ورزشکاران، یا جمعی از همکاران: «الْفَرِيق».

التَّمْرِينُ الثَّانِي: جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.

- يا أَصْدِقَائِي، رَجَاءٌ، أُخْرِجُوا مِنَ الصَّفِّ. يا صَدِيقَاتِي، رَجَاءٌ أُخْرِجْنَ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.
ای دوستانم، لطفاً، از کلاس خارج شوید. ای صدیقاتی، لطفاً، از کتابخانه خارج شوید.
- يا صَدِيقَانِ، إِحْمِلَا هَذِهِ الْمِنْصَدَةَ. يا صَدِيقَتَانِ، اكْتُبَا جَوَابَ السُّؤَالَيْنِ.
ای دو دوست (دوستان)، این میز را بردارید. ای دو دوست (دوستان)، پاسخ دو پرسش را بنویسید.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: آیات شریفه زیر را ترجمه سپس فعل‌های امر را معلوم کنید.

- ۱ ﴿رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي﴾ (الْقَصص: ۱۶)
[ای] پروردگرم، من به خودم ستم کردم پس مرا بیامرز. (رَبِّ مخفّف یا رَبِّی است).
- ۲ قَالَ اللَّهُ لِمُوسَى وَ هَارُونَ ﴿إِذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ﴾ (طه: ۴۳)
خدا به موسی و هارون گفت: به سوی فرعون بروید.
- ۳ ﴿رَبِّ اغْفِرْ وَ ارْحَمْ وَ أَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ﴾ (المؤمنون: ۱۱۸)
[ای] پروردگرم، بیامرز و رحم کن؛ حال آنکه تو بهترین رحم‌کنندگان.
- ۴ ﴿... اِعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ (المؤمنون: ۵۱)
کار درست انجام دهید زیرا (بی‌گمان) من به آنچه انجام می‌دهید آگاه (دانا) هستم.
- ۵ ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ﴾ (البقرة: ۳۴)
و آنگاه که به فرشتگان گفتیم: به آدم سجده کنید و به جز ابلیس سجده کردند.
إَغْفِرْ / إِذْهَبَا / اِغْفِرْ / ارْحَمْ / اِعْمَلُوا / اُسْجُدُوا

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: جمله‌های عربی را به فارسی ترجمه کنید و بنویسید چرا ترجمه فارسی یکی است؟

- يا طُلَّابُ، اُنْظُرُوا إِلَىٰ نُزُولِ الْمَطَرِ. يا طَالِبَاتُ، اُنْظُرْنَ إِلَىٰ نُزُولِ الْمَطَرِ.
ای دانش‌آموزان، به بارش باران بنگرید.
- يا طَالِبَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةٍ. يا طَالِبَتَانِ، اِلْبَسَا مَلَابِسَ مُنَاسِبَةٍ.
ای دو دانش‌آموز (دانش‌آموزان) جامه‌هایی (لباس‌هایی) مناسب بپوشید.
از آنجا که در فارسی بین امر مذکر و مؤنث فرقی نیست، ترجمه یکسان شده است.

الْتَّمَرِينَ الْخَامِسُ: هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

۱. الْمُواصَلَةَ (گزینۀ اضافه)

۲. الذَّهَابَ (گزینۀ اضافه)

۳. الْجَامِعَةَ: مَكَانٌ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي بَعْدَ الْمَدْرَسَةِ.

۴. قَاطِعُ الرَّجِمِ: هُوَ الَّذِي لَا يَذْهَبُ لِمَزَارَةِ أَقْرَبَائِهِ.

۵. الدُّخَانُ: الشَّيْءُ الَّذِي يَصْعَدُ مِنَ النَّارِ.

۶. الْحَطَبُ: أَخْشَابٌ مُنَاسِبَةٌ لِلِاخْتِرَاقِ.

۷. الْفَرْجُ: حَلُّ الصَّعَابِ وَ الْمُشْكِلَاتِ.

هماهنگی در ترجمۀ آیات بخش «کنز الحکمة»

۱. لَا عَمَلَ كَالْتَّحْقِيقِ. ۱. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هیچ کاری مانند تحقیق نیست.

۲. الْعِلْمُ أَصْلٌ كُلُّ خَيْرٍ وَ الْجَهْلُ أَصْلٌ كُلُّ شَرٍّ. ۲. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش ریشه هر خوبی و نادانی ریشه هر بدی است. (علم، اصل هر خیر و جهل، اصل هر شر است.)

۳. أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. ۳. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش را جست وجو کنید، گرچه در چین باشد؛ زیرا جستنِ دانش بایسته است.

(علم را طلب کنید، ولو در چین باشد که قطعاً طلب علم واجب است.)

۴. خَيْرُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَ شَرُّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ. ۴. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خوبی دنیا و آخرت همراه دانش و بدی (شر) دنیا و آخرت همراه نادانی است.

۵. لَيْسَ الْعَاقِلُ مَنْ يَعْرِفُ الْخَيْرَ مِنَ الشَّرِّ وَلَكِنَّ الْعَاقِلَ مَنْ يَعْرِفُ خَيْرَ الشَّرِّينِ. ۵. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانا کسی نیست که خوبی را از بدی بشناسد؛ (تشخیص دهد)، بلکه دانا کسی است که بهترین

را از میان دو بد (دو شر) بشناسد.

اشاره به اینکه از میان بد و بدتر بد را تشخیص دهد.

۱. مُعْجَمُ أَلْفَاظِ غُرَرِ الْحِكْمِ، صفحه ۲۴۹

۲. غُرَرُ الْحِكْمِ، حکمت ۸۱۸ و ۸۱۹

۳. کنز العمال: ۲۸۶۹۷، ۲۸۶۹۸.

۴. بحار الأنوار: جلد ۱، صفحه ۲۰۴ حکمت ۲۳.

۵. مطالب السؤل: صفحه ۲۵۰ و بحار الأنوار، چاپ بیروت، جلد ۵۷، صفحه ۶.

مَسْجِدُ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ

- مَنْ هُوَ مَسْئُولُ الْمَوْكِبِ؟
مسئول موكب کیست؟
— سَاعِدَكَ اللَّهُ!
خدا قوت! (خسته نباشی!)
- نَعَمْ نَحْنُ مِنْ إِيْرَانِ.
آری ما اهل ایرانیم.
- حَضَرْنَا لِلْمَرَّةِ الْأُولَى.
برای نخستین بار حضور یافتیم (یافته ایم).
- كَيْفَ يُمْكِنُ الذَّهَابُ إِلَى مَسْجِدِ الْكُوفَةِ؟
رفتن به مسجد کوفه چگونه ممکن است؟
(چگونه می توان به مسجد کوفه رفت؟)
- كَمْ الْمَسَافَةُ بَيْنَ مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ مَسْجِدِ السَّهْلَةِ؟
مَسَافَتِ میانِ مسجد کوفه و مسجد سهله چقدر است؟
- أَوْ تَوْجَدُ سَيَّارَاتٌ فِي الطَّرِيقِ حَتَّى نَرْكَبَ؟
آیا ماشین هایی در راه وجود دارند تا سوار شویم؟
- شُكْرًا، زَا حَمَّتُكَ.
سپاسگزارم، تو را به زحمت انداختیم.
- أَبُوقَاسِمِ.
ابوقاسم است.
- حَيَّاكَ اللَّهُ! أَأَنْتُمْ مِنْ إِيْرَانِ؟
زنده باشی! آیا شما اهل ایرانید؟
- كَمْ مَرَّةً حَضَرْتُمْ فِي مَسِيرَةِ الْأَرْبَعِينَ؟
چند بار در راهپیمایی اربعین حضور یافتید؟
- إِرْكَبُوا تِلْكَ السَّيَّارَاتِ.
سوار آن ماشین ها شوید.
- قَرِيبٌ مِنْ كِيلُومِتْرَيْنِ.
نزدیک به دو کیلومتر.
- نَعَمْ؛ مَوْجُودَةٌ.
آری؛ وجود دارند.
- لَا؛ لَيْسَتْ رَحْمَةً. بَلْ رَحْمَةٌ. أَ تَعْرِفُ أَهْمِيَّةَ زِيَارَةِ الْمَسْجِدَيْنِ؟
نه؛ زحمتی نیست؛ بلکه رحمت است. آیا اهمیتِ زیارتِ دو مسجد را می دانی؟

پژوهش

تحقیق در هر سه پایه هفتم، هشتم و نهم مطابق با توانایی دانش آموز و واقعیات موجود تنظیم شده است. برای اینکه دانش آموز بداند در زمینه قرآن و حدیث نرم افزارهای خوبی تهیه شده است و شیوه کار کردن با آنها را بیاموزد این تمرین تلنگر خوبی است تا معلم به بهانه انجام آن وارد این بحث شود.

ارزشیابی

در مورد ارزشیابی از این درس هرچه در دروس قبلی نوشته شد را در این درس نیز می توان اجرا کرد. از چند دانش آموز می خواهیم کارهایی را در کلاس انجام دهند:

مثلاً به یک دانش آموز دستور می دهیم که *إِجْلِسْ فِي مَكَانِكَ*.
به دو دانش آموز دستور می دهیم که *إِجْلِسَا فِي مَكَانِكُمَا*.
و در پایان، به سه دانش آموز دستور می دهیم که: *إِجْلِسُوا فِي مَكَانِكُمْ*.
مثال برای دانش آموز پسر. (در کلاس دخترانه مثال ها برای مؤنث می شود).
إِفْتَحِ الْبَابَ. أَخْرِجْ مِنَ الصَّفِّ. ادْخُلْ فِي الصَّفِّ. اجْلِسْ عَلَى الْكُرْسِيِّ. اِذْهَبْ إِلَى اللُّوحِ. اُكْتُبْ عَلَى اللُّوحِ. اُنْظُرْ إِلَى سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ. اِسْمَعْ صَوْتَ صَدِيقِكَ. اِقْرَأِ الدَّرْسَ. اِلْعَبْ بِالْكُرَةِ. اِرْفَعْ حَقِيبَتَكَ. اِشْرِبِ الْمَاءَ. اِضْرِبْ عَلَى الْمُنْضَدَةِ.

دانش آموزان توانمند می توانند نقش پسر و دختر را همزمان اجرا کنند. گروه عربی دفتر تألیف به دلیل مشکلات احتمالی بر این کار تأکید نمی کند. همین کارها را دانش آموزان در گروه های دو و سه نفره نیز می توانند اجرا کنند، تا سایر ساخت های فعل را نمایش دهند.

وسایل کمک آموزشی

هر چه در دروس پیشین درباره وسایل کمک آموزشی گفته شد، در اینجا نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

۱. ابحاث: پژوهش‌ها، تحقیقات
۲. فعل امر أَجِبْ، أَجِبْ است که مؤنث آن أَجِیبِ می‌شود.
أَجِبْ سَوَالَهُ وَ عَنِ سَوَالِهِ وَ إِلَى سَوَالِهِ؛ یعنی به پرسش او پاسخ داد.
۳. «أَصَابَ، يَصِيبُ، إِصَابَةٌ» چند معنا دارد؛ مثال:
لَقَدْ أَجَبْتُ فَأَصَبْتُ؛ (پاسخ دادی و جواب درست را گفתי).
صَدِيقِي رَامَ مَاهِرٌ؛ سَهْمُهُ يُصِيبُ الْهَدَفَ؛ (دوستم تیرانداز چیره‌دستی است که به هدف می‌زند).
أَصَبْنَا مِنَ الطَّعَامِ حَاجَتَنَا؛ (سیر شدیم).
أَصَابَ الشَّيْءُ؛ (به آن چیز رسید).
أَصَابَتْهُ الْمُصِيبَةُ؛ (مصیبت به او رسید. دچار مصیبت شد).
۴. جمع «جَامِعَةٌ» می‌شود «جَامِعَاتٌ»^۱.
۵. «دَعَا، يَدْعُو، دُعَاءٌ وَ دَعْوَةٌ وَ دَعْوَى وَ دَعْوًا». دَعَا چندین معنا دارد؛ مثال:
دَعَاهُ؛ او را فراخواند. از او یاری خواست. او را به مهمانی دعوت کرد.
دَعَا لَهُ؛ برایش دعای خیر کرد.
دَعَا عَلَيْهِ؛ او را نفرین کرد.
دَعَاهُ بِسَعِيدٍ؛ او را سعید نامید.
دَعَاهُ أَنْ يَأْتِيَ؛ او را به آمدن فراخواند.
۶. معادل «فریاد زد» در عربی می‌شود: صَيَّحَ، صَرَخَ، هَتَفَ –
۷. حرف چ در عربی به شکل‌های مختلف معرَّب می‌شود؛ مثال:
چاد ← تشاد/چین ← الصَّين/چنگ ← صنج/چکش ← شاکوش/گچ ← جَص، جِص/چای ← شای
۸. «مُضْطَّر» در اصل بر وزن «مُفْتَعِل» (مُضْطَرِر) است. ریشه سه حرفِ آن «ض ر ر» است که بر وزن «افتعال» می‌شود ← اضْطَرَّ، سپس حرف ت به ط تبدیل شده است.
کلماتی که فاء‌العمل آنها ص یا ض است چنین ابدالی در آنها صورت می‌گیرد؛ مثال بیشتر:
ص ك ← اصْطِكَك/ضرب ← اضْطِرَاب/ضرر ← اضْطِرَار/صی‌د ← اصْطِيَاد/صف و ← اصْطِفَاء
ض ه د ← اضْطِهَاد (اضْطَهَدَه)؛ او را به سبب مذهب آزار داد. // ض ل ع ← اضْطِلَاع (نیرومند شدن)

۱. الجَامِعَةُ: مجموعةُ معاهدَ علميَّة، تُسمَّى كُلِّيَّاتٍ، تُدرَّسُ فيها الآدَابُ وَ الفُنُونُ وَ العُلُومُ.

جامعه شعبیَّة: مجموعةُ معاهد تُدرَّسُ موادَّ حرَّة

الجامعة العربيَّة: رابطَةٌ تضمُّ كُلَّ البُلْدَانِ العربيَّة لِدراسةِ قضاياها وَ مشاكلها، وَ بَحْثها، العُصْبَةُ.

ص بر ← إصطبار (شکبیایی) ﴿وَأَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَأَصْطَبِرْ عَلَيْهَا﴾ / ص ی ف ← إصطیاف (گذرانندن تابستان)

۹ جمع «ماء» علاوه بر «مياه» می شود: أمواه^۱

۱۰ معادل «گیاه» در عربی: نَبَات، عُشْب، عَلَف، حَشِيش و بَقْلَة

۱۱ «وَقَعَ، يَقَعُ، وَقْعًا» چند معنا دارد: افتاد، واقع شد.

وَقَعَ مِنْ فَوْقِ السَّطْحِ؛ از پشت بام افتاد.

وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ؛ سخن بر آنان واجب شد.

وَقَعَتِ الْإِبِلُ؛ شتر بر زمین زانو زد.

وَقَعَ الْكَلَامُ فِي نَفْسِهِ؛ سخن در وی اثر نهاد.

۱. الجمع: أمواه و مياه، مثنی ماءان و ماوان و مایان.

الدَّرْسُ الْخَامِسُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۰ واژهٔ جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمهٔ متن درس
- ۳ درک پیام متن^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ تشخیص و ترجمهٔ فعل نهی (مفرد مذکر مخاطب و مفرد مؤنث مخاطب) در جمله با توجه به قرائن

فرایند آموزش

متن درس داستانی زیبا از زبان حیوانات است. در اصطلاح، به این‌گونه داستان‌ها «فابل» گفته می‌شود. در اصطلاح ادبی فابل داستان کوتاه و ساده‌ای است که معمولاً شخصیت‌های آن حیوانات‌اند و هدف آن آموختن و تعلیم یک اصل و حقیقت اخلاقی یا معنوی است. «فابل» گاهی نیز برای داستان‌های مربوط به موجودات طبیعی یا وقایع خارق العاده و افسانه‌ها و اسطوره‌ها و داستان‌های دروغین به کار می‌رود، شخصیت‌ها در «فابل» اغلب حیوانات‌اند، اما گاهی اشیای بی‌جان نیز در آن حضور دارند. کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، موش و گربه از عبید زاکانی، منطق‌الطیر از عطار نیشابوری کتاب‌هایی از زبان حیوانات‌اند.

شش شکارچی که می‌خواهند حیواناتی را شکار کنند و به باغ وحش ببرند، حفرهٔ عمیقی می‌کنند و رویش را با شاخ و برگ می‌پوشانند، روباهی و آهوئی در آن می‌افتند و کمک می‌خواهند، ولی حیوانات با شنیدن صدای شکارچیان می‌ترسند و می‌گریزند. آنها خیلی تلاش می‌کنند، تا خود را نجات دهند، ولی سودی ندارد. پس از چند دقیقه چند حیوان برمی‌گردند و

۱. پیام متن درس دربارهٔ تلاش و امید است. ﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

هماهنگی در ترجمه متن درس

الرجاء

امید

كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ فِي غَابَةِ: أَسَدٌ وَ ثَعْلَبٌ وَ ذِئْبٌ وَ غَزَالَةٌ وَ كَلْبٌ وَ ...

گروهی از جانوران (حیوانات) در جنگلی بودند؛ شیری، روباهی، گرگی، آهوپی و سگی و ...

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ جَاءَ سِتَّةُ صَيَّادِينَ وَ حَفَرُوا حُفْرَةً عَمِيقَةً ثُمَّ سَتَرُوهَا لِصَيْدِ الْحَيَوَانَاتِ وَ بَيَّعَهَا لِحَدِيقَةِ الْحَيَوَانَاتِ. وَقَعَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ فِي الْحُفْرَةِ بَغْتَةً؛ فَطَلَبَا مُسَاعَدَةً.

در روزی از روزها شش شکارچی (صیاد) آمدند و چاله گودی (حفره عمیقی) کردند؛ سپس آن را برای شکار (صید) حیوانات و فروش آنها به باغ وحش پوشاندند. روباهی و آهوپی ناگهان در حفره افتادند و کمک خواستند.

لَكِنَّ الْحَيَوَانَاتِ هَرَبْنَ لِأَنَّهُنَّ سَمِعْنَ مِنْ بَعِيدٍ أَصَوَاتَ الصَّيَّادِينَ. حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ لِلنَّجَاةِ. وَلَى الْحَيَوَانَاتِ فِرَارُ كَرْدَنَد؛ زِيْرَا اَز دُور دَسْت صَدَاهاى شَكَارچى ها را شَنِيدَنَد. رُوباه و آهو بَرای رهاىى (نجات) تَلاش كَرَدَنَد.

بَعْدَ دَقَائِقَ رَجَعَتْ حَمَامَةٌ وَ قَالَتْ لِلثَّعْلَبِ: «لَا فَايْدَةَ لِمُحَاوَلَةٍ. لَا تَصْعَدُ. أَنْتَ لَا تَقْدِرُ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ».

پس از چند دقیقه کبوتری برگشت و به روباه گفت: «تلاش هیچ فایده‌ای ندارد. (هیچ فایده‌ای برای تلاش نیست). بالا نیا. تو نمی‌توانی. بدنت را زخمی کردی».

وَ رَجَعَ الْكَلْبُ وَ قَالَ لِلْغَزَالَةِ: «لَا رَجَاءَ لِنَجَاتِكَ. لَا تَصْعَدِي. أَنْتِ لَا تَقْدِرِينَ. لَقَدْ جَرَّحْتَ بَدَنَكَ». وَ سَگ برگشت و به آهو گفت: «هیچ امیدی به نجات تو نیست. بالا نیا. تو نمی‌توانی. بدنت را زخمی کردی».

حَاوَلَ الثَّعْلَبُ وَ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى وَلَكِنْ بِدُونِ فَايْدَةٍ.

روباه و آهو برای بیرون آمدن بار دیگر تلاش کردند، ولی بی‌فایده بود.

يَبْسَتْ الْغَزَالَةُ وَ بَقِيَتْ فِي مَكَانِهَا وَلَكِنَّ الثَّعْلَبَ حَاوَلَ كَثِيرًا.

آهو ناامید شد و در جایش ماند، ولی روباه خیلی تلاش کرد.

قَالَتْ لَهُ الْحَمَامَةُ: «أَنْتَ لَا تَقْدِرُ، لِمَ تُحَاوِلُ؟! اِقْبَلْ مَصِيرَكَ».

کبوتر به او گفت: «تو نمی‌توانی، چرا تلاش می‌کنی؟! سرنوشتت را بپذیر (قبول کن).

لَكِنَّ الثَّعْلَبَ خَرَجَ مِنَ الْحُفْرَةِ. فِي ذَلِكَ الْوَقْتِ وَصَلَ هُدُودَهُ وَقَالَ:

ولی روباه از حفره بیرون آمد. در این (آن) هنگام هدهد رسید و گفت:

«أَنَا أَعْرِفُ هَذَا الثَّعْلَبَ؛ هُوَ ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ هُوَ ظَنُّ أَنَّ الْحَمَامَةَ تُشَجِّعُهُ عَلَى الْخُرُوجِ».

«من این روباه را می‌شناسم؛ او کم‌شنواست؛ (سنگین‌گوش است.) او گمان کرده است که کبوتر

او را تشویق به بیرون آمدن می‌کند».

قَالَتِ الْحَيَوَانَاتُ: «نَحْنُ ظَلَمْنَا الْغَزَالَ. عَلَيْنَا بِمُسَاعَدَتِهَا».

حیوانات گفتند: «ما به آهو ستم کردیم. (ظلم کردیم) باید به او کمک کنیم».

قَالَتِ الْحَمَامَةُ لِلْغَزَالَةِ: «أُخْرِجِي. أَنْتِ تَقْدِرِينَ عَلَى الْخُرُوجِ بِسَهُولَةٍ. لَا تَيَأْسِي».

کبوتر به آهو گفت: «بیرون بیا. (خارج شو) تو به آسانی می‌توانی بیرون بیایی. (خارج شوی) ناامید

نشو. (مایوس نشو)

حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مَرَّةً أُخْرَى فَخَرَجَتْ وَفَرِحَتِ الْحَيَوَانَاتُ.

آهو یک بار دیگر تلاش کرد و بیرون آمد و حیوانات خوشحال شدند.

مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَجَدَ، وَجَدَ، وَ مَنْ قَرَعَ بَابًا وَلَجَّ وَلَجَّ.

هر کس چیزی بخواهد و تلاش کند، موفق می‌شود. (هر کس چیزی خواست و تلاش کرد، موفق شد.)

و هر کس دری را بکوبد (بزند) و پافشاری کند، داخل می‌شود.

درک مطلب

- | | | |
|---|--|------|
| ۱ | حَاوَلَتِ الْغَزَالَةُ الْخُرُوجَ مِنَ الْحُفْرَةِ، فَخَرَجَتْ فِي النَّهَايَةِ. | صحیح |
| ۲ | شَجَّعَتِ الْحَيَوَانَاتُ الثَّعْلَبَ عَلَى الْخُرُوجِ مِنَ الْحُفْرَةِ. | غلط |
| ۳ | مَا سَتَرَ الصَّيَّادُونَ الْحُفْرَةَ فِي الْغَابَةِ. | غلط |
| ۴ | كَانَتِ الْحُفْرَةُ قَلِيلَةً الْعُمَقِ. | غلط |
| ۵ | أَرْبَعَةُ صَيَّادِينَ كَانُوا فِي الْغَابَةِ. | غلط |

آموزش تصویری قواعد درس

دانش آموز جمله های مصوّر را قرائت و با توجّه به تصویر و زیر نظر معلّم ترجمه می کند. معلّم قاعده درس را در اینجا با استفاده از کادر رنگی توضیح و دانش آموزان را به حروف رنگی در فعل های لاتفعّل و لاتفعّل ارجاع می دهد.

بدانیم

لازم است که دانش آموز با فرق فعل مضارع مجزوم «نهی» و فعل مضارع منفي «نفي» آشنا شود. در این بخش مقایسه ای میان دو فعل نهی و نفي صورت گرفته است و پاره ای علامت ها نیز رنگی شده اند، تا دانش آموز بتواند فرق معنایی میان این دو فعل را کشف کند. در فعل «لا تفعل» نهی و نفي هیچ فرقی جز در نحوه تلفّظ ندارند و با توجّه به قرینه در جمله قابل تشخیص است؛ می توان از مثال های فارسی استفاده کرد، تا دانش آموز متوجّه شود؛ مثلاً فعل «می دويد» دو معنا دارد: «او می دويد.» و «شما می دويد.» و باید در جمله دقت کرد، تا متوجّه فرق آنها شد. برای تثبیت آموخته ها نیز تمرین ترجمه طراحي شده است.

ترجمه کنید

از مهربانی (رحمت) خدا ناامید نشو (مایوس نشو).
چای داغ ننوش.

■ لَا تَيْأَسْ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ؛
■ لَا تَشْرَبِ شَايَاً حَارًّا؛

تمرین ها

همه تمرین ها را دانش آموز قرائت و حل می کند. تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش آموز در کاربرد واژگان و نیز درک مطلب است. این تمرین در کتاب درسی متنوّع طراحي شده است. در اینجا دانش آموز جمله را می خواند و ترجمه می کند؛ سپس به دنبال کلمه ای می گردد که در واژه نامه آغازین درس آمده است. از فراگیر می خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می دهد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند، تا درست ترجمه کند. در اینجا تصویر علاوه بر زیباسازی کتاب نقش آموزشی نیز دارد.

تمرین سوم: یافتن فعل امر و نهی در میان چند آیه مبارکه و حدیث شریف، یکی از دو هدف اصلی آموزش درس عربی را به نمایش می‌گذارد. در جملات این تمرین، فعل ماضی و مضارع نیز وجود دارد، پس این تمرین می‌تواند فراگیر را در شناخت انواع فعل نیز کمک کند.

تمرین چهارم: چهار تمرین دارای فعل امر و نهی و با صیغه‌های یکسان طراحی شده است که دانش‌آموز بتواند آنها را درست بفهمد و درست ترجمه کند.

تمرین پنجم: هدف تقویت مهارت کاربرد واژگان است. از دانش‌آموز می‌خواهیم که دلیل ناهماهنگی هر کلمه را در مقایسه با سه کلمه دیگر بیان کند. سؤال امتحانی در این بخش باید چهار گزینه داشته باشد. دانش‌آموز در این تمرین می‌تواند ارتباط معنایی کلمات را با هم بیابد.

تمرین ششم: این تمرین علاوه بر زیبا ساختن کتاب درسی، در مهارت واژه‌شناسی دانش‌آموز مؤثر است.

در قرآن مجید آمده است که: ﴿أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلَهِ كَيْفَ خَلَقَتْ﴾ (الغاشية: ۱۷)

آیا به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده‌اند؟

پس با این نگاه توجّه دانش‌آموز را جلب کنیم.

کنز الحکمة: دانش‌آموز احادیثی درباره علم از حضرت علی علیه السلام می‌خواند. در اینجا هم مهارت زبانی آموزش داده می‌شود و هم اهداف برنامه درسی ملّی اجرا می‌گردد. دانش‌آموز همان‌طور که از نامش پیداست آموزنده دانش است و در این حکمت‌ها جایگاه علم تبیین شده است.

هماهنگی در حل تمرینات

الْتَّمَرِينَ الْأَوَّلُ: توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید درس است؟

۱ مَكَانٌ يَذْهَبُ إِلَيْهِ النَّاسُ وَ يُشَاهِدُونَ فِيهِ حَيَوَانَاتٍ مُخْتَلِفَةً.

جایی که مردم به آن (آنجا) می‌روند و جانورانِ گوناگون را می‌بینند. پاسخ: حَدِيقَةُ الْحَيَوَانَاتِ؛

یعنی باغ وحش

۲ الَّذِي يَمْشِي أَمَامَ قَوْمِهِ لِيَهْدِيَهُمْ.

کسی که جلوی مردمش برای راهنمایی آنها راه می‌رود. پاسخ: الْرَّائِدُ؛ یعنی جلودار

۳ حَيَوَانٌ يَحْرُسُ أَمْوَالَ النَّاسِ.

جانوری که از دارایی‌های (اموال) مردم نگهبانی می‌کند. پاسخ: الْكَلْبُ؛ یعنی سگ

۴ عاقِبَةُ الْإِنْسَانِ فِي حَيَاتِهِ.

فرجام (عاقبت) انسان در زندگی. پاسخ: اَلْمَصِيرُ؛ یعنی سرنوشت

۵ الَّذِي لَا يَسْمَعُ جَيِّدًا.

کسی که خوب نمی‌شنود. پاسخ: ثَقِيلُ السَّمْعِ؛ یعنی کم‌شنوا

التَّمَرِينُ الثَّانِي: جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.

- يَا حَبِيبِي، لَا تَجْعَلَ حَقِيبَتَكَ هُنَا. يَا حَبِيبَتِي، لَا تَجْعَلِي حَقِيبَتَكَ هُنَا.
ای دوستم، کيفت را اینجا نگذار.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: آیات و احادیث زیر را ترجمه، سپس فعل‌های امر، نهی، ماضی و مضارع را معلوم کنید.

۱ اِعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اِعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا. ۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برای دنیایت [طوری] کار کن، گویی تو همیشه (تا ابد) زندگی می‌کنی و برای آخرت [نیز طوری] کار کن، گویی تو فردا می‌میری. مضارع - امر - مضارع

۲ ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف: ۴۷)

[ای] پروردگاران، ما را با مردم ستمگر قرار نده. نهی

۳ لَا تَعْمَلْ شَيْئًا مِنَ الْخَيْرِ، رِيَاءً وَ لَا تَتْرُكُهُ، حَيَاءً. ۲ الْإِمَامُ عَلِيٌّ عليه السلام

چیزی از [کار] خیر را از روی ریاکاری انجام نده و از روی شرم رها نکن. (ترک نکن) نهی - نهی

۴ إِنَّ الزَّائِدَ لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ. ۲ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

بی‌گمان جلودار به مردمش دروغ نمی‌گوید. مضارع منفی

۵ ﴿لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ التَّوْبَةِ: ۴۰

اندوهگین نشو؛ زیرا (بی‌گمان) خدا با ماست. نهی

۱. الحیاة: جلد ۴، صفحه ۶۲

۲. دُرُّ الْحُجَمِّ وَ دُرُّ الْكَلَمِ نویسنده: التمیمی الآمدی، عبدالواحد بن محمد، جلد: ۱، صفحه: ۷۴۷، حکمت ۹۲

۳. بحار الأنوار: ۱۸ / ۱۹۷ / ۳۰

۶ إِذَا غَضِبْتَ فَاسْكُتْ. ۱ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گاه خشمگین شدی، خاموش شو (هر گاه عصبانی شدی، ساکت شو). ماضی - امر

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ترجمه کنید.

۱ إِزْرَعْ صَدَاقَةً وَ لَا تَزْرَعْ عَدَاوَةً.

دوستی بکار و دشمنی نکار.

۲ أَسْكُتِي يَا طِفْلَةً وَ لَا تَصْرُخِي.

ای دخترک، ساکت شو و فریاد نزن.

۳ أَصْدُقْ فِي حَيَاتِكَ وَ لَا تَكْذِبْ أَبَدًا.

در زندگیت راست بگو و هرگز دروغ نگو.

۴ إِبْسُ قَمِيصًا أَبْيَضَ فِي اللَّيْلِ لِعُبُورِ الشَّارِعِ وَ لَا تَلْبَسْ أَسْوَدَ.

در شب برای گذشتن (عبور کردن) از خیابان پیراهن سفید بپوش و سیاه نپوش.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: کدام گزینه از نظر معنا با سایر گزینه‌ها «ناهماهنگ» است؟

۱ حَدَّادٌ، مِصْبَاحٌ، حُلْوَانِي، شُرْطَى

۲ حَطَبٌ، نارٌ، دُخَانٌ، نَجَاحٌ

۳ شُهُورٌ، غَابَةٌ، أَيَّامٌ، لِيَالِي

۴ رِيحٌ، مَطَرٌ، سَحَابٌ، أَخْذٌ

۵ رُمَانٌ، عِنَبٌ، تَفَاحٌ، جَدٌّ

۶ كِبَرٌ، تَحْتٌ، فَوْقٌ، أَمَامٌ

۷ أَرْزَقٌ، أَحْمَرٌ، إِفْتَحُ، أَخْضَرُ

۸ سَدٌّ، قَعَدٌ، سَجَدٌ، عَبَدٌ

التَّمَرِينُ السَّادِسُ: زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»
السَّمَكَةُ / الزَّرَافَةُ / التَّلَعَبُ / الْحَمَامَةُ / الْفِيلُ / الْأَسَدُ / الْعَصْفُورُ / الذُّبُّبُ / الْفَرَسُ

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱ قَوْلٌ لَا أَعْلَمُ نِصْفُ الْعِلْمِ.^۱

گفتنِ «نمی‌دانم» نیمی از دانستن است. (گفتنِ «نمی‌دانم» نصفِ علم است.)

۲ مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ، أَجَابَ فِي كِبَرِهِ.

هر کس در کوچکی پرسید، در بزرگی پاسخ داد. (هر کس در خردسالی سؤال کند، در بزرگسالی جواب می‌دهد.)

۳ كُلُّ شَيْءٍ يَنْقُصُ عَلَى الْإِنْفَاقِ، إِلَّا الْعِلْمُ.

هر چیزی به جز دانش (علم) با بخشیدن (انفاق) کم می‌شود.

۴ جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ تَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ.

زیباییِ دانش، پخش آن و میوه آن به کار بستن آن است. (جمالِ علم، نشر آن و ثمره‌اش عمل به آن است.)

۵ أَيُّهَا النَّاسُ، إِعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلَبُ الْعِلْمِ وَالْعَمَلُ بِهِ.

ای مردم، بدانید که کمالِ دین، جستنِ دانش و عمل کردن به آن است.

پژوهش

پژوهش مطابق با توانایی دانش‌آموز تنظیم شده است. کتاب‌های بسیاری در ادبیات فارسی و جهان از زبان حیوانات و حتی چیزهای بی‌جان است؛ مثال: کلیله و دمنه، مرزبان‌نامه، مزرعه حیوانات و
مزرعه حیوانات: به انگلیسی: Animal Farm که در ایران به نام قلعه حیوانات نیز شناخته شده است، رمانی به زبان انگلیسی و نوشته جورج اورول (George Orwell) است. این رمان درباره گروهی از حیوانات است که در اقدامی آرمان‌گرایانه و انقلابی، صاحب مزرعه آقای «جوئز» را از مزرعه فراری می‌دهند، تا خود اداره مزرعه را به دست بگیرند و «برابری» و «رفاه» را در جامعه خود برقرار سازند. رهبری این جنبش را گروهی از خوک‌ها به‌دست دارند، ولی پس از مدتی، این

گروه جدید نیز به رهبری خوکی به نام «ناپلئون» همچون آقای «جونز» به بهره‌کشی از حیوانات مزرعه می‌پردازند و هرگونه مخالفتی را سرکوب می‌کنند.

مرزبان‌نامه: کتابی است در اصل به زبان مازندرانی، نوشتهٔ اسپهبد مرزبان بن رستم. بعدها سعدالدین وراوینی آن را از زبان طبری به فارسی دری نقل کرد. این اثر یکی از آثار ارزندهٔ زبان فارسی است که در نیمهٔ نخست سدهٔ هفتم هجری قمری نوشته شد. مرزبان‌نامه از جمله شاهکارهای ادب فارسی است.

این کتاب از زبان حیوانات و به تقلید از کلیله و دمنه نصرالله منشی نوشته شده‌است. در واقع نویسندهٔ کتاب از زبان حیوانات اندرزه‌ای خود را به پادشاه زمان خود می‌گوید. این روش در میان دانایان هندی و ایرانی رواج داشت و در ایران پس از اسلام نیز ادامه یافت. کتاب مرزبان‌نامه نمونهٔ زیبایی از ادبیات تمثیلی (فابل) به شمار می‌رود.

ارزش‌یابی و وسایل کمک آموزشی

روش‌های ارزش‌یابی و وسایل کمک آموزشی در این درس با درس قبلی یکسان است.

الْقُرْآنِيَّات

۱ مَا الْآيَةُ الَّتِي إِذَا قَرَأْتَهَا مِنَ الْآخِرِ إِلَى الْأَوَّلِ لَا يَتَغَيَّرُ؟ ﴿كُلُّ فِي فَلَكٍ﴾ (یس: ۴۰)

نام آیه‌ای که هرگاه (اگر) آن را از اول به آخر بخوانی تغییر نمی‌کند چیست؟ هر یک در آسمانی هستند (همه در سپهری هستند). سورهٔ یاسین، آیه ۴۰

۲ أَيُّ لَيْلَةٍ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟ لَيْلَةُ الْقَدْرِ.

کدام شب از هزار ماه بهتر است؟ شب قدر.

۳ مَا مَعْنَى كَلِمَةِ الْقُرْآنِ؟ الْقُرْآنُ بِمَعْنَى الْقِرَاءَةِ.

معنای واژهٔ قرآن چیست؟ قرآن به معنای خواندن است.

۴ مَا اسْمُ أَكْبَرِ حَيَوَانٍ جَاءَ ذِكْرُهُ فِي الْقُرْآنِ؟ الْفِيل.

نام بزرگ‌ترین جانوری که در قرآن یاد شده است، چیست؟ فیل.

۵ اذْكُرْ سُورَةَ بِاسْمِ أَحَدِ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ. الْجُمُعَةِ.

سوره‌ای را به نام یکی از روزهای هفته ذکر کن. جمعه.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه دانش‌آموز)

- ۱ می‌گویند «شیر» در عربی نام‌های بسیاری دارد و بیش از صد نام ذکر کرده‌اند؛ اما در حقیقت، این اسم‌ها صفت‌های شیرند.
بسیاری از این اسم‌ها نیز کاربرد ندارند؛
مثال‌های معروف عبارت‌اند از:
حَیْدَر، غَضَنْفَر، ضِرْغَام، ضِیْعَم، فِرْناس، قَسَوْرَة، هَیْثَم، لَیْث، عَبَّاس، لَبُوَّة (شیر ماده)
- ۲ ثَقِیلُ السَّمْع: کسی که گوشش سنگین است، سنگین‌شنوا، کم‌شنوا
- ۳ «جَدَّ: تلاش کرد» جَدَّ فی طلب العلم: اجتهد فیه و اهتم به
- ۴ «جَرَحَ» و «جَرَّحَ» به معنای «زخمی‌کرد» هستند؛ اما معنای جَرَّحَ قوی‌تر از جَرَحَ است.
جَرَحَ، یُجَرِّحُ، جَرَّحًا، جَرَّحَ بَدَنَهُ: أَكْثَرَ فِیهِ الْجِرَاحَ.
- ۵ شَجَّعَ: تشویق کرد، مترادف با أَغْرَى، حَبَّدَ، حَرَّضَ، حَثَّ، اِسْتَحَثَّ
- ۶ ظَنَّ: گمان کرد، مترادف با زَعَمَ، خَالَ، حَسِبَ، تَصَوَّرَ، اِفْتَكَرَ
- ۷ نَقَصَ: کم‌شد متضاد با زَادَ
- ۸ معادل «تلاش کردن» غیر از «مُحَاوَلَة» می‌شود: جَدَّ، جَهَّدَ، اِجْتِهَادَ، سَعَى، كَذَحَ و كَدَّ
- ۹ معادل «کمک کرد» در عربی: سَاعَدَ، اَعَانَ، اُعَاثَ

۱. نَقَصَ يَنْقُصُ، نَقَصًا و نَقْصَانًا، و اسم فاعله ناقص، و اسم مفعوله منقوص - للمتعدّي

نَقَصَ الشَّيْءُ: قَلَّ، عَكْسَ زَادَ

الدَّرْسُ السَّادِسُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۱ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان‌خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمه فعل نهی معادل دوم شخص جمع در فارسی (جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنی مذکر مخاطب و مثنی مؤنث مخاطب) در جمله با توجه به قرائن.

فرایند آموزش

متن درس درباره داستان زندگی دانش‌آموزی روستایی به نام ساره در کلاس چهارم دبستان است. ساره در پایه چهارم مردود شده است و آموزگار او در پی علت مردودی برمی‌آید، او درمی‌یابد که دلیل مردودی، مرگ مادر دانش‌آموز است و

۱. پیام درس نقش رفتار انسان‌ها در جامعه است؛ چه بسا سخن، رفتار و تصمیمی زندگی یک فرد را نابود کند یا برعکس در زندگی او تأثیر مثبت داشته باشد.

تَغْيِيرُ الْحَيَاةِ

تغییر زندگی

إِبْتَدَأَ الْعَامُ الدَّرَاسِيَّ الْجَدِيدُ وَ ذَهَبَ تَلَامِيذُ الْقَرْيَةِ إِلَى الْمَدْرَسَةِ. كَانَتْ الْقَرْيَةُ صَغِيرَةً وَ جَمِيلَةً. دَخَلَتْ الْمُدْرَسَةُ فِي الصَّفِّ الرَّابِعِ.

سال تحصیلی نو (جدید) آغاز شد و دانش‌آموزان روستا به مدرسه رفتند. روستا کوچک و زیبا بود. خانم معلم وارد کلاس چهارم شد.

كَانَ الصَّفُّ مُزْدَحِمًا. قَالَتْ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنَيْنِ: «اجْلِسُوا عَلَى الْيَمِينِ.» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «اجْلِسْنَ عَلَى الْيَسَارِ».

کلاس شلوغ بود. خانم معلم به پسرها گفت: «سمت راست بنشینید.» و به دخترها گفت: «سمت چپ بنشینید.»

هِيَ شَاهَدَتْ تَلْمِيذَةً رَاسِبَةً بِاسْمِ «سَارَةَ». رَسَبَتْ سَارَةُ عِنْدَهَا فِي السَّنَةِ الْمَاضِيَةِ؛ فَحَزِنَتْ وَ ذَهَبَتْ لِمُشَاهَدَةِ مِلَفِّهَا لِإِطْلَاعٍ عَلَى مَاضِيهَا.

او دانش‌آموزی مردود به نام ساره را دید (مشاهده کرد). ساره سال گذشته، نزد خودش مردود شد. ناراحت شد (اندوهگین شد) و برای دیدن پرونده‌اش و برای آگاه شدن (اطلاع) بر گذشته‌اش رفت. فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الْأُولَى: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا. تَكْتُبُ وَاجِبَاتِهَا جَيِّدًا. هِيَ نَشِيطَةٌ وَ ذَكِيَّةٌ. در پرونده سال نخست: او دانش‌آموزی بسیار کوشاست. تکلیف‌هایش را خوب می‌نویسد. او فَعَّالٌ (چالاک) و باهوش است.

وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّانِيَةِ: هِيَ تَلْمِيذَةٌ جَيِّدَةٌ جِدًّا؛ لَكِنَّهَا حَزِينَةٌ. أُمُّهَا رَاقِدَةٌ فِي الْمُسْتَشْفَى. و در پرونده سال دوم: او دانش‌آموزی بسیار کوشاست، ولی غمگین است. مادرش در بیمارستان بستری (خوابیده) است.

وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الثَّالِثَةِ: هِيَ فَقَدَتْ وَالِدَتَهَا فِي هَذِهِ السَّنَةِ. هِيَ حَزِينَةٌ جِدًّا. و در پرونده سال سوم: او مادرش را امسال (در این سال) از دست داد. او بسیار غمگین است. وَ فِي مِلَفِّ السَّنَةِ الرَّابِعَةِ: هِيَ تَرَكَّتِ الدَّرَاسَةَ وَ لَا تُحِبُّ الْمَدْرَسَةَ وَ تَنَامُ فِي الصَّفِّ. و در پرونده سال چهارم: او درس خواندن را ترک کرد و مدرسه را دوست ندارد و در کلاس می‌خوابد. الْمُدْرَسَةُ لَامَتْ نَفْسَهَا وَ غَيَّرَتْ طَرِيقَةَ تَدْرِيسِهَا.

خانم معلم خودش را سرزنش (ملامت) کرد و روش تدریسش را تغییر داد.

بَعْدَ مُدَّةٍ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ الْمُدْرَسَةِ جَلَبَ التَّلَامِيذُ هَدَايَا لَهَا وَ جَلَبَتْ سَارَةُ لِمُدْرَسَتِهَا هَدِيَّةً فِي وَرَقَةٍ صَحِيفَةٍ.

پس از مدتی دانش‌آموزان در جشن تولد (زادروز) خانم معلم برایش هدیه‌هایی آوردند و ساره برای خانم معلمش هدیه‌ای در برگه (ورقه) روزنامه‌ای آورد.

كَانَتْ الْهَدِيَّةُ زُجَاجَةً عِطْرِ أُمِّهَا، فِيهَا قَلِيلٌ مِنَ الْعِطْرِ فَضَحِكَ التَّلَامِيذُ؛ فَقَالَتْ الْمُدْرَسَةُ لِلْبَنِينَ: «لَا تَضْحَكُوا» وَ قَالَتْ لِلْبَنَاتِ: «لَا تَضْحَكْنَ». الْمُدْرَسَةُ عَطَرَتْ نَفْسَهَا بِذَلِكَ الْعِطْرِ.

آن هدیه شیشه‌ی عطر مادرش بود که اندکی عطر در آن بود و دانش‌آموزان خندیدند؛ خانم معلم به پسرها گفت: «نخندید» و به دخترها گفت: «نخندید». خانم معلم با آن عطر به خودش عطر زد. (خودش را معطر کرد؛ خودش را خوش‌بو کرد).

جَاءَتْ سَارَةُ عِنْدَ مُدْرَسَتِهَا وَ قَالَتْ: «رَائِحَتُكَ مِثْلَ رَائِحَةِ أُمِّي.»

ساره نزد معلمش آمد و گفت: «بوی (رایحه) تو مانند بوی مادرم است.»

شَجَعَتِ الْمُدْرَسَةُ سَارَةَ؛ فَصَارَتْ تَلْمِيذَةً مِثَالِيَّةً.

خانم معلم، ساره را تشویق کرد و او دانش‌آموزی نمونه شد.

وَ بَعْدَ سَنَوَاتٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً مِنْ سَارَةَ مَكْتُوباً فِيهَا: «أَنْتِ أَفْضَلُ مُعَلِّمَةٍ شَاهَدْتُهَا فِي حَيَاتِي. أَنْتِ غَيْرَتِ مَصِيرِي. أَنَا الْآنَ طَبِيبَةٌ.»

و پس از چند سال، خانم معلم نامه‌هایی از ساره دریافت کرد که در آن نوشته شده بود: «تو بهترین معلمی هستی که در زندگی‌ام دیده‌ام. تو سرنوشتم را تغییر دادی. من حالا پزشک هستم.»

وَ بَعْدَ مُدَّةٍ، اسْتَلَمَتِ الْمُدْرَسَةُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنَ الطَّبِيبَةِ سَارَةَ؛ طَلَبَتْ مِنْهَا الْحُضُورَ فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا وَ الْجُلُوسَ فِي مَكَانِ أُمِّ الْعُرُوسِ.

و پس از مدتی، خانم معلم نامه‌ای دیگر (نامه دیگری) را از خانم دکتر ساره دریافت کرد که در آن از وی حضور در جشن عروسی‌اش و نشستن در جایگاه مادر عروس را خواسته بود. (خواست)

عِنْدَمَا حَضَرَتْ مُدْرَسَتُهَا فِي حَفْلَةِ زَوَاجِهَا؛ قَالَتْ لَهَا سَارَةُ: شُكراً جَزِيلاً يَا سَيِّدَتِي؛ أَنْتِ غَيْرَتِ حَيَاتِي. فَقَالَتْ لَهَا الْمُدْرَسَةُ: «لَا يَا بِنْتِي؛ أَنْتِ غَيْرَتِ حَيَاتِي؛ فَعَرَفْتُ كَيْفَ أُدْرَسُ.»

هنگامی که خانم معلم در جشن عروسی‌اش حاضر شد؛ ساره به او گفت: ای خانم من (خانم!)؛ تو زندگی‌ام را تغییر دادی. پس خانم معلم به او گفت: «نه ای دخترم، تو زندگی‌ام را تغییر دادی؛ پس یاد گرفتم (آموختم) چگونه درس بدهم.»

درک مطلب

۱. أَيْنَ جَلَسَتِ الْبَنَاتُ؟ عَلَى الْيَسَارِ
۲. لِمَنْ كَانَتْ زُجَاجَةُ الْعِطْرِ؟ لِوَالِدَةِ سَارَةَ
۳. فِي أَيِّ صَفٍّ كَانَتْ سَارَةُ رَاسِبَةً؟ فِي الرَّابِعِ
۴. مَاذَا كَانَتْ هَدِيَّةُ سَارَةَ لِمُدْرَسَتِهَا؟ زُجَاجَةُ عِطْرِ
۵. هَلْ كَانَتْ الْهَدَايَا بِمُنَاسَبَةِ حَفْلَةِ الْمِيلَادِ؟ نَعَمْ

آموزش تصویری قواعد درس

دانش آموز جمله‌های مصوّر را می‌خواند و با توجّه به تصویر و با راهنمایی معلّم ترجمه می‌کند. معلّم همچون دروس قبل قاعده درس را با استفاده از کادر رنگی توضیح می‌دهد و دانش‌آموزان را به حروف رنگی در فعل‌های تفعّلون، تفعّلن و تفعّلان ارجاع می‌دهد. دانش‌آموز با شیوه اکتشافی با فعل مضارع مجزوم «فعل نهی معادل دوم شخص جمع در زبان فارسی» (جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنی مذکر مخاطب و مثنی مؤنث مخاطب) آشنا می‌شود. او جمله‌های زیر هر تصویر را می‌خواند و با توجّه به تصویر، آنها را ترجمه می‌کند. تصویر امر یادگیری را تسهیل می‌کند. نباید توقّع داشته باشیم که دانش‌آموز به سرعت مطلب را بیاموزد. یادگیری در سایه تمرین و تکرار و تلاش به دست می‌آید.

بدانیم

در یک جدول فعل‌های مضارع و نهی در کنار همدیگر آمده است تا دانش‌آموز بتواند با مقایسه آنها فرق معنایی میان مضارع و نهی را تشخیص دهد. هرگاه دانش‌آموز بتواند فعل مضارع و فعل نهی را درست تشخیص دهد و درست ترجمه کند، کم‌کم می‌تواند آنها را نیز بسازد. البته ساختن فعل ماضی، مضارع، امر و نهی از اهداف سه کتاب عربی هفتم، هشتم و نهم نیست، اما در سایه شناخت افعال خود به خود به دست می‌آید. آموخته‌های قبلی در کنار آموزش جدید برای مقایسه قرار می‌گیرد. دانش‌آموز باید فعل‌ها را بشناسد تا بتواند در جمله و به کمک قرائن درست ترجمه کند و هدف این نیست که او بتواند فعلی را از مضارع به نهی، یا برعکس تبدیل کند. چند تمرین بلافاصله پس از این بخش طراحی شده است، تا آموخته‌ها تثبیت و ملکه ذهن شود.

ترجمه کنید

■ يا زُمَلائى، رَجاءً، لا تَنْزِلُوا؛ اِصْعَدُوا. يا زَمِيلَتى، رَجاءً، لا تَنْزِلْنَ؛ اِصْعَدْنَ.

ای هم کلاسی‌ها، لطفاً پایین نیایید؛ بالا بروید.

■ يا زَمِيلانِ، رَجاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا. يا زَمِيلَتانِ، رَجاءً، لا تَنْزِلَا؛ اِصْعَدَا.

ای دو هم کلاسی، لطفاً پایین نیایید؛ بالا بروید.

■ لا تَرْقُدُوا تَحْتَ الشَّجَرِ فِي اللَّيْلِ. زیرِ درخت در شب نخوابید.

■ يا أَخَوَاتى، لا تَغْضَبْنَ عَلَى أَحَدٍ. ای خواهرانم، بر کسی خشم نگیرید.

■ يا وَلَدانِ، لا تَضْحَكَا بِصَوْتٍ مُرْتَفِعٍ. ای دو پسر (پسرها) با صدای بلند نخندید.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. تصویر به خواننده کمک می‌کند، تا درست ترجمه کند. جمله‌ها به دانش‌آموز کمک می‌کند تا بتواند مفاهیم (جمع مذکر مخاطب، جمع مؤنث مخاطب، مثنی مذکر مخاطب و مثنی مؤنث مخاطب) را بی‌آنکه معلّم نام ببرد بفهمد و بداند که در زبان عربی معادل فعل نهی فارسی «انجام ندهید» سه فعل «لا تفعلوا، لا تفعلن و لا تفعلنا» است.

تمرین سوم: هدف، تقویت مهارت قرائت و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند فعل ماضی پایه هفتم و مضارع پایه هشتم و امر و نهی پایه نهم را در جمله تشخیص دهد. پنج جمله از آیات قرآن و یک حدیث برگزیده شده است، تا دانش‌آموز بتواند آموخته‌های خودش را در فهم قرآن و حدیث به کار بگیرد. شبیه این تمرین در بسیاری از جاهای کتاب درسی آمده است.

گنزُ الحِکْمَة: دانش‌آموز چند حدیث را در بخش انتهایی درس می‌خواند، احادیثی که شکل‌های مختلف ساختارهای آموزش داده شده و نیز بسیاری از واژگان خوانده شده را در بر دارد.

هماهنگی در حل تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: توضیحات زیر مربوط به کدام واژه جدید از درس است؟

۱. اِلْمْتِنَاعُ عَنِ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ لِفَرِيضَةٍ دِينِيَّةٍ. الصَّيَام
۲. الشَّخْصُ الَّذِي يُحِبُّ الْعَمَلَ وَ يُحَاوِلُ كَثِيرًا. اَلْمِثَالِي
۳. صِفَةٌ لِلْمَكَانِ الْمَمْلُوءِ بِالْأَشْخَاصِ وَ الْأَشْيَاءِ. اَلْمُزْدَحِم
۴. اَلطَّالِبُ الَّذِي لَا يَنْجَحُ فِي اَلْإِمْتِحَانَاتِ. اَلرَّاسِب
۵. اِجْتِمَاعٌ جَمَعَ مِنَ النَّاسِ لِفَرَجٍ عَظِيمٍ. اَلْحَفْلَةُ

التَّمْرِينُ الثَّانِي: جمله‌های زیر را با توجّه به تصویر ترجمه کنید.

- لَا تَذْهَبْ مِنْ هُنَا. از اینجا نرو.
- لَا تَشْرَبْ مِنْ هَذَا الْمَاءِ. از این آب ننوش.
- لَا تَكْشِفُوا عُيُوبَ أَصْدِقَائِكُمْ. عیب‌های دوستانتان را آشکار نکنید.
- لَا تَجْلِسَنَّ هُنَاكَ؛ اِجْلِسَنَّ هُنَا. آنجا ننشینید. اینجا بنشینید.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: آیات زیر را ترجمه، سپس فعل‌های ماضی، مضارع، امر و نهی را معلوم کنید.

۱. اِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَ لَا تَيَاسُوا مِنْ رَوْحِ اللّٰهِ؛ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللّٰهِ اِنْتَظَارُ الْفَرَجِ. اَلْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَام

■ چشم به راه گشایش باشید. و از مهر خدا ناامید نشوید؛ زیرا دوست‌داشتنی‌ترین کارها نزد خدا چشم به راه بودن گشایش [در کار] است.

■ منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید؛ قطعاً محبوب‌ترین عمل‌ها نزد خدا انتظار فرج است. امر - نهی

۲. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ (الأعراف: ۴۷)

■ [ای] پروردگاران، ما را همراه مردم ستمگر قرار نده. نهی

■ پروردگارا، ما را همراه قوم ظالم قرار نده.

۳. قَالَ اللّٰهُ لَادَمَ وَ حَوَّاءَ : ﴿لَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ﴾ (الأعراف: ۱۹)

خداوند به آدم و حوا گفت: به این درخت نزدیک نشوید. ماضی - نهی

۴ ﴿لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ﴾ (الأعراف: ۱۹)

و نعمتِ خدا بر خودتان را یاد کنید. نهی

۵ ﴿وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ...﴾ (المزمل: ۱۰)

و بر آنچه می‌گویند بُردباری کن. (صبر کن) امر - مضارع

۶ ﴿وَاشْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ...﴾ (النحل: ۱۱۴)

و نعمتِ خدا را شکر کنید. امر

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱ لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انْظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری نمازشان و روزه‌شان و بسیاری حج نگاه نکنید؛ بلکه به راستگویی و امانتداری نگاه کنید.

۲ اُنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

■ بنگر به آنچه گفته و ننگر به آنکه گفته است.

■ به چیزی که گفته است نگاه کن و به کسی که گفته است نگاه نکن.

۳ لَا فَقْرَ كَالْجَهْلِ وَ لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

هیچ نداری‌ای (فقری) مانند نادانی نیست و هیچ میراثی مانند ادب نیست.

۴ مَنْ دَفَعَ غَضَبَهُ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ عَذَابَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

■ هر کس خشمش را دفع کند، خداوند عذابش را از او برطرف کند.

■ هر کس عصبانیتش را دور کند، خدا هم عذابش را از او دور می‌کند.

۱. روضة الواعظین، جلد ۲، صفحه ۳۷۳

۲. غرر الحکم و درر الکلم، صفحه ۵۸

۳. نهج البلاغه، حکمت ۵۴

۴. نهج الفصاحه، حکمت ۳۰۰۴

الْقُرْآنِيَّات

۱ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ السُّورَةَ بِمَعْنَى الْجِدَارِ الَّذِي حَوْلَ الْمَدِينَةِ؟

آیا می‌دانی که سوره به معنای دیواری است که پیرامون شهر می‌باشد؟

۲ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ كُلَّ السُّورِ تَبْدَأُ بِالْبِسْمَلَةِ إِلَّا سُورَةَ التَّوْبَةِ، وَ سُورَةَ النَّملِ فِيهَا بِسْمَلَتَانِ؟

آیا می‌دانی که همه سوره‌ها به جز سوره توبه با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز می‌شوند و سوره نمل دو بسم الله الرحمن الرحيم دارد؟

۳ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ سِتَّةَ سُورٍ بِاسْمِ سِتَّةِ أَنْبِيَاءَ؟ وَ هِيَ سُورَةُ يُونُسَ وَ هُودَ وَ يُوسُفَ وَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدَ وَ نُوحَ.

آیا می‌دانی که شش سوره به نام شش پیامبر است؟ و عبارت‌اند از سوره‌های یونس، هود، یوسف، ابراهیم، محمد و نوح.

۴ هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ خَمْسَ سُورٍ تَبْدَأُ بِفِعْلِ «قُلْ»؟ وَ هِيَ الْجِنِّ وَ الْكَافِرُونَ وَ التَّوْحِيدَ وَ الْفَلَقَ وَ النَّاسَ.

آیا می‌دانی که پنج سوره با فعل «قُلْ» آغاز می‌شوند؟ و عبارت‌اند از جن، کافرون، توحید، فلق و ناس.

ارزش‌یابی

از چند دانش‌آموز انجام دادن و ندادن چند کار درخواست می‌شود.

دانش‌آموزی خطاب به آنان می‌گوید این کار را انجام بده، سپس می‌گوید انجام نده؛ مثال:

إِحْمِلَا هَذِهِ الْمَنْضَدَةَ. لَا تَحْمِلَا هَذِهِ الْمَنْضَدَةَ. اُكْتُبُوا عَلَى اللَّوْحِ. لَا تَكْتُبُوا عَلَى اللَّوْحِ.

أَخْرُجْنَ مِنَ الصَّفِّ. لَا تَخْرُجْنَ مِنَ الصَّفِّ. أَدْخُلْ فِي الصَّفِّ. لَا تَدْخُلْ فِي الصَّفِّ.

وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پاورپوینت یا کلیپ‌های کوتاهی تهیه کرد و مفاهیم مطلوب را به کمک آنها

بهتر آموزش داد؛ مثلاً از چند دانش‌آموز فیلمی دو ثانیه‌ای گرفته می‌شود که مبصر خطاب به آنها

می‌گوید: اِنْهَضُوا و معلّم پس از ورود به کلاس می‌گوید: اِجْلِسُوا و ...

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «إِسْتَلَمَ» به معنای «دریافت کرد» در مقابل «سَلَّمَ» به معنای «تحویل داد» است.
«سَلَّمَ» به معنای «تسلیم شد» و «سلام کرد» نیز می‌باشد.
«سَلَّمَ نَفْسَهُ»؛ یعنی «خودش را تسلیم کرد».
- ۲ «حَفَلَتْ» به معنای «جشن» و مترادف با «إِحْتِفَال» است.
- ۳ «دَفَعَ» چند معنا دارد: هُل داد، دفع کرد، پرداخت، يَدْفَعُ، دَفْعاً
- ۴ «رَاسِبٌ» به معنای «مردود» در مقابل «ناجِح» به معنای «قبول» قرار دارد.
- ۵ «رَاقِدٌ» به معنای «بستری» و «خوابیده» است و با «نائِمٌ» مترادف است.
- ۶ «صَوْمٌ» مطلق روزه است. شامل نخوردن و سخن نگفتن، ولی «صیام» روزه ماه رمضان است.^۱
- ۷ «نَشِيطٌ» به معنای «چالاک» و «فَعَالٌ» است.^۲

۱. صَوْم: (اسم) مصدر صامَ، الصَّوْمُ: الإمساكُ عَنْ أَيْ فَعَلَ أَوْ قَوْلَ كَانَ، الصَّوْمُ: الصَّمْتُ / الصَّيَامُ: الصَّوْم، الإمساكُ عَنْ شَهْوَتِي الْبَطْنِ وَالْفَرْجِ مِنْ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصَّيَامُ﴾ (البقرة: ۱۸۳)

۲. نَشِيط: (اسم) الجمع: نَشَاطٌ و نِشَاطٌ، نشاطٌ، المؤنث: نشِيطَةٌ، و الجمع للمؤنث: نشِيطَات و نِشَاطَات

صفة مشبهة تدل على الثبوت من نَشِطَ إِلَى / نَشِطَ فِي / نَشِطَ لـ

شَابَ نَشِيطٌ: ذُو نَشَاطٍ، مَنْ يَعْمَلُ بِحَيَوِيَّةٍ وَخَفَّةٍ.

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۲۵ کلمه جدید این درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام آموزشی درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت های درس
- ۵ شناخت ترکیب اضافی و ترکیب وصفی (تشخیص صفت و مضاف الیه)
- ۶ شناخت و ترجمه ترکیب «اضافی-وصفی» مانند «قَلَمُكَ الْأَحْمَرُ» در جمله

فرایند آموزش

متن درس داستان زندگی توماس ادیسون است. بسیاری افراد می پرسند که فرجام مخترعان و مکتشفانی که به بشریت خدمت کرده، ولی مسلمان نبوده اند، چه می شود؟

داوری در مورد نیت درونی این افراد کار دشواری است، مشهور است که کار مخترعانی مانند ادیسون خدمت به بشریت بوده است، پس هیچ دلیلی نداریم که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَضِيعُ أَجْرُ الْمُحْسِنِينَ﴾ شاملشان نشود؛ زیرا محسنین در قرآن فقط به مؤمنان اطلاق نشده است. مُحْسِن یعنی نیکوکار.

از این گذشته آیه ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ﴾ و من يعمل مثقال ذرة شراً يره﴾ (زلزال: ۷-۸) هرکس به اندازه سنگینی ذره ای کار خوب کند، آن را می بیند و هر کس به مقدار ذره ای کار بد کند، آن را خواهد دید. به وضوح شامل این گونه اشخاص می شود؛ زیرا در آیه تصریح شده، عمل خوب پاداش و عمل بد کیفر را در پی دارد. خوبی و بدی کارها، قراردادی نیست؛ بلکه واقعی است و آثار خود را دارد؛ پس هر گاه اعمالی به وجود آمد که ذاتاً خوب است، بالطبع پاداش دارد؛ لذا در قرآن آمده است:

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ (الکھف: ۳۰)

۱. پیام درس درباره تلاش افراد است.

گنج خواهی در طلب رنجی ببر خرمی می بایدت تخمی بکار
﴿لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾

شهید استاد مرتضی مطهری می‌نویسد:

«چون خداوند اهل تبعیض نیست و چون عمل نیک از هرکس نیک است، پس هرکس کار نیک بکند، ضرورتاً و الزاماً از طرف خدای متعال پاداش نیک خواهد داشت...» (عدل الهی، صفحه ۳۳۹).

از این آیات استفاده می‌شود که پاداش و کیفر بر نفس اعمال مترتب بوده و مسلمان بودن در اعطای پاداش شرط نشده است، همان‌طوری که در عذاب شدن غیر مسلمان بودن شرط نشده است.

ولی عده‌ای عقیده دارند که اگر بنا باشد اعمال غیرمسلمان مقبول درگاه خداوند باشد، پس فرق میان مسلمان و غیرمسلمان در چیست؟! اصولاً اگر تفاوت مسلمانان با غیر مسلمانان در پاداش ظهور نکند اسلام لغو خواهد بود. برخی از آیات نیز آمده است که عمل کافر غیر مقبول است.

در آیه ۱۸ سوره ابراهیم اعمال کفار به خاکستری تشبیه شده است که به وسیله تندیابی پراکنده شود: ﴿مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الصَّلَاةُ الْبَعِيدُ﴾ (ابراهیم، آیه ۱۸ و تفسیر نمونه، جلد ۱۰، صفحه ۳۰۸)

کسانی که به پروردگارشان کافر شده‌اند، اعمالشان در مثل به خاکستری می‌ماند که در روزی طوفانی، تندیابی بر آن بوزد که بر اندکی هم از آنچه فراهم آورده‌اند دست نمی‌توانند یافت. این است آن گمراهی‌ای که از حق فاصله‌ای دور و دراز دارد. روشن است که این آیه در برگیرنده کفار است؛ یعنی کسانی که حقیقت اسلام را به روشنی دریافته‌اند، ولی با این حال کفر و عناد می‌ورزند. اما مسلمان نبودن کسانی که ستیزه‌جویی با دین ندارند و تنها به‌خاطر اینکه حقیقت اسلام به آنها نرسیده، مسلمان نیستند، شامل کفار این آیه نمی‌شوند.

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرمایند: «بهشت هشت در دارد، نخستین آن برای انبیا و صدیقین، دومین آن برای شهدا و صالحین و پنج در بعدی برای مؤمنان راستین، و در هشتم برای مردمانی که با حق و حقیقت در ستیز نباشند». (خصال شیخ صدوق، جلد ۲، صفحات ۴۰۷ - ۴۰۸)

در نتیجه حکم دادن به کفر و عناد مخترعینی مانند ادیسون که به بشریت خدمت کرده‌اند، کار سختی است. هیچ دلیلی نداریم که آیه ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ﴾ شامل این‌گونه اشخاص نشود.

برای مطالعه بیشتر به تفسیر نمونه، جلد ۱۰، صفحات ۳۱۲ - ۳۱۷ و عدل الهی شهید استاد مطهری، صفحات ۳۳۷ - ۳۳۸ مراجعه شود.

تَمَرَةُ الْجِدِّ

میوه تلاش (دسترنج)

كَانَ إِدِيسُونُ فِي السَّابِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ، عِنْدَمَا عَجَزَتْ أُسْرَتُهُ عَنْ دَفْعِ نَفَقَاتِ دِرَاسَتِهِ: فَطَرَدَهُ مُدِيرُ مَدْرَسَتِهِ مِنَ الْمَدْرَسَةِ وَ قَالَ عَنْهُ: «إِنَّهُ تَلْمِيزٌ أَحْمَقٌ». فَصَارَ بَائِعَ الْفَوَاكِهِ.

ادیسون در سن هفت سالگی بود، (هفت ساله بود) هنگامی که خانواده اش از پرداخت هزینه های تحصیلش (درس خواندنش) درماند (عاجز شد)، پس مدیر مدرسه اش او را از مدرسه راند (بیرون کرد)، طرد کرد) و درباره اش گفت: «او دانش آموزی نادان است.» پس میوه فروش شد.

وَلَكِنَّهُ مَا تَرَكَ الدِّرَاسَةَ؛ بَلْ دَرَسَ بِمُسَاعَدَةِ أُمِّهِ؛ هِيَ سَاعَدَتْهُ كَثِيرًا. كَانَ إِدِيسُونُ ثَقِيلَ السَّمْعِ بِسَبَبِ حَادِثَةٍ أَوْ مَرَضٍ أَصَابَهُ أَيَّامَ الطُّفُولَةِ.

ولی او تحصیل (درس خواندن) را ترک نکرد؛ بلکه به کمک مادرش درس خواند. او خیلی کمکش کرد. ادیسون به سبب حادثه ای یا بیماری ای که روزهای کودکی دچارش شده بود (دچارش شد) کم شنوا بود.

تَمَثُّلُ إِدِيسُونِ أَمَامَ الْجِسْرِ

تندیس (مجسمه) ادیسون روبه روی پُل

إِدِيسُونُ أَحَبَّ الْكِيمِيَاءَ. فَصَنَعَ مُخْتَبَرًا صَغِيرًا فِي مَنْزِلِهِ وَ بَعْدَ مُدَّةٍ قَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ بَعْضِ الْمَوَادِّ الْكِيمِيَاوِيَّةِ وَ الْأَدَوَاتِ الْعِلْمِيَّةِ.

ادیسون شیمی را دوست داشت. پس آزمایشگاهی کوچک در خانه اش ساخت و پس از مدتی توانست برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی را بخرد. (قادر به خریدن برخی مواد شیمیایی و ابزارهای علمی شد).

وَ بَعْدَ مُحَاوَلَاتٍ كَثِيرَةٍ صَارَ مَسْؤُولًا فِي أَحَدِ الْقِطَارَاتِ وَ قَدَّرَ عَلَى شِرَاءِ آلَةِ طِبَاعَةٍ وَ وَضَعَهَا فِي عَرَبَةِ الْبُضَائِعِ.

و پس از تلاش های بسیاری مسئول یکی از (مسئول در یکی از) قطارها شد و توانست دستگاه چاپی بخرد و آن را در واگن کالاها گذاشت،

وَ فِي السَّنَةِ الْخَامِسَةِ عَشْرَةَ مِنْ عُمْرِهِ كَتَبَ صَحِيفَةً أُسْبُوعِيَّةً وَ طَبَعَهَا فِي الْقِطَارِ.

و در سن پانزده سالگی روزنامه ای هفتگی نوشت و آن را در قطار چاپ کرد.

فِي أَحَدِ الْأَيَّامِ انْكَسَرَتْ إِحْدَى زُجَاجَاتِ الْمَوَادِّ الْكِيمَاوِيَّةِ فِي الْمَطْبَعَةِ؛ فَحَدَّثَ حَرِيقُ؛ فَطَرَدَهُ رَئِيسُ الْقِطَارِ وَ عِنْدَمَا أَنْقَذَ طِفْلاً مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ، جَعَلَهُ وَالِدُ الطِّفْلِ رَئِيساً فِي شَرِكَتِهِ.

در یکی از روزها یکی از شیشه‌های مواد شیمیایی در چاپخانه شکسته شد (شکست) و آتش‌سوزی روی داد و رئیس قطار او را بیرون کرد (طرد کرد) و وقتی که کودکی از زیر قطار نجات داد، پدر کودک او را رئیس شرکتش کرد.

كَانَ إِدِيسُونُ مَشْغُولاً فِي مَخْتَبَرِهِ لَيْلاً وَ نَهَاراً. هُوَ أَوَّلُ مَنْ صَنَعَ مُخْتَبِراً لِلْأُبْحَاطِ الصَّنَاعِيَّةِ. اِدِيسُونُ شَبَّ وَ رُوزٌ دَرِ آزِمَایِشْگَاهشْ مَشْغُولُ بُوْد. اَوِ نَخَسْتِیْنِ کَسِی بُوْد کِه آزِمَایِشْگَاهی بَرای پِژوهش‌های صنعتی ساخت.

اِخْتَرَعَ وَ كَمَّلَ إِدِيسُونُ أَكْثَرَ مِنْ أَلْفِ اِخْتِرَاعٍ مُهِمٍّ؛ مِنْهَا الْمَصْبَاحُ الْكَهْرِبَائِيُّ وَ الْمَسْجِلُ وَ الصُّورُ الْمُتَحَرِّكَةُ وَ آلَةُ السِّنِمَا وَ بَطَارِيَّةُ السَّيَّارَةِ. إِنَّهُ قَدَّرَ عَلَى تَأْسِيسِ أَوَّلِ شَرِكَةٍ لِتَوْزِيعِ الطَّاقَةِ الْكَهْرِبَائِيَّةِ. وَ الطَّاقَةُ الْكَهْرِبَائِيَّةُ فِي هَذَا الْعَصْرِ سَبَبٌ رَئِيسِيٌّ لِتَتَقَدَّمَ الصَّنَاعَاتُ الْجَدِيدَةُ.

اِدِيسُونُ بَیْشْتَرِ از هِزار اِخْتِرَاعِ مُهِمِّ را کَامل و اِخْتِرَاعِ کُرد. از آن جَمْلِه چِراعِ بَرَق، ضَبطِ صَوْت، تِصاویرِ مِتَحَرِّک، دِستگاهِ سِینِما و باتریِ خُودرو. او تِوانِستِ نَخَسْتِیْنِ شَرِکَتِ تَوْزِیعِ نِیرویِ بَرَق را تَأْسِیسِ کُند و نِیرویِ بَرَق دَرِ اِینِ رُوزگارِ دَلیلِ اِصلیِ پِیشِرفتِ صِنایعِ نوینِ بُوْدِه اِست.

﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا﴾ (الْكَهْف: ۳۰)

بِی‌گِمانِ کِسانی‌کِه اِیمانِ آوَرْدِه و کارهایِ شایِسته کُردِه‌اند، ما پاداشِ کِسی را کِه کارِ نِیکو کُند تِباهِ نِمی‌کِنیْم.

درک مطلب

- | | |
|------|--|
| غلط | ۱ عَدَدُ اِخْتِرَاعَاتِ إِدِيسُونِ سَبْعُونَ. |
| صحیح | ۲ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ. |
| صحیح | ۳ أَحَبُّ إِدِيسُونِ عِلْمُ الْكِيمِیَاءِ فِي صِغَرِهِ. |
| صحیح | ۴ سَاعَدَتْهُ أُمُّ إِدِيسُونِ وَلَدَهَا فِي الدِّرَاسَةِ. |
| غلط | ۵ وَضَعَ إِدِيسُونُ آلَةَ الطَّبَاعَةِ الَّتِي اشْتَرَاهَا فِي بَيْتِهِ. |

۱. ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی:

مسلمانان کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، ما پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهیم کرد.

ترجمه آیت‌الله موسوی همدانی (ترجمه المیزان): آنان که (به خدا) ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

آموزش تصویری قواعد درس

دانش آموز جمله‌های مصوّر را می‌خواند و با توجّه به تصویر و با راهنمایی معلّم ترجمه می‌کند. بدیهی است که برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیّات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت. ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است. شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش‌آموز به کار برده می‌شوند.

با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت:

۱ افزودن «تر» یا «ترین» به کلمه دوم ترکیب؛ مثال: زرنگ‌تر، زرنگ‌ترین

۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسر زرنگ است. پسر زرنگ بود.

۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسر زرنگ، پسر بسیار زرنگ

اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معناست؛ یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

بدانیم

آنچه را دانش‌آموز در کلیدواژه تصویری با آن آشنا شده است، در بخش «بدانیم» در قالب یک جدول ملاحظه می‌کند و با تعریف ترکیب وصفی و اضافی آشنا می‌گردد. لازم به تذکر است که هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به‌خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست. اشاره مختصر به این موضوع اشکالی ندارد؛ اما در ارزش‌یابی مطلقاً از آن نباید سوّالی طرح شود.

همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنی و جمع نمی‌گیرد و مضاف الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

ترجمه جملات

- هَذِهِ قَلْعَةٌ تَارِيخِيَّةٌ فِي مُحَافَظَةِ جَمِيلَةٍ؛ این دژ تاریخی در استانی زیباست.
- هَذَا أَثَرٌ تَارِيخِيٌّ فِي مُحَافَظَةِ كَبِيرَةٍ؛ این اثری تاریخی در استانی بزرگ است.
- تَمَثَّيْلُ الْعُلَمَاءِ، فِي مَقَرِّ مَنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ؛ تندیس‌های دانشمندان در مقر سازمان ملل متحد.
- تَمَثَّالُ الْمُتَنَبِّي، فِي مَدِينَةِ بَغْدَاد؛ تندیس متنبی در شهر بغداد.

فن ترجمه

آموزش ترکیب (اضافی – وصفی) برای این است که ترکیبی مانند «صَدِيقِي الْعَزِيزُ» آموزش داده شود. در کتاب درسی ترکیب (اضافی – وصفی) با ضمائر طَرَّاحی شده است و مثال‌های این چنینی مانند «صَدِيقُ جَوَادٍ الْعَزِيزُ» یا «حَقِيقَةُ أُخْتِي الصَّغِيرَةِ» نیامده است؛ زیرا ترجمه ترکیب‌هایی مانند «حَقِيقَةُ أُخْتِي الصَّغِيرَةِ» بسیار سخت است و دانش‌آموز باید اطلاعات زبانی بسیاری داشته باشد تا بتواند آن را درست ترجمه کند.

ترکیب (اضافی – وصفی) نباید مستقلاً آموزش و یا ارزش‌یابی شود؛ زیرا یادگیری، بسیار دشوار می‌شود و باید این ترکیب را در جمله به دانش‌آموز ارائه کرد؛ مثال: رَأَيْتُ «صَدِيقِي الْعَزِيزَ» فِي السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.

دانش‌آموز نمی‌تواند ترکیب «صَدِيقِي الْعَزِيزُ» را بیرون از جمله درست ترجمه کند و نمی‌داند کدام‌یک از این دو ترجمه درست است: «دوستِ عزیزم» یا «دوستم عزیز است». همچنین در امتحانات و مسابقات صرفاً باید از همان مثال‌های کتاب درسی بدون هیچ تغییری استفاده کرد. چند مثال دیگر نیز در درس‌های بعدی برای تقویت فهم این ترکیب آمده است. از آن مثال‌ها نیز می‌توان در امتحان استفاده کرد.

ترجمه کنید

- ۱ لَبِسْتُ أُمِّي خَاتَمَهَا الذَّهَبِيَّ فِي حَفْلَةِ مِيلَادِ أَخِي الْأَكْبَرِ. مضافٌ إليه: ي / صفت: الذهبي
ما دارم انگشتر نقره‌اش را در جشن تولدِ برادرِ بزرگ‌ترم پوشید. (به انگشت کرد)
- ۲ شَجَعْنَا فَرِيقَنَا الْفَائِزَ فِي نِهَايَةِ الْمُسَابَقَةِ. مضافٌ إليه: المسابقة / صفت: الفائز
تیم برنده‌مان را در پایانِ مسابقه تشویق کردیم.

۳ قَسَمْتُ مَرْعَتَنَا الْكَبِيرَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ. صفت: الكبيرة

کشتزار (مزرعه) بزرگمان را به دو نیمه تقسیم کردی.

۴ هُوَ يَعْمَلُ بِوَجَائِبِهِ الْمَدْرَسِيَّةِ. صفت: المدرسية

او تکالیف مدرسه‌اش را انجام می‌دهد.

۵ كَانَتْ سَفَرُتُنَا الْعِلْمِيَّةَ مُفِيدَةً. مضافُ اليه: نا / صفت: العلمية

سفر علمی ما سودمند بود.

۶ أَشْكُرُكَ عَلَى عَمَلِكَ الصَّالِحِ. مضافُ اليه: كَ / صفت: الصالح

از تو به خاطر کار درستت سپاسگزاری می‌کنم.

تمرین‌ها

حل تمرینات در کل کتاب بر عهده دانش‌آموز است و معلم نقش مصحح و راهنما دارد. دانش‌آموز می‌خواند و ترجمه می‌کند و معلم اصلاح می‌کند و نمره شفاهی روخوانی نیز در دفتر معلم درج می‌شود. معلم برخی از تمرین‌های نیازمند توضیح را قدری بیشتر توضیح می‌دهد.

تمرین اول: هدف، تقویت توانایی دانش‌آموز در درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم جمله‌ها را بخواند و ترجمه کند. معلم بر قرائت و ترجمه او نظارت می‌کند. درک مطلب در یادگیری هر زبانی نقشی مهم را ایفا می‌کند.

تمرین دوم: چهار تصویر در این تمرین ارائه شده است: مسجد امام در اصفهان، صحنه‌ای از نماز جماعت رزمندگان هشت سال دفاع مقدس، مرقد ابوعلی سینا در همدان و پل سفید در اهواز. تصاویر به لحاظ فرهنگی هدفمند هستند و ذیل هر یک از آنها ترکیب‌های وصفی و اضافی آمده است.

تمرین سوم: تمرین مترادف و متضاد موجب تقویت مهارت واژه‌شناسی دانش‌آموز می‌شود.

تمرین چهارم: دانش‌آموز باید جمله‌های داده شده را درست بخواند و بفهمد تا بتواند تشخیص دهد کدام کلمه برای جای خالی مناسب است. برای اینکه قدرت تفکر دانش‌آموز تقویت شود و به منظور جلوگیری از پاسخ‌های حدسی دو کلمه اضافه نیز در تمرین داده شده است. می‌توان در امتحان نوبت اول و دوم فقط یک کلمه اضافه داد.

تمرین پنجم: هدف، تقویت قدرت ترجمه انواع گوناگون افعال ماضی، مضارع، مستقبل، امر و نهی است. در امتحان از طرح سؤال شبیه به این تمرین خودداری شود. این تمرین صرفاً برای تقویت دانش‌آموز است.

ترجمه فعل باید در جمله و به کمک قرائن صورت گیرد. این تمرین فقط برای کار در کلاس طراحی شده است.

ترجمه «سَتَغُسِلُ» برای دانش آموز ددرس آفرین است، ولی ترجمه آن در جمله «وَالِدَتِي سَتَغُسِلُ الْمَلَأِسَ غَدًا» ساده است. در عین حال که دانش آموز امتحان می دهد همزمان یاد نیز می گیرد. در چنین حالتی امتحان ادامه یادگیری می شود.

كُنْزُ الْحِكْمَةِ: سخنان حکیمانه از پیامبر اسلام ﷺ و حضرت علی علیه السلام زینت بخش انتهای درس می باشد. سعی شده است حکمت های به کار رفته در عین حال که از نظر ساختاری دقیقاً مطابق با اهداف آموزشی کتاب هستند از نظر مفهومی، به روز و قابل فهم برای دانش آموز باشد.

هماهنگی در حل تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس حقیقت بنویسید.

- | | |
|--|------|
| ۱ «الشَّرْكَةُ» مَوْسَسَةٌ تِجَارِيَّةٌ أَوْ اقْتِصَادِيَّةٌ يَعْمَلُ فِيهَا مَوْظِفُونَ وَ عَمَالٌ. | صحیح |
| ۲ «الْقِطَارُ» مَكَانٌ بَيْعُ الْبَضَائِعِ مِثْلُ الْمَلَأِسِ وَ الْفَوَاكِهِ. | غلط |
| ۳ «الْمَطْبَعَةُ» مَخْرَنٌ لِحِفْظِ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ مِثْلُ الْخُبْزِ. | غلط |
| ۴ «الطُّفُولَةُ» هِيَ السَّنَوَاتُ الْأُولَى مِنْ حَيَاةِ الْإِنْسَانِ. | صحیح |
| ۵ «الصَّاعِقَةُ» كَهْرَبَاءُ تَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَعَ الرِّعْدِ. | صحیح |

التَّمْرِينُ الثَّانِي: جمله های زیر را ترجمه کنید؛ سپس مضاف الیه و صفت را در کلماتی که زیرشان خط کشیده شده است، معلوم کنید.

- مَسْجِدُ الْإِمَامِ، أَثَرٌ قَدِيمٌ فِي مُحَافَظَةِ إِصْفَهَانَ.
مسجد امام، اثری کهن در استان اصفهان است.
- جُنُودُنَا الْأَقْوِيَاءُ، جُنُودٌ مُؤْمِنُونَ.
سربازان نیرومندان سربازانی با ایمان هستند.
- مَرْقَدُ الْعَالِمِ الْإِيرَانِيِّ ابْنِ سِينَا فِي مَدِينَةِ هَمْدَانَ.
آرامگاه دانشمند ایرانی، پور سینا در شهر همدان است.
- الْجِسْرُ الْأَبْيَضُ، عَلَى نَهْرِ كَارُونِ.
پل سفید، روی رود کارون است.

التَّمَرِينُ الثَّالِثُ: کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید.

رَاسِبٌ ≠ نَاجِحٌ / نَامٌ = رَقَدَ / عَاقِلٌ ≠ مَجْنُونٌ / طَوِيلٌ ≠ قَصِيرٌ / سَدٌّ ≠ فَتَحَ / جُلُوسٌ ≠ قِيَامٌ
وَضَعٌ = جَعَلَ / صَعْبٌ ≠ سَهْلٌ / جَاءَ = أَتَى / أَعْدَاءٌ ≠ أَصْدِقَاءٌ / قَبِيحٌ ≠ جَمِيلٌ / قَرَعَ = طَرَقَ

التَّمَرِينُ الرَّابِعُ: در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید «دو کلمه اضافه است».

أَنْقَذَ (۵) / رَئِيسِيَّ / احْتَرَقَ (۲) / طَبَعَ / نَفَقَاتُ (۱) / الصَّحِيفَةُ (۴) / بَضَائِعَ (۳)

۱. كَانَتْ الْجَامِعَةُ غَالِيَةً وَ مَا كُنْتُ قَادِرًا عَلَى دَفْعِهَا وَحْدِي.

۲. انْكَسَرَتْ إِحْدَى الرُّجَاجَاتِ فِي الْمُخْتَبَرِ فَ كُلُّ الْأَشْيَاءِ.

۳. يَجْلِبُ التَّاجِرُ جَدِيدَةً إِلَى دُكَّانِهِ لِلْبَيْعِ.

۴. يَبْدَأُ وَالِدِي يَوْمَهُ بِقِرَاءَةٍ دَائِمًا.

۵. اِدِيسُونِ طِفْلاً مِنْ تَحْتِ الْقِطَارِ.

التَّمَرِينُ الْخَامِسُ: فعل‌های زیر را مانند مثال ترجمه کنید.

■ مَا ذَهَبَ: نرفت / لَا يَذْهَبُ: نمی‌رود سَيَذْهَبُ: خواهد رفت / إِذْهَبَ: برو / لَا تَذْهَبَ: نرو

■ مَا شَرَبُوا: نوشیدند / لَا يَشْرَبُونَ: نمی‌نوشند / سَيَشْرَبُونَ: خواهند نوشید / اِشْرَبُوا: بنوشید / لَا

تَشْرَبُوا: بنوشید

■ مَا غَسَلَ: نشست / لَا يَغْسِلُ: نمی‌شوید / سَوْفَ يَغْسِلُ: خواهد شست / اِغْسِلْ: بشوی / لَا تُغْسِلْ:

نشوی

همانگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱. عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نَوْرُ الْقَلْبِ.^۱ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

باید خدا را یاد کنی؛ زیرا او روشنائی دل است. (ذکر خدا بر تو لازم است که قطعاً او نور قلب است).

۲. جَلِيسُ السَّوْءِ شَيْطَانٌ.^۲ الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

همنشین بد، اهریمن (شیطان) است.

۱. غرر الحکم: ۶۱۰۳

۲. نشر الآل، جلد ۱، صفحه ۶۰

۳ الدُّنْيَا مَزْرَعَةٌ الْآخِرَةُ^۱ الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گیتی، کشتزار رستاخیز است. (دنیا مزرعه آخرت است).

۴ اَلْعِلْمُ كَنْزٌ عَظِيمٌ^۲ الْإِمَامُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

دانش، گنجی بزرگ است. (علم گنجی عظیم است).

۵ اَلْتَّوَمُّ أَخُو الْمَوْتِ^۳ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خواب، برادر مرگ است.

ارزش‌یابی

روش نمایشی، شیوه‌ای مناسب برای آموزش ساختار این درس است. چند وسیله یا چند تصویر در کلاس نمایش داده می‌شود و راجع به هر کدام ترکیبی گفته می‌شود، تا دانش‌آموز ترجمه کند؛ مسلماً استفاده از امکانات رایانه و تخته هوشمند این کار را فوق‌العاده جذاب می‌سازد؛ مثال:

حقیقه صغیره، قلم طویل، فلاحون مجتهدون، طالبات محجبات و ...

الْقُرْآنِيَّات

مَا الْفَرْقُ بَيْنَ السُّورِ الْمَكِّيَّةِ وَالسُّورِ الْمَدَنِيَّةِ؟

السُّورُ الْمَكِّيَّةُ نَزَلَتْ قَبْلَ الْهِجْرَةِ إِلَى الْمَدِينَةِ، وَ أَغْلَبَهَا يَدْوَرُ عَلَى بَيَانِ الْعَقِيدَةِ.

سوره‌های مکی، پیش از هجرت به مدینه نازل شده‌اند (نازل شدند) و بیشتر آنها پیرامون بیان عقیده می‌چرخد. (حول بیان عقیده می‌چرخد).

أَمَّا السُّورُ الْمَدَنِيَّةُ نَزَلَتْ بَعْدَ الْهِجْرَةِ، وَيَكْثُرُ فِيهَا بَيَانُ الْأَحْكَامِ مِنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ.

ولی سوره‌های مدنی پس از هجرت نازل شده‌اند (نازل شدند) و بیان احکام حلال و حرام در آن بسیار است.

۱. عوالی اللآلی: ۶۶/۲۶۷/۱

۲. غررالحکم و درر الکلم، جلد ۱، صفحه ۴۹

۳. کنز العمال: ۳۹۳۲۱

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «شیطان» معادل «اهریمن» در فارسی است. در انگلیسی Satan با تلفظ سِیْتِن گفته می‌شود که به نظر می‌رسد از عربی، عبری، سریانی یا ... وارد انگلیسی شده باشد.
 - ۲ «آلة» به معنای «دستگاه» است که در فارسی به صورت «آلت» نوشته می‌شود.
 - ۳ «أداة» به معنای «ابزار» است که در فارسی به شکل جمعی «ادوات» کاربرد دارد.
 - ۴ «أَضَاعَ» به معنای «گم کرد، تباہ کرد، ضایع کرد» و مترادف «ضَيَّع» است.
 - ۵ «أَنْقَذَ» به معنای «نجات داد» و مترادف با «نَجَّى» است.
 - ۶ «بِضَاعَة» به معنای «کالا» است که در فارسی کاربرد دیگری دارد؛ مثال: بضاعت مالی: توانایی مالی، بی‌بضاعت: ندار
 - ۷ «عَرَبَة» به معنای «گاری، چرخ، چهارچرخه» است که از واژه فارسی «ارابه» گرفته شده است؛ به صورت «عَرَبِيَّة» در سوریه و عربستان سعودی و «عَرَبَانَة» در عراق به معنای گاری به کار می‌رود.
 - ۸ «گَهْرَبَاء» در اصل واژه‌ای فارسی و از ریشه «کاهَرُبَا» است. کاهَرُبَا همان الکتریسیته است که به عنوان مثال، هنگام شانه کردن موی سر با شانه چوبی ایجاد می‌شده است و کاه را به خود جذب می‌کرده است و آن را کاهَرُبَا نامیده‌اند زیرا کاه را می‌ربوده است. همچون آهنربا که آهن را می‌رباید. سپس کاهَرُبَا تبدیل به گَهْرُبَا و سپس گَهْرَبَاء شده است.
 - ۹ «کیمیاء» به معنای «شیمی» برگرفته از «کیمیا» در فارسی است. دانشمند ایرانی، محمد بن زکریای رازی در جست‌وجوی ماده‌ای بود که به پندار پیشینیان می‌توانست مس را تبدیل به طلا کند. او آزمایش‌های بسیاری انجام داد و چنین چیزی نیافت، اما مجموعه کارهای او باعث شد که دانش شیمی از نام کیمیای او ریشه بگیرد.^۱
 - ۱۰ «نَفَقَة» به معنای «هزینه» است. «نَفَقَة» از «نَفَق» به معنای «تونل» است و کلمات منافق و نفاق نیز از آن مشتق شده‌اند. نفاق مصدر است به معنای منافق بودن، منافق کسی است که در باطن کافر و در ظاهر مسلمان است.
- ﴿يَقُولُونَ بِأَفْوَهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ﴾ (آل عمران: ۱۶۷)
- طبرسی در وجه این تسمیه می‌گوید: منافق به‌سوی مؤمن با ایمان خارج می‌شود و به‌سوی کافر با کفر.

۱. Chemistry در انگلیسی، chimie در فرانسه، química در اسپانیایی، chimica در ایتالیایی، chemia در لهستانی،χημεία در یونانی که همان کیمیا تلفظ می‌شود و در همه زبان‌های جهان همگی برگرفته از نام کیمیاست.

و ادامه می‌دهد که عَلَتْ این تسمیه آن است که منافق از ایمان به طرف کفر خارج شده است.

نَقَّی نَقْبِی است در زیر زمین که در دیگری برای خروج دارد و در این آیه:

﴿فَإِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغَى نَقْفًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ...﴾ (انعام: ۳۵)

مراد همان نقب است؛ یعنی اگر بتوانی نقبی در زمین یا نردبانی بر آسمان بجویی...

ضمناً «یربوع» موش صحرایی است که دو لانه می‌سازد؛ یکی به نام نافِقاء که آن را پنهان

می‌دارد دیگری به نام قاصِعاء که آشکار است؛ چون دشمن در قاصِعاء به آن حمله کند وارد

نافِقاء شده و از آن خارج می‌شود؛ این مطلب در صحاح و قاموس و أَقْرَبُ الْمَوَارِدِ نقل شده

است، طَبْرِسی (طَبْرِسی) در عَلَتْ تسمیه نافِقاء فرموده که: یربوع از آن خارج می‌شود.

نَفَقَه آذوقه‌ای بوده است که در نَقْبِی در جایی مانند کوه می‌گذاشتند، تا دست دیگری بدان

نرسد و هزینه را در عربی نفقه نامیده‌اند که از این ریشه است.

۱۱ «وَصَّعَ» به معنای «گذاشت، قرار داد» است. در گویش عامیانه به جای آن گفته می‌شود:

«خَلَّى» یا «حَطَّ»؛ مثل: «صَعَهُ هُنَا.»

در عربستان سعودی: «خَلَّى هینا.»

در مصر: «حُطُّهُ هینا.»

در عراق: «خَلَّى إهنا.»

الدَّرْسُ الثَّامِنُ

اهداف درس

- ۱ ذکر معنای ۱۳ کلمهٔ جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمهٔ متن درس
- ۳ درک پیام درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت، استشهاد به حکمت‌های درس
- ۵ شناخت و ترجمهٔ معادل فعل ماضی استمراری در جمله با توجّه به قرائن
- ۶ در سفرهای زیارتی به خانهٔ خدا و مدینهٔ منوره و عتبات مقدّسه در حدّ نیاز استفاده از توانایی‌های زبانی در گفت‌وگو به زبان فصیح عربی^۲

فرایند آموزش

متن درس گفت‌وگویی بین زائری ایرانی و یک رانندهٔ تاکسی در شهر مکهٔ مکرمه است. در این متن، هشت کلمهٔ پرسشی هَلْ، أَ، أَيْنَ، مِنْ أَيْنَ، مَاذَا، لِمَاذَا، کَمْ و ما به کار رفته است. گفت‌وگوی متنوعی تنظیم شده که در آن شیوهٔ درست مکالمه آموزش داده شده است. هرچند هدف اصلی کتاب درسی مکالمه نیست، ولی تمرین مناسبی برای یادگیری زبان عربی است و کلاس را فعّال و پرتحرک می‌سازد. همچنین اطلاعات خوبی در اختیار دانش‌آموز قرار می‌دهد. بسیاری از کسانی که به مکه مشرف شده‌اند از موزهٔ مکه آگاهی ندارند، درحالی‌که در آنها آثار تاریخی حرمین شریفین نگهداری می‌شود؛ مانند ستون چوبی کعبه، آثار چاه قدیمی زمزم، عکس‌های قدیمی حرمین شریفین و بقیع شریف و

پس از پایان متن درس، به روال دروس پیشین درک مطلب طرّاحی شده است که باید درستی یا نادرستی هر عبارت با توجّه به متن درس طرّاحی شود.

۱. پیام درس یادآور این آیهٔ شریفه است: ﴿سَيُرَوْنَ فِي الْأَرْضِ...﴾ (آل عمران: ۱۳۷) زائران ایرانی به زبان عربی آشنا هستند و این توانمندی آنها را نشان می‌دهد. رانندهٔ تاکسی در تعیین قیمت کرایه دچار خطا می‌شود، ولی آنان هوشیارند و تذکر می‌دهند. به موزه می‌روند، جایی بسیار دیدنی و مقدّس که بسیاری از زائران از آن غافل‌اند و معمولاً کاروان‌های زیارتی به آنجا نمی‌روند. این خود گونه‌ای آموزش صحیح است.

۲. سؤال و جواب در حدّ گفت‌وگوی موجود در تمرینات است.

حوارُ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأُجْرَةِ

گفت‌وگویی میان زائر و راننده تاکسی

- السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. – عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟
 – سلام بر شما (درود بر شما). – درود و رحمت و برکات خدا بر شما باد. کجا می‌روید؟
- تَذْهَبُ إِلَى مُنْحَفِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ. – أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. تَفَضَّلُوا. ارْكَبُوا.
 – به موزه مکه مکرمه می‌رویم. – خوش آمدید. بفرمایید. سوار شوید.
- كَمْ رِيالًا تَأْخُذُ مِنَّا؟ – أَرْبَعِينَ رِيالًا.
 – چند ریال از ما می‌گیری؟ – چهل ریال.
- الْأُجْرَةُ غَالِيَةٌ. نَحْنُ ثَلَاثَةُ أَشْخَاصٍ. – عَفْوًا؛ ثَلَاثُونَ رِيالًا. لِكُلِّ زَائِرٍ عَشْرَةُ رِيالَاتٍ.
 – کرایه گران است. ما سه نفریم. – ببخشید؛ سی ریال. برای هر زائری ده ریال.
- هَلْ تَقْبَلُ النُّقُودَ الْإِيرَانِيَّةَ؟ – نَعَمْ. لَا بَأْسَ. يَا شَبَابُ، هَلْ أَنْتُمْ إِيرَانِيُونَ؟
 – آیا پول ایرانی می‌پذیرید؟ – بله؛ اشکالی ندارد. ای جوان‌ها، آیا شما ایرانی هستید؟
- نَعَمْ وَ مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ – أَنَا بِاِكِسْتَانِيٍّ وَ أَشْتَغِلُ هُنَا. فِي وَطَنِي كُنْتُ أَشْتَغِلُ فِي الْمَرْعَةِ.
 – بله و شما اهل کجایی؟ – من پاکستانی‌ام و اینجا کار می‌کنم. در میهنم در مزرعه کار می‌کردم.
- أَرَأَيْتَ الْمُتَحَفَ حَتَّى الْآنَ؟ – لَا؛ مَا رَأَيْتُهُ. مَا كَانَتْ عِنْدِي فُرْصَةٌ.
 – آیا تا حالا موزه را دیده‌ای؟ – نه؛ ندیده‌ام. فرصتی نداشته‌ام.
- با توجّه به قید زمان «تا حالا» فعل «رَأَيْتَ» در ترجمه فارسی «دیده‌ای» ترجمه می‌شود. در زبان عربی مانند فارسی و انگلیسی فرمول خاصی برای ماضی نقلی وجود ندارد؛ مثلاً كَتَبَ، قَدْ كَتَبَ، هُوَ كَاتِبٌ، كَتَبَ حَتَّى الْآنَ را «نوشته است» ترجمه می‌کنیم.
- لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى هُنَاكَ؟! – لِأَنِّي أَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الْمَسَاءِ.
 – چرا به آنجا رفته‌ای؟ – زیرا من از صبح تا شب کار می‌کنم.

۱. در زبان عربی فصیح چهار حرف گ، چ، پ، ژ و حرف (v) وجود ندارد؛ لذا اسم‌هایی مانند پاکستان و پروین را باکستان و بروین تلفظ

می‌کنند و می‌نویسند. حرف «پ» گاهی به «ف» نیز تبدیل شده است؛ مثال:

پیروز: قَبْرُوز / پیل: فیل / پارس: فُرس / تَبُورستان: طبرستان / آتُورپاتگان: آذربایجان / پهلوی: قَهْلَوی / قِلَی (نام کردهای ایلام و شرق عراق) / پسته: فُسْتَق

— عَفَواً كَمْ السَّاعَةُ؟ — العَاشِرَةُ تَمَاماً.

— ببخشید. ساعت چند است؟ — ده تمام.

— تَعَالَ مَعَنَا. ثُمَّ نَرْجِعْ مَعاً.

همراه ما بیا. سپس باهم برمی گردیم.

— هَلْ تَقْبَلُ؟ — لَا؛ لَا أَقْدِرُ. شُكْراً جَزِیلاً.

— آیا می پذیرید؟ (قبول می کنی؟) — نه؛ نمی توانم. بسیار سپاسگزارم.

جَوَارِ بَيْنَ الزَّائِرِ وَ دَلِيلِ الْمُتَحَفِّ

گفت وگویی میان زائر و راهنمای موزه

— ماذا في هَذَا الْمُتَحَفِّ؟ — الْأَنْثَارُ التَّارِيخِيَّةُ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ.

— در این موزه چه چیزی هست؟ — آثار تاریخی حرمین شریفین. (دو حرم شریف)

— مَا ذَلِكَ الْعَمُودُ؟ — الْعَمُودُ الْخَشَبِيُّ لِلْكَعْبَةِ.

— آن ستون چیست؟ — ستون چوبی کعبه.

— وَ مَا هَذِهِ الْأَثَارُ؟ — بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ؛

— و این آثار چیست؟ — درِ منبرِ قدیمیِ مسجدِ نبوی؛

توجه: در ترکیب‌هایی مانند «بَابُ الْمِنْبَرِ الْقَدِيمِ لِلْمَسْجِدِ النَّبَوِيِّ» نیازی به ترجمه حرف جرّ نیست؛ مثال‌های مشابه عبارت‌اند از:

الرَّسَالَةُ الْمُهَمَّةُ لِلرَّئِيسِ: نامه مهم رئیس

الْجُمْهُورِيَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ فِي إِيرَانَ: جمهوری اسلامی ایران

آثَارُ بَنِي زَمَرْمَ؛ صُورُ الْحَرَمَيْنِ وَ مَقْبَرَةُ الْبَقِيعِ؛ وَ آثَارُ جَمِيلَةٍ أُخْرَى.

آثار چاه زمزم؛ عکس‌های دو حرم و مقبره (قبرستان) بقیع؛ و آثار زیبای دیگری.

— أَشْكُرُكَ عَلَى تَوْضِيحَاتِكَ الْمُفِيدَةِ. — لَا شُكْرَ عَلَى الْوَاجِبِ.

— به خاطر توضیحات سودمندتان (مفید شما) سپاسگزارم. — وظیفه بود، تشکر لازم نیست.

درک مطلب

۱. الزَّوَّارُ يَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُنَوَّرَةِ. غلط
۲. الزَّوَّارُ الْإِيرَانِيُّونَ رَكِبُوا حَافِلَةَ الْفُنْدُقِ. غلط
۳. الْأَسَائِقُ يَشْتَغِلُ مِنَ الصَّبَاحِ حَتَّى الظُّهْرِ. غلط
۴. أَخَذَ سَائِقُ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ ثَلَاثِينَ رِيَالًا مِنَ الزَّوَّارِ. صحیح
۵. فِي الْمُتَحَفِ آثَارٌ تَارِيخِيَّةٌ لِلْحَرَمَيْنِ الشَّرِيفَيْنِ. صحیح

فعل‌هایی مانند شَكَرَ و سَأَلَ و عَبَّرَ در ترجمه فارسی همراه با حرف اضافه می‌آیند؛ مثال:

شَكَرَهُ: از او تشکر کرد / سَأَلَهُ: از او پرسید / عَبَّرَهُ: از آن عبور کرد

برخی اشتباهاً در ترجمه این فعل‌ها حرف جرّ «مِنْ» می‌آورند که نادرست و تحت تأثیر فارسی است؛ مثال: (شَكَرَ مِنْهُ، سَأَلَ مِنْهُ و عَبَّرَ مِنْهُ) هر سه غلط هستند.

آموزش تصویری قواعد درس

قواعد درس هشتم دربارهٔ معادل ماضی استمراری در زبان عربی است. تذکر مهم این است که در زبان عربی چنین اصطلاحی وجود ندارد؛ اصطلاح ماضی استمراری در فارسی معادل Past continuous در انگلیسی است و در عربی به‌کار نمی‌رود و برای فهم بهتر زبان عربی به‌عنوان معادل‌سازی توضیح داده می‌شود. حتی اصطلاح ماضی بسیط نیز وجود ندارد. در زبان عربی فعل سه نوع است: ماضی، مضارع و امر. فعل نهی فعل مضارع مجزوم است، فعل مستقبل نیز همان مضارع است که با افزودن یکی از دو حرف سَ یا سوف بر آینده دلالت می‌کند.

ماضی استمراری: نشان‌دهندهٔ کاری است که در گذشته چند بار تکرار شده است؛ مثال: می‌نوشت، می‌گفت.

ترجمهٔ فعل «ماضی ملموس یا در جریان» مانند «داشت می‌رفت» با فعل «می‌رفت» یکی است.

كَانَ يَذْهَبُ: داشت می‌رفت، می‌رفت

توجه کنیم که از چنین تعریبی بهتر است خودداری کنیم: عَلِيٌّ كَانَ يَذْهَبُ. بهتر است بگوییم كَانَ عَلِيٌّ يَذْهَبُ.

در ارزش‌یابی بهتر است از طرح سؤالی که حرف الف در فعل كَانَ حذف می‌شود؛ مانند: «كُنَّ يَسْمَعْنَ» حتی‌الامکان سؤال طرح نشود؛ زیرا در هیچ یک از سه کتاب درسی هفتم، هشتم و نهم فعل معتل، مضاعف یا مهموز آموزش داده نشده است.

فَنِّ تَرْجَمَه

آنچه را دانش آموز در بخش «کلیدواژه تصویری» آموخته است، در بخش «فَنِّ تَرْجَمَه» به صورت کوتاه، مختصر و مفید می خواند. یادگیری این بحث همانند سایر مباحث کتاب تنها با تکرار و تمرین حاصل می شود.

ترجمه عبارت های بخش قواعد

الطُّلُبُ كَانُوا يَدْرُسُونَ بِدِقَّةٍ؛ دانش آموزان به دقّت درس می خواندند.
 الْبَنَاتُ كَانَتْ تَكْتُبْنَ وَاجِبَاتِهِنَّ؛ دخترها (دو دختر) تکالیفشان را می نوشتند.
 ﴿كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾؛ (الأنعام: ۱۲۷) انجام می دادند.
 ﴿كَانَ يَأْكُلُ الطَّعَامَ﴾؛ (المائدة: ۷۵) خوراک می خوردند.
 ﴿... وَ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ﴾؛ (المائدة: ۶۱) و خدا به آنچه پنهان می کردند دانایتر است.
 ﴿... كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ...﴾؛ (البقرة: ۷۵) گروهی از آنها سخن خدا را می شنیدند.
 كَانَ طُلَابُ الْجَامِعَةِ يَدْرُسُونَ فِي الْمَكْتَبَةِ؛ دانشجویان دانشگاه در کتابخانه درس می خواندند.

تَمَرِينْ هَا

تمرین اول: هدف این تمرین، تقویت توانایی درک مطلب است. از فراگیر می خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. حلّ همه تمرینات بر عهده دانش آموز است و معلّم فقط نظارت می کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش آموز باید با توجّه به متن درس درستی یا نادرستی عبارت ها را معلوم کند.
 طَرَا حَىٰ اَيْنَ تَمَرِينِ عَمْدًا سَادَةً صَوْرَتِ گِرَفْتَه اَسْت، شَايِسْتَه اَسْت دَر اَمْتَحَانِ نِيْز اَيْنَ تَسْهِيْلِ صَوْرَتِ بَغِيْرِد.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت روان خوانی و ترجمه است. تصویر علاوه بر تلطیف کتاب یاری رسان دانش آموز در ترجمه عبارت هاست. هدف اصلی این تمرین، ترجمه معادل فعل ماضی استمراری در زبان عربی است.

باید بدانیم که همیشه معادل ماضی استمراری در عربی این گونه نیست؛ مثال:
 رَأَيْتُ رَجُلًا يَرْكُضُ. یعنی: مردی را دیدم که می دوید.

تمرین سوم: هدف واژه شناسی است. هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می شود، خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛ برای اینکه دانش آموز

بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. این تمرین در امتحانات نیز بسیار مناسب است.

تمرین چهارم: هدف، تقویت قدرت ترجمه افعال ماضی، مضارع و معادل ماضی استمراری در فارسی است. این تمرین، برای تقویت شناخت و ترجمه فعل طراحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمه فعل در داخل جمله خواسته شود. به منظور تسهیل تمرین، یک نمونه برای فراگیر حل شده است.

تمرین پنجم: این تمرین در اصطلاح «جور کردنی» نامیده می‌شود. در تقویت زبانی دانش‌آموز مؤثر است. از نظر یادگیری در سطح بالایی قرار دارد. دانش‌آموز باید بتواند معنای همه کلمات و عبارات را بفهمد، تا بتواند ارتباط آنها را با همدیگر دریابد. طرح چنین سؤالی در امتحان برای معلم دشوار است، ولی در امتحان برای دانش‌آموز در امتحان لذت‌بخش و ساده است. این سؤال موجب می‌شود، تا فرایند یادگیری در ارزش‌یابی نیز ادامه یابد.

تمرین ششم: این تمرین علاوه بر زیباسازی محیط کتاب درسی و اهداف ثانویه برای آموزش غیرمستقیم مفهوم ترکیب اضافی و وصفی طراحی شده است. معلم می‌تواند در اینجا از دانش‌آموز بخواهد تا نوع ترکیب را در شش مثال این تمرین، تشخیص دهند، اما تشخیص نوع ترکیب از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تأثیر چندانی در فهم متن ندارد. لازم است معلم راجع به تصاویر اطلاعاتی داشته باشد، تا اگر دانش‌آموز پرسید بتواند پاسخ دهد.^۱

۱. پل گاومیشان یک پل باستانی روزگار ساسانیان است که در فاصله ۳۰ کیلومتری پل‌دختر در مرز بین دو استان لرستان و ایلام و نزدیک دره شهر بر روی رودخانه سیمره واقع شده است. بیشتر سازه این پل در استان لرستان قرار داد، اما این اثر به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران در محدوده استان ایلام، به ثبت رسیده است. طول پل حدود ۱۷۵ متر و عرض گذر سطح پل نزدیک به ۸ متر و ۲۰۰ سانتی‌متر است و در حال حاضر شش چشمه طاق دارد. دهانه پل گاومیشان با بیش از ۵۰ متر عرض، بزرگ‌ترین دهانه پل ایران است. یکی از این دهانه‌ها بعد از عقب‌نشینی سپاه ایران در جریان حمله اعراب به ایران ویران شد. پل تاریخی گاومیشان یکی از شگفت‌انگیزترین پل‌های تاریخی کشور است.

به نظر می‌رسد نام گاومیشان جمع گاومیش باشد، ولی به احتمال قوی از نام گاماسیاب برگرفته شده است که آن هم نام رودی در غرب ایران است. (گا: گاو+ ماسی: ماهی+آب) رودی که ماهیانی به بزرگی گاو دارد؛ یعنی دارای ماهی‌های بزرگ.

سازه‌های آبی تاریخی شوشتر مجموعه‌ای به هم پیوسته از پل‌ها، بندها، آسیاب‌ها، آبشارها، کانال‌ها و تونل‌های بزرگ هدایت آب هستند که در ارتباط با یکدیگر کار می‌کنند و در دوران هخامنشیان تا ساسانیان، جهت بهره‌گیری بیشتر از آب ساخته شده‌اند. این سازه‌ها با عنوان نظام آبی تاریخی شوشتر در فهرست میراث جهانی یونسکو با شماره ۱۳۱۵ به ثبت رسید.

سراب یا چشمه بیستون (تختستان کهن) به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است. گردشگاهی پرطرفدار در غرب ایران است که چون کتیبه بیستون نیز همان‌جاست؛ لذا گردشگر بسیار دارد.

بایزید بسطامی ملقب به سلطان‌العارفین بزرگ‌ترین عارف سده سوم هجری، از بزرگان اهل تصوف و اهل سنت بود. آرامگاه او از جاهای دیدنی شاهرود در استان سمنان است و در پنج کیلومتری شاهرود، در مرکز شهر بسطام قرار دارد.

آرسباران یا قره‌داغ ناحیه کوهستانی پهناوری در شمال استان آذربایجان شرقی و بخشی از شهرستان‌های آهر، گلیتر و ورزقان است در سال ۱۹۷۶، یونسکو بخش بزرگی از آن را به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره ثبت کرد.

بازار گنجعلی‌خان کرمان سبک معماری زیبایی را از روزگار صفوی به جا نهاده است. در سمت راست این بازار حمام تاریخی و زیبایی گنجعلی‌خان و هجده مغازه دارد و در سمت چپ آن طاق‌نماها منظره زیبایی را نشان می‌دهند.

تمرین هفتم: حلّ جدول مورد علاقه بزرگ و کوچک است؛ رمز جدول «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ» از پیامبر اسلام ﷺ است. ترجمه حدیث این است: سرور قوم در سفر خدمتگزار آنان است. معمولاً «فِي السَّفَرِ» در این حدیث ذکر نمی‌شود.

کنز الحکمة: احادیث برگزیده دقیقاً مطابق با واژگان و ساختار خوانده شده است. دانش‌آموز با ترجمه احادیث احساس شادی و اعتماد می‌کند. او به تدریج حس می‌کند با خواندن درس عربی می‌تواند با قرآن و متون دینی انس بیشتری بگیرد.

این بخش از درس، به او می‌فهماند که یکی از اهداف اصلی آموزش عربی آشنایی با سخنان گهربار بزرگان دین است.

همانگی در حلّ تمرینات

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ: درستی یا نادرستی هر جمله را بر اساس واقعیت بنویسید.

- ۱ دَلِيلُ الْمُتَحَفِّ يَشْتَغِلُ فِي مَصْنَعِ الْأَبْوَابِ وَ التَّوَافِذِ. غلط
- ۲ الْبَيْتُ حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ فِي الْأَرْضِ فِيهَا مَاءٌ أَوْ غَيْرُهُ. صحیح
- ۳ فِي الْمُتَحَفِّ آثَارُ تَارِيخِيَّةٍ لِلْبَيْعِ وَ الشَّرَاءِ. غلط
- ۴ الْبَطَارِيَّةُ مَخْزَنُ الْكَهْرَبَاءِ فِي السَّيَّارَةِ. صحیح
- ۵ بَيْتُ اللَّهِ فِي مَكَّةَ الْمُكْرَمَةِ. صحیح

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: بخوانید و ترجمه کنید.

- كَانَ الْعَمَالُ يَصْنَعُونَ بَيْتاً وَ هُمْ الْآنَ واقِفُونَ.
- کارگران خانه‌ای می‌ساختند و آنها اکنون ایستاده‌اند.
- كَانَ أَخِي الصَّغِيرُ يَكْتُبُ وَاجِبَاتِهِ؛ فَأَخَذَهُ النَّوْمُ.
- برادر کوچکم تکالیفش را می‌نوشت، سپس خوابش گرفت.

الْتَّمَرِينُ الثَّالِثُ: در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

- ۱ أَيْنَ «يَشْتَغِلُ» أَخُوكَ الْأَكْبَرُ؟ – هُوَ يَعْمَلُ فِي مُنْظَمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ.
- برادر بزرگت کجا کار می‌کند؟ – او در سازمان ملل متحد کار می‌کند.

۲ الدَّرْهَمُ وَ الدِّينَارُ وَ الرِّيَالُ وَ اللِّيْرَةُ أَسْمَاءُ «نُقُودٍ».

درهم، دینار، ریال و لیره نام‌های پول هستند.

۳ حُجَّاجُ الْقَافِلَةِ بِحَاجَةٍ إِلَى «ذَلِيلِ» السَّفَرِ.

حاجی‌های کاروان به راهنمای سفر نیازمندند.

۴ اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنَ «الْبُئْرِ» لِلزَّرْعَةِ.

کشاورزان از چاه، برای کشاورزی آب در می‌آوردند.

۵ كَانَ التَّلَامِيذُ «يَرْكَبُونَ» حَافِلَةَ الْمَدْرَسَةِ.

دانش‌آموزان سوار اتوبوس مدرسه می‌شدند.

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: جدول زیر را کامل کنید.

پاسخ‌ها: نجات می‌دهد / نجات می‌داد / کار می‌کنند / کار می‌کردند / تلاش می‌کنند / تلاش می‌کردند / حاضر می‌شوند / حاضر می‌شدند / کمک می‌کنند / کمک می‌کردند

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است».

۱ الْكَهْرَبَاءُ: طَاقَةٌ تَشْتَغِلُ بِهَا الْأَلَاتُ وَ الْأَدَوَاتُ الصَّنَاعِيَّةُ.

۲ الْمَطَرُ: قَطْرَاتُ الْمَاءِ الَّتِي تَنْزِلُ مِنَ السَّحَابِ.

۳ الْعَرَبَةُ: كَزِينُهُ اضافه

۴ الرَّئِيسُ: كَزِينُهُ اضافه

۵ الْعَدُوُّ: هُوَ الَّذِي لَا يَطْلُبُ لَكَ الْخَيْرَ بَلْ يَطْلُبُ الشَّرَّ.

۶ الْفَلَّاحُ: مَنْ يَعْمَلُ فِي زِرَاعَةِ الْأَرْضِ.

۷ النَّارُ: نَتِيجَةُ احْتِرَاقِ الْخَشَبِ وَ غَيْرِهِ.

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید.

جِسْرُ جاؤمیشان / سوقِ کرمان / شَلَالَتُ شوستر / عَيْنُ بیستون / غَابَةُ اَرَسباران / مَرَقْدُ بایزید

التَّمَرُّنُ السَّابِعُ: با استفاده از کلمات زیر، جدول را حل کنید و رمز آن را به دست بیاورید.

۱ مُسْلِمٌ	۸ أَتَمَنَنْتُ	۱۵ مِلَفَاتٌ
۲ كِيمَاوِيٌّ	۹ اسْتَخْرَجَ	۱۶ تَلْمِذَاتٌ
۳ اَدَوَاتٌ	۱۰ لَا بَأْسَ	۱۷ ثَلَاثُونَ
۴ تَعَالَ	۱۱ اَعْدَاءُ	۱۸ يَا لَيْتَ
۵ مُجَالَسَاتٌ	۱۲ مُنْظَمَاتٌ	۱۹ دِرَاسِيٌّ
۶ نُقُودٌ	۱۳ اَزْهَارٌ	۲۰ تَقْضُلٌ
۷ مُحَاوَلَاتٌ	۱۴ مَمَرٌ مُشَاةٌ	۲۱ زِرَاعَةٌ

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة از رسول خدا ﷺ»

۱ أَحَبُّ الطَّعَامِ إِلَى اللَّهِ مَا كَثُرَتْ عَلَيْهِ الْيَدَى.

محبوب‌ترین خوراک نزد خدا آن است که دست‌ها بر آن زیاد باشند. (افراد زیادی بر سر سفره غذا نشسته باشند).

۲ أَحَبُّ بُيُوتِكُمْ إِلَى اللَّهِ بَيْتٌ فِيهِ يَتِيمٌ مُكْرَمٌ.

محبوب‌ترین خانه‌هایتان نزد خدا خانه‌ای است که در آن یتیمی گرامی داشته شود. (یتیمی گرامی داشته شده در آن باشد).

۳ أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى اللَّهِ أَنْفَعُهُمْ لِعِبَادِهِ.

محبوب‌ترین بندگان خدا نزد خدا سودمندترین‌شان نسبت به بندگان‌شان است. (این حدیث شبیه حدیث «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» است).

۴ أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ حِفْظُ اللِّسَانِ.

محبوب‌ترین کارها (اعمال) نزد خداوند نگه داشتن (حفظ) زبان است.

۱. بحار الأنوار الجامعة لِذَرِّ أَخْبَارِ الْأَثَمَةِ الْأَطْهَارِ (ج ۵۹، صفحه ۲۹۰)

۲. نهج الفصاحة: حدیث ۸۸

۳. بحار الأنوار الجامعة لِذَرِّ أَخْبَارِ الْأَثَمَةِ الْأَطْهَارِ (ج ۷۴، صفحه ۱۵۲)

۴. کنز العمال، جلد ۳، صفحه ۵۵۱، حکمت ۷۸۵۱

ارزش‌یابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «اِشْتَغَلَ» یعنی «کار کرد»، «مشغول شد».
- ۲ «بِئَر» به معنای «چاه» و جمع مکسر آن «آبار» است. اما طبق قاعده جمع «بِئَر» باید «آبَار» شود. در گویش عامیانه «بیر» و جمعش «آبیار» گفته می‌شود؛ مانند: «مسجد آبیار علی» در مدینه منوره^۱؛ کلمه بئر مؤنث معنوی است.^۲
- ۳ «تَعَالَ» فعل امر به معنای «بیا» است. افعال «أَتَى، يَأْتِي» و «جَاءَ، يَجِيءُ» به معنای «آمد، می‌آید» هستند، ولی فعل امر از آنها پرکاربرد نیست.^۳
- ۴ «ثَلَاثُونَ» یا «ثَلَاثِينَ» در گویش عامیانه به صورت «ثَلَاثِينْ» به کار می‌رود؛ در گویش شامی و برخی گویش‌های دیگر «ثَلَاثِينْ» گفته می‌شود؛ تَلْفُظ «ث» در برخی گویش‌ها به «ت» تبدیل می‌شود.
- ۵ «ریال» کلمه‌ای به زبان اسپانیایی و پرتغالی (real) است که وارد فارسی و عربی شده است. ریال به معنای «شاهی» است، نام سکه نقره رایج در آن دو کشور و سرزمین‌های وابسته به آنها بود. ریال از زمان حضور اسپانیاییان و پرتغالیان در خلیج فارس وارد دو زبان فارسی و عربی شده است. ریال از واژه لاتینی «رِگالیس» (regalis) به معنای «شاهنشاهی» می‌آید که صفتی از اسم «رکس» (rex) به معنای «شاه» است. واژه انگلیسی «رویال» (royal) هم‌ریشه با «real» اسپانیایی و پرتغالی است. سکه نقره با نام ریال در اسپانیا از سال ۱۴۹۷ تا ۱۸۷۰ میلادی ضرب می‌شد. ریال همچنین واحد پول بسیاری از مستعمره‌های اسپانیا بود؛ به‌عنوان مثال، واحد پول برزیل، «رنال» نام دارد.

۱. يقع مسجد ذی الحلیفة (آبیار علی) علی الجانب الغربی من وادی العقیق المبارک فی المنطقة المعروفة باسم "آبیار علی" و یطلق علیه البعض مسمًی مسجد آبیار علی أو آبار علی. و یبعد عن المسجد النبوی قرابة أربعة عشر کیلومترا.

۲. بئر: (اسم) الجمع: أَبُورٌ و أَبَارٌ و آبار و بئار، وَ قَدْ تَقَدَّمتِ الهمزة عَلَى الباءِ (أَبَار) فَأَصْبَحَتْ آبار. البئر: حفرة عميقة، یُسْتَخْرَجُ مِنْهَا المَاءُ أو الثَّلْجُ وَ غَیرهما.

۳. تَعَالَ: (فعل) اسم فعل أمر للمذکر یَمَعْنِ أَقْبِلْ، هَلُمَّ، وَ تَتَّصِلُ بِهِ الضَّمائرُ فَبَقِیَ عَلَى فَتْحِهِ؛ تَعَالَیَ لِلْمؤنثِ وَ تَعَالَیَا لِلْمثنیَّ وَ تَعَالَوَا لِلجمع المذکر وَ تَعَالَینَ لِلجمع المؤنث، وَ ربَّمَا تَضَمُّ اللام مع جمع المذکر وَ تکسر مع المؤنث (تَعَالَوَا وَ تَعَالَینَ) تَعَالَیَ فی أیِّ وَقتٍ یُجِیبُکَ: أَحْضُرْ

- ۶ «سَيَّارَة» به معنای «خودرو» است. در گویش عامیانه سوریه به «خودرو»، «عَرَبِيَّة» نیز گفته می‌شود که برگرفته از «ارابه» و ریشه فارسی دارد.^۱
- ۷ «لا بَأْسَ» اصطلاحی معادل «اشکالی ندارد.» است. در گویش سعودی «مافی مُشْكِلَة» گفته می‌شود که در اصل «مافیهِ مُشْكِلَة» بوده است و در گویش عراقی «مَيْخَالِفُ» (ما يُخَالِفُ) گفته می‌شود.
- خود کلمه «بَأْسَ» به معنای «نیرو، شجاعت، شکنجه و...» است.^۲
- ۸ «مُتَحَف» که در تداول گاهی «مُتَحَف» گفته می‌شود، نیز به معنای موزه است.^۳
- ۹ «نُقُود» جمع «نَقْد» و به معنای «پول» یا «پول‌ها» است.
- در گویش عراقی و سعودی به جای آن «فُلُوس» و در گویش شامی «مَصَارِي» گفته می‌شود.^۴

۱. سَيَّارَة: (اسم) الجمع: سَيَّارات

السَّيَّارَةُ: القافلة ﴿وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ﴾ (يوسف: ۱۹)

السَّيَّارَةُ: مَرْكَبَةٌ أَلَيْتَ تَسِيرُ بِمَحْرَكٍ مُخْرِقٍ لِلْبُنْزِينَ تُسْتَخْدَمُ لِلرُّكُوبِ وَ النَّقْلِ.

سَيَّارَة أُجْرَة: تاکسی، سياره لنقل الناس مقابل أجره.

سَيَّارَة إِسعاف: سَيَّارَة مُعَدَّة طَبِيبًا لِنَقْلِ الْمَرْضَى إِلَى الْمُسْتَشْفَى.

سَيَّارَة إِصلاح: سياره تصليح في الطريق يُمكنها عند الحاجة أَنْ تَرْفَعَ عَطَلَ السَّيَّارات.

سَيَّارَة دُورِيَّة: سياره يطوف بها رجال الأمن ليلاً.

سَيَّارَة رُكَّاب: سياره تُستعمل لنقل الناس.

سَيَّارَة شُحْن: سياره تُستعمل لنقل البضائع وتسمى شاحنة.

سَيَّارَة مُصَلَّحَة: سَيَّارَة حَرَبِيَّة مَكْسُوءَة بِصَفائح من الفولاذ تكون دِرْعًا لها، وتحفظها من قذائف العدو، و سُلِّحت بِمدافع دبابَة.

۲. لَا بَأْسَ عَلَيْكَ: لَا خَوْفَ عَلَيْكَ (باکی بر تو نیست.) / لَا بَأْسَ فِيهِ: سَخْتی و دشواری در آن نیست. / لَا بَأْسَ مِنْهُ: مانعی از آن نیست. / لَا بَأْسَ

بِه: خواری و نقصانی در آن نیست؛ عیبی ندارد.

مصدرٌ مِنْ بَأْسٍ وَ بَيْسٍ، رَجُلٌ ذُو بَأْسٍ: قوئ شديد، شديد البأس: شجاع

۳. مُتَحَف: (اسم) الجمع: مُتَاحِفٌ (مُتَحَفٌ أَوْ مُتَحَفٌ)

الْمُتَحَفُ: موضع التَّحَفِ الْفَنِّيَّةِ أَوْ الْأَثَرِيَّةِ والجمع: مُتَاحِفٌ

مُتَحَفِ السَّمْعِ: موضع يضم تماثيل من شمع لشخصيات ذات شهرة عالمية

۴. الْفُلُوسُ عَمَلَة نقدية عربية مُستعملة في الأردن والإمارات والبحرين والعراق والكويت واليمن ويختلف سعرها بحسب البلد.

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۲۶ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس^۱
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به حکمت های درس
- ۵ ساعت خوانی در زبان عربی در سه حالت: ساعت کامل، مانده و گذشته

فرایند آموزش

متن درس شامل سه قسمت است که هر سه قسمت بهداشتی هستند. دانش آموز علاوه بر اینکه واژه های جدیدی می آموزد و مهارت شنیداری و خوانداری او تقویت می شود، چند مطلب علمی نیز یاد می گیرد. این امر موجب افزایش علاقه او به کتاب درسی عربی می شود.

هماهنگی در ترجمه متن درس

نُصُوصٌ حَوْلَ الصَّحَّةِ

متن هایی درباره بهداشت

أَفْضَلُ الْأَلْوَانِ: بَعْضُ النَّاسِ يَظُنُّونَ بِأَنَّ الْأَلْوَانَ لِلتَّلَوِينِ أَوْ لِلرَّسْمِ أَوْ لِلتَّزْيِينِ فَقَطْ. وَلَكِنْ هَلْ سَأَلْنَا أَنْفُسَنَا يَوْمًا: «هَلْ يُمَكِّنُ مُعَالَجَةُ الْأَمْرَاضِ بِالْأَلْوَانِ؟ مَا هُوَ تَأْثِيرُ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ؟»
بهترین رنگ ها: برخی از مردم گمان می کنند که رنگ ها فقط (تنها) برای رنگ آمیزی یا نقاشی کردن یا تزئین (زینت دادن) هستند. ولی آیا روزی از خودمان پرسیده ایم: «آیا درمان بیماری ها با رنگ ها ممکن است؟ (امکان دارد؟) تأثیر رنگ های گوناگون چیست؟

۱. پیام درس درباره مسائل بهداشتی است. اهميت چنين متونی بر هيچ کس پوشيده نيست.

يَعْتَقِدُ بَعْضُ الْعُلَمَاءِ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. إِنَّ أَحَبَّ الْأَلْوَانِ إِلَى الْعَيْنِ، الْأَلْوَانُ الطَّبِيعِيَّةُ الَّتِي نُشَاهِدُهَا حَوْلَنَا فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ هِيَ اللَّوْنُ الْأَخْضَرُ وَ اللَّوْنُ الْأَزْرَقُ السَّمَائِيُّ ثُمَّ اللَّوْنُ الْأَصْفَرُ مِثْلُ لَوْنِ بَعْضِ أَوْرَاقِ الْخَرِيفِ.

برخی دانشمندان معتقدند (عقیده دارند، اعتقاد دارند، بر این باورند) که رنگ‌ها بر ما تأثیر دارند. قطعاً محبوب‌ترین رنگ‌ها برای چشم، رنگ‌های طبیعی‌ای است که شب و روز در اطراف (پیرامون) خودمان می‌بینیم که عبارت‌اند از: رنگ سبز و رنگ آبی آسمانی، سپس رنگ زرد مانند رنگ برخی از برگ‌های پاییز.

أَمَّا النَّوْرُ الْأَحْمَرُ فَتَنْشَعُرُ بِالتَّعَبِ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَيْهِ لِأَنَّهُ يَحْرُكُ الْأَعْصَابَ. فَقَانُونُ الْمُرُورِ يَسْتَخْدِمُهُ فِي الْأَمَاكِنِ الَّتِي بِحَاجَةٍ إِلَى الْإِنْتِبَاهِ كِإِشَارَاتِ الْمُرُورِ؛ أَمَّا عُرْفُ النَّوْمِ فَأَلْفَضَلُ فِيهَا اسْتِخْدَامُ الْأَلْوَانِ الْمُهْدِئَةِ لِلْأَعْصَابِ كَاللَّوْنِ الْبَنَفْسَجِيِّ.

اما رنگ سرخ، وقتی به آن نگاه می‌کنیم احساس خستگی می‌کنیم؛ زیرا (برای اینکه) اعصاب را تحریک می‌کند. در نتیجه قانون راهنمایی و رانندگی در جاهایی (اماکنی) که نیاز به توجه دارد؛ مانند علامات‌های راهنمایی و رانندگی آن را به کار می‌گیرد؛ اما اتاق‌های خواب بهتر است که در آن رنگ‌های آرام‌بخش اعصاب مثل رنگ بنفش به کار گرفته شود.

وِیتامین «أ» (A): مِنْ فَوَائِدِ فِیتامین «أ» زِیَادَةُ وَزَنِ الْأَطْفَالِ وَ هُوَ مُفِیدٌ لِلْعَيْنِ وَ كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَهُ قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ وَ هَذَا الْفِیتامینُ مَوْجُودٌ فِي النَّبَاتَاتِ وَ الْفَوَاكِهِ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ كَالْمِشْمِشِ وَ الْجَزَرِ وَ قِشْرِ الْبُرْتَقَالِ.

ویتامین آ: از فواید (سودهای) ویتامین آ افزایش وزن کودکان است. این ویتامین برای چشم مفید (سودمند) است و خلبان‌ها در جنگ جهانی دوم پیش از آغاز حملات شبانه می‌خوردند (تناول می‌کردند) و این ویتامین در گیاهان و میوه‌های به رنگ زرد، مانند زردآلو، هویج و پوست پرتقال موجود است.

فِیتامین (C): یَوْجَدُ هَذَا الْفِیتامینُ فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ، وَلَكِنَّهُ لَا یَوْجَدُ فِي الْحَلِيبِ الْمَجْفَفِ وَ الْأَطْفَالُ الَّذِينَ يَتَنَاوَلُونَهُ وَحْدَهُ، فِي أَكْثَرِ الْأَوْقَاتِ یَحْدُثُ لَهُمْ ضَعْفٌ فِي السَّاقِينِ. وَ یُمْكِنُ تَعْوِیْضُ هَذَا النِّقْصِ فِي التَّغْذِيَةِ بِتَنَاوُلِ عَصِيرِ الْلِّیمُونِ أَوْ عَصِيرِ الْبُرْتَقَالِ.

ویتامین ث: این ویتامین در شیر تازه وجود دارد (یافت می‌شود)، ولی در شیر خشک وجود ندارد (یافت نمی‌شود) و کودکانی که تنها آن را می‌خورند بیشتر اوقات برایشان ناتوانی (ضعف) ساق‌ها پیش می‌آید و این کمبود (نقص) در تغذیه (خوراک) با خوردن آب لیمو یا آب پرتقال جبران می‌شود.

درك مطلب

۱. كَانَ الطَّيَّارُونَ فِي الْحَرْبِ الْعَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ يَتَنَاوَلُونَ فَيْتَامِينَ «A» قَبْلَ ابْتِدَاءِ الْغَارَاتِ اللَّيْلِيَّةِ. صحيح
 ۲. يُمَكِّنُ تَعْوِيضُ الضَّعْفِ فِي السَّاقَيْنِ فِي الْأَطْفَالِ بِتَنَاوُلِ الرُّزِّ. غلط
 ۳. الْأَسْوَدُ أَفْضَلُ لَوْنٍ مُهْدًى لِلْأَعصابِ فِي عَرَفِ النَّوْمِ. غلط
 ۴. لَا يَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ أَنَّ لِلْأَلْوَانِ تَأْثِيرًا عَلَيْنَا. غلط
 ۵. يَوْجَدُ فَيْتَامِينَ «C» فِي الْحَلِيبِ الطَّازِجِ. صحيح
- این تمرین موجب تقویت قوه درک و فهم متن می شود.

آموزش تصویری قواعد درس

معلم از یکی از دانش آموزان می خواهد، تا این بخش را بخواند و یافته های خود را در مورد ساعت خوانی برای دوستانش توضیح دهد.

بدانیم

ساعت خوانی عربی تا اندازه ای شبیه فارسی است. برای ساعت خوانی سه حالت وجود دارد: کامل، مانده به ...، گذشته از ...

۱. ساعت کامل: مثال: الْوَاحِدَةُ تَمَامًا / الثَّانِيَةُ تَمَامًا / ...
 ۲. ساعت کامل به اضافه نیم و ربع: مثال: الرَّابِعَةُ وَ النِّصْفُ / الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ / ...
 ۳. یک ربع مانده به ساعت کامل: مثال: السَّابِعَةُ إِلَّا رُبْعًا / الثَّامِنَةُ إِلَّا رُبْعًا / ...
- در عربی عامیانه ساعت شماری با عددهای ترتیبی گفته نمی شود؛ مثلاً «ساعت پنج» را در عربی فصیح «الْخَامِسَةُ» و در عامیانه «خمس» می گویند.^۱ ساعت را در زبان عربی فصیح بر وزن «الْفَاعِلَةُ» می گویند.

همچنین خوب است معلم بداند که «بیست دقیقه به پنج» را «الْخَامِسَةُ إِلَّا ثَلَاثًا» می گویند. هر چند «الْخَامِسَةُ إِلَّا عِشْرِينَ دَقِيقَةً» غلط نیست.

۱. عددهای یک تا بیست و یک در عربی عامیانه تقریباً به این شکل تلفظ می کنند:

وَاحِدٌ، اِثْنَيْنِ، ثَلَاثَه (اثلاثه، ثلاثه)، اَرْبَعَه، خَمْسَه، سِتّه، سَبْعَه، ثَمَانِيَه (ثمانیه، ثمانی)، تِسْعَه، عَشْرَه، إِحْدَعَش (إيدعش، دَعَش)، اِثْنَعَش (اثنعش)، ثَلَاثَعَش (تلاعش)، اَرْبَعَعَش، خَمْسَطَعَش (خمسطعش)، سِطْعَش (سطعش)، سَبْطَعَش (اسبطعش)، ثُمْنَطَعَش، تِسْطَعَش، وَاحِدٌ عِشْرِينَ

آموزش عدد معطوف از اهداف کتاب نیست؛ زیرا تجربه نشان می‌دهد یادگیری آن دشواری‌هایی دارد؛ مثال: چهار و بیست و پنج دقیقه. زیرا در زبان عربی ابتدا یکان سپس دهگان گفته می‌شود؛ مثال: الرَّابِعَةُ وَ خَمْسٌ وَ عِشْرُونَ دَقِيقَةً

تمرین‌ها

در هر سه کتاب درسی هفتم، هشتم و نهم قرائت، ترجمه و حل تمرین‌ها بر عهده دانش‌آموز است و معلم، تنها نقش راهنما دارد. همواره تمرین سخت برای دانش‌آموز تواناتر و تمرین آسان برای دانش‌آموز دیرآموز، یا کم‌توان در نظر گرفته می‌شود. ارزش‌یابی و تمرین ادامه یادگیری است. هدف این است که در خلال تمرین، آموخته‌ها ملکه ذهن شود. از دیرباز گفته‌اند: «الدَّرْسُ حَرْفٌ، وَ التَّكْرَارُ أَلْفٌ».

تمرین اول: هدف این تمرین، همچنان تقویت توانایی درک مطلب است. از دانش‌آموز می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. سپس از متن درس پاسخ مناسب را پیدا کند.

تمرین دوم: هدف، تقویت مهارت روخوانی و ترجمه است. تصویر، علاوه بر زیباسازی کتاب نقش آسان‌سازی نیز دارد. در این تمرین، آموخته‌های کتاب هفتم و هشتم بازآموزی می‌گردد.

تمرین سوم: هدف باز هم تقویت مهارت زبانی خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید بتواند به کلمه پرسشی «مَتَى» که در کتاب هشتم آموخته است پاسخ دهد. به منظور تسهیل یادگیری پاسخ‌ها در تمرین گنجانده شده است.

تمرین چهارم: هدف، تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است. دانش‌آموز باید معنای هر جمله را بداند تا بتواند در جای خالی گزینه مناسب قرار دهد. پاسخ‌ها عبارت‌اند از: مُهَذَّةٌ، إِشْرَبُ، التَّعَبُ، الْجَزَرُ، الْمَشْمِشُ.

تمرین پنجم: این تمرین، در اصطلاح، جور کردن نامیده می‌شود. تمرین به صورت مبتدا و خبر طراحی شده است.

تمرین ششم: هدف این تمرین نیز، تقویت اندوخته واژگانی دانش‌آموز است.

گَنَزُ الْحِكْمَةِ: اکنون که در درس نهم هستیم متن برگزیده در «کنز الحکمة» طولانی‌تر شده است. متن نخست به صورت غیرمستقیم دانش‌آموزان دختر را ترغیب به حجاب و عفاف می‌کند؛ زیرا در انتهای روایت شرم را نیکو و در زنان نیکوتر برشمرده است.

هماهنگی در حل تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: توضیحات زیر، مربوط به کدام واژه‌ها از متن درس است؟
پاسخ‌ها عبارت‌اند از:

لیمون، إشاراتُ المُرور، غارَةُ لَيْلِيَّةٌ یا غاراتُ لَيْلِيَّةٌ، طَارِجٌ، طَيَّارٌ، عَصِيرٌ

التَّمْرِينُ الثَّانِي: در جای خالی، رنگ مناسب بنویسید؛ سپس هر جمله را ترجمه کنید.
أخضر، أسود، أزرق، أحمر، أصفر، أبيض

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: باتوجه به تصویر پاسخ دهید.
في السَّاعَةِ السَّادِسَةِ مَسَاءً / في السَّاعَةِ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ / في السَّاعَةِ الثَّامِنَةِ لَيْلًا / في السَّاعَةِ الثَّاسِعَةِ صَبَاحًا

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

۱ كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلْمَرِيضِ حُبُوبًا «مُهْدَتَةً» لِمُعَالَجَةِ صُدَاعِهِ.

۲ «إِشْرَبْ» عَصِيرَ اللَّيْمُونِ وَ الْبُرْتُقَالِ لِصِحَّتِكَ.

۳ عِنْدَمَا نَنْظُرُ إِلَى النُّورِ الْأَحْمَرِ؛ نَشْعُرُ بِالِ «تَعَبٍ».

۴ إِنَّ «الْجَزَرَ» مُفِيدٌ لِتَقْوِيَةِ الْعُيُونِ.

۵ تَمَرٌ «الْمِشْمِشِ» فِي بَدَايَةِ الصَّيْفِ.

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: هر کلمه را به توضیح مناسب آن وصل کنید. «دو کلمه اضافه است.»

۱ النَّهَارُ مَا بَيْنَ الصَّبَاحِ وَ اللَّيْلِ؛ روز میان بامداد و شب است.

۲ الْمُتَحَفُّ مَكَانٌ لِحَفِظِ الْأَثَارِ التَّارِيخِيَّةِ؛ موزه جایی برای نگهداشتن آثار تاریخی است.

۳ التَّلْوِينُ إعطاءُ الْأَلْوَانِ لِشَيْءٍ؛ «رنگ آمیزی» رنگ بخشیدن به چیزی است.

۴ الْعَامِلُ (گزیده اضافی است).

۵ الطَّازِجُ صَفَةُ حَسَنَةِ اللَّحْلِبِ وَ الْفَاكِهَةِ؛ تازه صفت خوبی برای شیر و میوه است.

۶ الْشَّاحِنُ (گزیده اضافی است).

۷ الرَّسْمُ قُدْرَةُ عَرْضِ الْأَشْيَاءِ بِالْخُطُوطِ وَ الْأَلْوَانِ؛ نقاشی کردن توانایی نمایش چیزها با خطوط و

رنگ‌هاست.

۸ الْأَزْرَقُ لَوْنٌ يَظْهَرُ فِي السَّمَاءِ الصَّافِيَةِ؛ آبی رنگی است که در آسمان صاف ظاهر می‌شود.

التَّمَرُّنُ السَّادِسُ: کلمات مترادف و متضاد را معلوم کنید. = ، ≠

متضادها:

إِسْتَلَمَ ≠ دَفَعَ / تَعَالَی ≠ إِذْهَبَ / حَرْبٌ ≠ صَلَاحٌ / مَوْتُ ≠ حَيَاةٌ / قَلٌّ ≠ كَثْرٌ / قُبْحٌ ≠ حُسْنٌ / إعطاء ≠ أَخَذَ / أبيض ≠ أَسْوَدَ / يَنْقُصُ ≠ يَزِيدُ / رَكِبَ ≠ نَزَلَ / صَغَرُ ≠ كَبُرَ / رَسَبَ ≠ نَجَحَ

مترادفها:

سَتَرَ = كَتَمَ / وَرَعَ = تَقَوَّى / تَنَاوَلَ = أَكَلَ / أَحْسَنَ = أَفْضَلَ / بَغَتَهُ = فَجَّأَهُ / إشارات = علامات / فَرَحَ = سُورِرَ / دُكَّانٌ = مَحَلٌّ

هماهنگی در ترجمه بخش «کنز الحکمة»

۱ أَلْعَدْلُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَمْرَاءِ أَحْسَنُ، وَالسَّخَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْأَغْنِيَاءِ أَحْسَنُ، أَلْوَرَعُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْعُلَمَاءِ أَحْسَنُ، أَلْصَبْرُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الْفُقَرَاءِ أَحْسَنُ، أَلتَّوْبَةُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي الشَّبَابِ أَحْسَنُ، أَلْحَيَاءُ حَسَنٌ وَلَكِنْ فِي النِّسَاءِ أَحْسَنُ.

عدالت (دادگری) نیکو (خوب) است، ولی در فرماندهان نیکوتر است و بخشنده‌گی (سخاوت) نیکوست، ولی در ثروتمندان نیکوتر است، پارسایی نیکوست، ولی در دانشمندان نیکوتر است، صبر (شکیبایی) نیکوست، ولی در فقیران نیکوتر است، توبه نیکوست، ولی در جوانان نیکوتر است، شرم (حیا) نیکوست، ولی در زنان نیکوتر است.

۲ مَنْ كَثُرَ غَلَامُهُ كَثُرَ خَطْوُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ خَطْوُهُ قَلَّ حَيَاؤُهُ، وَ مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَرَعُهُ، وَ مَنْ قَلَّ وَرَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ، وَ مَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ.

هرکس سخنش زیاد شود، خطایش زیاد می‌شود و هرکس خطایش زیاد شود، شرمش (حیایش) کم می‌شود و هرکس شرمش کم شود، پارسایی‌اش کم می‌شود و هر کس پارسایی‌اش کم شود، دلش (قلبش) می‌میرد و هرکس قلبش بمیرد، وارد جهنم می‌شود.

توضیح اینکه ترجمه فعل‌های ماضی توسط دانش‌آموز به صورت گذشته اشکالی ندارد.

پژوهش

دانش‌آموز پایه نهم باید شیوه درست جست‌وجو در اینترنت را بلد باشد. معلّم لازم است که او را در این زمینه راهنمایی کند.

۱. در این روایت به جای «التَّوْبَةُ حَسَنَةٌ» آمده است «التَّوْبَةُ حَسَنٌ». شاید سؤال شود چرا خبر به صورت «حَسَنَةٌ» نیامده‌است؟ توجیه این است که «التَّوْبَةُ عَمَلٌ حَسَنٌ» در اینجا کلمه «عَمَلٌ» حذف شده است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

- ۱ «أَحْسَنُ» بر وزن «أَفْعُلُ» اسم تفضیل و غیرمنصرف است.
گاهی «أَحْسَنُ» به معنای «زیباتر» صفت مشبَّه می‌شود، در این صورت مؤنث آن «حَسَناء» است که باز هم غیرمنصرف است.
الجمع: أَحْسَنُ / الْمُؤنَّث: حُسْنَى و حُسْنِيَّاتٌ.
مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ مَنْ خَيْرَتِهِمْ
- ۲ «بَنَفَسَجَى»؛ یعنی «بنفش» و فارسی معرَّب است.
نام بسیاری از گل‌ها در عربی ریشه فارسی دارد؛ مثال بیشتر:
نَرَجِس، سَوْسَن، مَرَزَنْجُوش، يَاسَمَن، وَرْد، بابُونَج ...
- ۳ «تَعَبَ»؛ یعنی «خستگی» جمع آن «أَتْعَاب» و مصدر از «تَعَبَ» و مترادفش مَشَقَّة و عناء و متضادش راحة است.
- ۴ «تَعْوِضُ» در فارسی و عربی به دو معنای متفاوت است. در فارسی به معنای «عوض کردن» و در عربی «توان دادن»، «بازخرید»، «پاداش بازنشستگی» و «جبران کردن» است. جمع آن تعویضات است.
تعويض الوفاة: هو إعطاء مال التَّامِين لِأَهْلِ الْمُتَوَفَّى
معادل اصطلاح اداری «بازخرید» و «پاداش» در زبان عربی: مَا يُدْفَعُ لِلْمَوْظَفِ أَوْ الْعَامِلِ عِنْدَ انصرافه مِنَ الخِدْمَةِ لِبُلُوغِهِ سِنِّ التَّقَاعِدِ، أَوْ عِنْدَ تَرْكِهِ لِلْعَمَلِ
تعويضات حربیَّة: غرامت‌های جنگ. مَدَفُوعَات و غَرَامَات تَفَرُّضُهَا الدُّوْلُ الْمُنتَصِرَةُ عَلَى الْمُتَهَزِّمَةِ
كَغَرَامَةِ حَرَبِيَّةٍ لِاسْتِرْمَامِ الْخَسَائِرِ الَّتِي لَحِقَتْ بِهَا مِنْ جَرَاءِ الْحَرْبِ، وَ يُنشَأُ لِذَلِكَ لِجَانٍ مُّحَدَّدَةٍ.
۵ «تَنَاولَ» در کتاب درسی به معنای «خورد» و مترادف «أَكَلَ» آمده است.
ولی کاربردهای دیگری نیز در عربی دارد؛ مثال:
تَنَاولَ طَعَامَ الْغَدَاءِ: ناهار خورد.
تَنَاولَ حَاجِيَاتِهِ مِنَ التَّعَاوُنِيَّةِ: نیازهایش را از تعاونی گرفت.
تَنَاولَ جُرْعَةً مِنَ الدَّوَاءِ: جرعه‌ای از دارو نوشید.
تَنَاولَ الشَّيْءَ: آن را گرفت.
تَنَاولَهُ بِلسَانِهِ: او را دشنام داد.
- ۶ «جَزَرَ» ریشه فارسی یا گُردی دارد. اصل آن «گَزَرَ» است؛ مانند «گوز» که «جَوَز» شده «گَزَرَ» نیز «جَزَرَ» شده است.

۷ «حَلِيب» به معنای «شیر» است که در گذشته به جای آن «لَبَن» گفته می‌شد. امروزه «لَبَن» به معنای «ماست» یا «دوغ» شده، ولی در متون قدیم «لَبَن» به معنای «شیر» بوده است. در عربستان سعودی «زُبَادی» و در عراق «رَوْبَة» به معنای «ماست» است. واژه «الْبَان» در عربی معادل «لَبَنیَّات» جمع «لَبَن» است. مولوی شاعر گرانقدر ایرانی می‌فرماید:

تا نگرید ابر کی خندد چمن تا نگرید طفل کی نوشد لبن

۸ «خَطَأً» در فارسی «خَطَا» تلفظ می‌شود. مانند: سَبَأً و مُبْتَدَأً که سَبَا و مبتدا گفته می‌شود.
۹ «سَمَاوِی» به معنای آسمانی از «سَمَاء» گرفته شده است. اَزْرَقَ سَمَاوِی یعنی آبی آسمانی.
۱۰ «طَارِج» یا «طَارِج» از واژه فارسی «تازگ» گرفته شده است. واژه «تازگ» امروزه در فارسی «تازه» گفته می‌شود.

«بَرَنامگ» که در عربی نیز که به «بَرَنامَج» تبدیل شده و در فارسی امروز «برنامه» تلفظ می‌شود مانند همین واژه است. طَارِج صفت برای شیر و نان و مانند آنهاست؛ مانند: حَلِيب طَارِج، حُبْرُ طَارِج

۱۱ حرف «ف» در کلمه فیتامین گاهی به صورت سه نقطه نوشته می‌شود (فیتامین). این حرف ویژه واژگان غربی است. مثال بیشتر: کریم دوف، کریم نیثا، (دو نوع کرم) فیدو
۱۲ پوست میوه و درخت «قِشَر» و پوست انسان و حیوان «جِلْد» و پوست دست و صورت «بَشَرَة» گفته می‌شود.

۱۳ «لَیمون» معرَّب «لیمو» است. لیمون حامض: لیمو ترش و لیمون حُلُو: لیموشیرین است.
۱۴ «مُجَفَّف»؛ یعنی خشک شده و از فعل جَفَّف: خشک کرد، گرفته شده است. (جَفَّ: خشک شد) ضمناً «مُجَفَّفَات» به معنای «خشکبار» است.

۱۵ «مِشْمِش»؛ یعنی «زردآلو» و «مُشْمُش» نیز تلفظ می‌شود.
۱۶ «مُهْدِئ»؛ یعنی «آرامبخش» و از «هَدَأَ - يُهْدِئُ» گرفته شده است. کلمه «هَدِئ» به معنای «آرام» نیز از همین ریشه است.

۱۷ «یوجَد»؛ یعنی «هست، وجود دارد». «مَوْجُود» نیز به همین معناست. در گویش عامیانه عراقی «اَکُو» و «ماکو» معادل «یوجَد» و «لا یوجَد» است. در عربستان سعودی نیز «فی» و «مافی» به همین معناست که در اصل «فیه» و «مافیه» است.

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

اهداف درس

- ۱ دانستن معنای ۱۹ کلمه جدید درس از عربی به فارسی
- ۲ روان خوانی و ترجمه متن درس
- ۳ درک پیام درس
- ۴ به هنگام ضرورت استشهاد به ضرب المثل های درس.

فرایند آموزش

متن درس، داستانی واقعی درباره «شهید حاج قاسم سلیمانی» است.

هماهنگی در ترجمه متن درس

رِسَالَةُ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي

نامه شهید سلیمانی

كَتَبَ الشَّهِيدُ الْحَاجُّ قَاسِمٌ سُلَيْمَانِي رِسَالَةً لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ الَّذِي اسْتَخْدَمَهُ كَمَقَرٍّ لَهُ خِلَالَ عَمَلِيَّاتِ تَحْرِيرِ «الْبُوْكَمَالِ» فِي سُوْرِيَّةٍ. يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُّعُهُ وَالتِّزَامُهُ بِالْحَقِّ.

«شهید حاج قاسم سلیمانی» به صاحب خانه ای که منزلش را به عنوان قرارگاه خود در خلال عملیات آزادسازی «البوکمال» در سوریه به کار گرفت، نامه ای نوشت که فروتنی و پای بندی اش به حق در آن آشکار می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مِنْ قَاسِمِ سُلَيْمَانِي إِلَى الْعَائِلَةِ الْعَزِيْزَةِ وَالْمُحْتَرَمَةِ. أَلَسْلَامُ عَلَيْكُمْ.

از قاسم سلیمانی به خانواده عزیز و گرامی. سلام بر شما.

إِنْكُمْ تَعْرِفُونَنِي حَقًّا. نَحْنُ الْمُجَاهِدِينَ سَاعِدُنَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ فِي جَمِيعِ الْعَالَمِ.

بی گمان شما مرا می شناسید. ما - رزمندگان - مسلمانان اهل سنت را در همه جهان کمک کرده ایم.

نَحْنُ شِيعَةٌ وَ يُمَكِّنُ الْقَوْلَ بِأَنَّا مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ؛ لِأَنَّا نَسِيرُ عَلَى سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ، وَ نَعْمَلُ بِهَا. ما شیعه هستیم و می توان گفت که ما اهل سنتیم؛ زیرا ما بر سنت فرستاده خدا حرکت می کنیم و به آن عمل می کنیم.

وَ أَنْتُمْ شِيعَةٌ لِأَنَّكُمْ تُحِبُّونَ أَهْلَ الْبَيْتِ ﷺ.

و شما شیعه اید؛ زیرا اهل بیت را دوست می دارید.

لَقَدْ عَرَفْتُ مِنْ خِلَالِ وُجُودِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْأُخْرَى فِي بَيْتِكُمْ أَنَّكُمْ مُتَدَيِّنُونَ؛ لِهَذَا أَطْلُبُ مِنْكُمْ شَيْئِينَ.

در خلال وجود کتاب قرآن کریم و صحیح بخاری و کتاب های دیگر در خانه تان دانستم که شما دیندار هستید؛ به همین سبب از شما دو چیز می خواهم.

الْأَوَّلُ: أَرْجُو مِنْكُمْ الْمَعْذِرَةَ؛ لِأَنَّا جَعَلْنَا بَيْتَكُمْ مَقَرًّا لَنَا دُونَ إِذْنِكُمْ.

نخست اینکه از شما پوزش می خواهم؛ زیرا خانه تان را بدون اجازه شما برای خودمان قرارگاهی کردیم.

الثَّانِي: أَرْجُو مِنْكُمْ طَلَبَ الضَّرَرِ الَّذِي لِحَقِّ بَيْتِكُمْ. فَتَحَنُّ مُسْتَعِدُونَ لِدَفْعِ الثَّمَنِ.

دوم اینکه از شما می خواهم آسیبی را که به منزلتان رسیده است، طلب کنید. ما آماده پرداخت بها هستیم.

نَحْنُ صَلَّيْنَا فِي بَيْتِكُمْ، وَ صَلَّيْتُ رَكَعَتَيْنِ وَ أَهْدَيْتُ ثَوَابَهَا لَكُمْ وَ طَلَبْتُ مِنَ اللَّهِ حُسْنَ الْعَاقِبَةِ لَكُمْ.

ما در خانه شما نماز خواندیم و دو رکعت گزاردم و ثوابش (پاداشش) را به شما هدیه کردم و از خدا برایتان فرجام نیکو (حسن عاقبت) درخواست کردم.

نَحْنُ مُحْتَاجُونَ إِلَى دُعَائِكُمْ.

ما به دعایتان نیازمندیم.

رَجَاءً، أَطْلُبُوا مِنِّي ثَمَنَ الْأَضْرَارِ. فَهَذَا رَقْمٌ هَاتِفِي فِي إِيرَانَ. أَرْجُو مِنْكُمْ الْإِتِّصَالَ بِي، وَ أَنَا مُسْتَعِدٌّ لِأَيِّ شَيْءٍ تُرِيدُونَهُ.

لطفاً، از من بهای خسارت ها (ضررها) را درخواست کنید. این شماره تلفن من در ایران است. از شما خواهش می کنم با من تماس بگیرید و من آماده هر چیزی هستم که بخواهید.

رَقْمُ الْهَاتِفِ: ۰۰۹۸۹۱۳----- اِنْكُمْ، أَوْ أَخُوَكُمْ: سَلِيمَانِي.

شماره تلفن: ۰۰۹۸۹۱۳----- پسرِ شما یا برادرتان: سلیمانی

درک مطلب

- ۱ مَا الْعَمَلِيَّاتُ الَّتِي اسْتَخْدَمَ الشَّهِيدُ مَنْزِلًا مِنْ مَنَازِلِ النَّاسِ فِيهَا؟
عَمَلِيَّاتُ الْبُوكْمَال
- ۲ مِنْ أَيْنَ عَرَفَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي بِأَنَّ صَاحِبَ الْمَنْزِلِ مُتَدَيِّنٌ؟
مِنْ خِلَالِ وُجُودِ كِتَابِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ وَ صَحِيحِ الْبُخَارِيِّ وَ الْكُتُبِ الْأُخْرَى فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ.
- ۳ هَلْ كَتَبَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي رَقَمَ هَاتِفِهِ لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟
نَعَمْ؛ كَتَبَ رَقَمَ هَاتِفِهِ.
- ۴ لِمَاذَا اسْتَخْدَمَ الشَّهِيدُ سُلَيْمَانِي مَنْزِلًا فِي الْبُوكْمَالِ؟
لِمَقَرُّ لَهُ.
- ۵ مَاذَا يَظْهَرُ مِنْ خِلَالِ قِرَاءَةِ رِسَالَةِ الشَّهِيدِ سُلَيْمَانِي؟
يَظْهَرُ فِيهَا تَوَاضُعُهُ وَ التَّزَامُهُ بِالْحَقِّ.
- ۶ مَنْ كَتَبَ رِسَالَةً لِصَاحِبِ الْمَنْزِلِ؟
شَّهِيدِ قَاسِمِ سُلَيْمَانِي.

تمرین‌ها

خواندن، ترجمه و حل تمرینات در هر سه کتاب متوسطه اول بر عهده دانش آموز است و معلم راهنما و مصحح است.

تمرین اول: اوج زیبایی در این تمرین، به منصفه ظهور رسیده است. مطابق قوانین بالادستی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به درس زبان و ادبیات فارسی است. این تمرین، پیوندی هنرمندانه میان ادبیات فارسی و عربی برقرار می کند. اما همین سؤال بسیار زیبا می تواند به یک سؤال بسیار بد تبدیل شود. همکاران، با سؤالات قرابت معنایی در کنکور آشنایی دارند. سؤالاتی بسیار عجیب است که حتی کارشناسان نیز در پاسخ مورد نظر طراح محترم در می مانند.

تمرین دوم: برخی از ضرب المثل ها در دو یا چند زبان با کلمات متفاوت، به یک پیام اشاره دارند. ضرب المثل های این تمرین نیز همین گونه هستند.

هَذَا الْقَرْسُ وَ هَذَا الْمَيْدَانُ؛ این اسب و این میدان. شبیه ضرب المثل «این گوی و این میدان.»
يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْنَا؛ روزی به سود ما و روزی به زیان ما.

شبهه این شعر فردوسی شاعر حماسی ایران زمین که به ضرب‌المثل نیز تبدیل شده است.

چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین و گهی زین به پشت

تمرین سوم: هدف، تمرین تقویت ذخیرهٔ واژگانی دانش‌آموز است. او باید کلمهٔ داخل پرانتز را ترجمه کند سپس با ترجمهٔ چهار گزینهٔ ارائه شده بتواند ارتباطِ گزینه‌ها را با کلمهٔ مشخص شده معلوم کند.

تمرین چهارم: شش حدیث برگزیده شده است، تا دانش‌آموز جای خالی آنها را با کلمات مناسب ارائه شده پر کند. هرچند از دانش‌آموز ترجمهٔ عبارات خواسته نشده است، ولی در چنین تمریناتی باید حتماً ترجمه صورت بگیرد، تا مهارت واژه‌شناسی فراگیر تقویت گردد.

تمرین پنجم: هدف، یادآوری اعداد اصلی و ترتیبی است. در کتاب عددهای سیزده تا نوزده بنا به پاره‌ای ملاحظات تدریس نشده‌اند. اگر دانش‌آموزی پرسید به او این طور توضیح دهیم. که شما عددهای سه تا نه را بلد هستید، کافی است بعد از عددهای سه تا نه جزء «عَشَر» را اضافه کنید، تا عددهای سیزده تا نوزده به دست بیاید.

تمرین ششم: هدف، تقویت مهارت واژه‌شناسی است. می‌توان گفت معنای کلمات زیر را بنویسید. اما این تمرین، موجب تقویت مهارت خواندن و ترجمه می‌شود. همچنین خواندن عبارت موجب آشنایی دانش‌آموز با زبان عربی و ذوق پیدا کردن او در جمله‌سازی می‌گردد. هرچند جمله‌سازی از اهداف کتاب نیست. اما همین که دانش‌آموز توانایی فهم متن و عبارت را پیدا کند، توانایی ساختن را نیز به دست می‌آورد و این در حالی است که در راهنمای معلم تأکید شده است که از دانش‌آموزان ساختن نمی‌خواهیم.

تمرین هفتم: هدف، یادآوری مبحث عدد و جنس اسم است. این مطلب در درس اول کتاب عربی هفتم آموزش داده شده و در عربی هشتم و نهم جهت تثبیت آموخته‌ها تکرار می‌گردد.

لازم است که در همهٔ امتحانات از طرح سؤال «تشخیص عدد و جنس» در کلماتی مانند بنات، سماوات، سبعین، اخوات و إخوة که موجب خطای دانش‌آموز می‌شود، خودداری شود. دانش‌آموز با دیدن کلمهٔ بنات سردرگم می‌ماند که جمع مکسر است یا جمع مؤنث سالم. گفته می‌شود بنات مُلَحَق به جمع مؤنث سالم است. با دیدن إخوة نیز چون دارای ة است، دچار خطا می‌شود. در برگهٔ امتحانی کلمات ساده طرّاحی شود که اعتماد به نفس در دانش‌آموز ایجاد کند و البته دبیر اختیار دارد که چنین مواردی را در کلاس توضیح دهد، ولی طرح آن در امتحان موجب کم شدن نمرهٔ دانش‌آموز می‌شود. طرح سؤال باید از مواردی باشد که حالت کلی و عمومی دارد، مگر اینکه دانش‌آموزانِ مدرسه با معدّل بالا ثبت‌نام شده باشند.

تمرین هشتم: هدف، یادآوری آموخته‌های دانش‌آموز در انواع فعل (امر، نهی، مضارع و مستقبل) است.

تمرین نهم: پایان کتاب درسی، با تمرین درک مطلب انجام شده است. این یک کار نمادین و نشانگر اهمیت متن است. متن تمرین نهم، مبتلا به بسیاری از نوجوانان و جوانان است. کار و بازی با رایانه و بازی‌های رایانه‌ای معضلی برای بسیاری از دانش‌آموزان شده است. در این متن، نتیجه بد استفاده نادرست از فناوری‌های روز نمایش داده شده است. در پایان نیز به روال متون پیشین سؤال درک مطلب طراحی شده است.

ارزش‌یابی و وسایل کمک آموزشی

ارزش‌یابی و وسایل کمک آموزشی در این درس همان است که در دروس قبل نیز به آنها اشاره شده است.

هماهنگی در حل تمرینات

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: سخنان حکیمانه هماهنگ فارسی و عربی را به هم وصل کنید.

■ عَدَاوَةُ الْعَاقِلِ خَيْرٌ مِنْ صَدَاقَةِ الْجَاهِلِ؛

دشمن دانا که غم جان بود بهتر از آن دوست که نادان بود

■ الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ؛

عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.

■ أُسْتُرْ ذَهَبُكَ وَ ذَهَابُكَ وَ مَذْهَبُكَ^۱

در بیان این سه، کم جنبان لبّت از ذهاب و آرز ذهب و ز مذهب

۱. مولوی شاعر بزرگ ایران در مثنوی معنوی دفتر اول چنین می‌فرماید:

گفت هر رازی نشاید باز گفت	جفت طاق آید گهی که طاق جفت
از صفا گر دم زنی با آینه	تیره گردد زود با ما آینه
در بیان این سه کم جنبان لبّت	از ذهاب و از ذهب و ز مذهب
کین سه را خصمت بسیار و عدو	در کمینت ایستد چون داند او
وَر بگویی با یکی دو الوداع	کُل سِرّ جاوَز الائنین شاع
گر دو سه پرنده را بندی به هم	بر زمین مانند محبوس از آلم
مشورت دارند سرپوشیده خوب	در کنایت با غلط‌افکن مشوب
مشورت کردی پیمبر بسته‌سر	گفته ایشان جواب و بی‌خبر
در مثالی بسته گفתי رای را	تا ندانند خصم از سر پای را
او جواب خویش بگرفتی ازو	وز سؤالش می‌نبردی غیر بو

مفهوم عبارت: تلایت و رفتنت و مذهب را پنهان کن. (داراییات و مسافرت و عقیده‌ات را پنهان کن.)

■ مَنْ حَفَرَ بئراً لِأَخِيهِ وَقَعَ فِيهَا؛

چاه مکن بهر کسی، اوّل خودت دوم کسی.

■ الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوْءِ؛

تا توانی می‌گریز از یار بد بدتر بود از مار بد

■ مَنْ طَلَبَ شَيْئاً وَجَدَ؛

عاقبت، جوینده یابنده بود.

■ لِكُلِّ جَدِيدٍ لَذَّةٌ؛

نو که آمد به بازار، کهنه شود دل آزار.

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضرب‌المثل‌های زیر را ترجمه کنید.

۱ عَصْفُورٌ فِي الْيَدِ خَيْرٌ مِنْ عَشْرَةِ عَلَى الشَّجَرَةِ.

گنجشکی در دست بهتر از ده تا روی درخت است. شبیه به ضرب‌المثل فارسی «سیلی نقد به از حلوائی نسیه».

۲ مَا تَزْرَعُ فِي الدُّنْيَا تَخْصُدُ فِي الْآخِرَةِ.

هر چه در دنیا بکاری در آخرت درو می‌کنی. معادل «هرکسی آن درود عاقبت کار که کشت».

۳ مَنْ طَلَبَ أَخاً بِلَا عَيْبٍ بَقِيَ بِلَا أَخٍ.

هرکس دوستی (برادری) بی‌عیب جست‌وجو کند بی‌دوست (بی‌برادر) می‌ماند.

۴ هَذَا الْفَرَسُ وَهَذَا الْمَيْدَانُ.

این گوی و این میدان.

۵ يَوْمٌ لَنَا وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ.

روزی به سود ما و روزی به زیان ما.

التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: کدام گزینه از نظر معنایی با کلمه مشخص شده هماهنگ است؟

پاسخ‌ها: الْمَطَرُ، الْعُرُوسُ، الرِّيحُ، الْبَطَّارِيَّةُ، الْحَرِيقُ وَ قَرَعَ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: در جای خالی کلمه مناسبی از کلمات زیر بنویسید. «دو کلمه اضافه است.»

تَمَوْتُ، شَقَاوَةٌ، إِجْعَلْ، فَرِيضَةٌ، أَنْفَعُهُمْ، الْأُمَّهَاتُ

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: در جای خالی عدد اصلی و ترتیبی مناسب بنویسید.
ثَلَاثَةٌ، أَرْبَعَةٌ، خَمْسَةٌ، سِتَّةٌ، عَشْرَةٌ، إِثْنَا عَشَرَ / الثَّانِي، الرَّابِع، الْخَامِس، السَّابِع، الثَّانِي عَشَرَ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: هر جمله درباره چه توضیح می‌دهد؟

- ۱ جَرِيَانُ فَطَرَاتِ الدَّمْعِ مِنَ الْحُزْنِ أَوْ الْوَجَعِ. «البُكَاءُ»
- ۲ مَرَكَزُ لِلتَّعْلِيمِ الْعَالِي يَتَخَرَّجُ مِنْهُ الطُّلَابُ. «الْجَامِعَةُ»
- ۳ شَبَابٌ يَدْرُسُونَ فِي الْجَامِعَاتِ. «الطُّلَابُ»
- ۴ طَعَامٌ مَحْبُوبٌ فِي شَمَالِ إِيْرَانِ. «الرُّزُّ مَعَ السَّمَكِ»
- ۵ فَصْلٌ يَأْتِي بَعْدَ الصَّيْفِ. «الْخَرِيفُ»

التَّمْرِينُ السَّابِعُ: هر کلمه را در جای مناسب بنویسید.

مفرد مذکر: تحریر / مفرد مؤنث: نِبَاةٌ / مثنای مذکر: شُرْطِيَانِ / مثنای مؤنث: نَافِذَتَيْنِ / جمع مذکر سالم: حَدَادُونَ / جمع مؤنث سالم: سَيِّدَاتِ / جمع مکسر: أَضْرَارُ

التَّمْرِينُ الثَّامِنُ: ترجمه کنید و نوع فعل‌های مشخص شده را بنویسید.

- ۱ يَا وَلَدِي، لَا تَيَاسُ فِي حَيَاتِكَ. أَنْتَ تَقْدِرُ. أَطْلُبُ وَاجْتَهِدْ.
ای فرزندم، در زندگی‌ات ناامید نشو. تو می‌توانی. بخواه و بکوش.
- ۲ يَا بِنْتِي، إِضْحَكِي لِلْحَيَاةِ. لَا تَحْزَنِي. أَنْتِ فَائِزَةٌ. سَتَنْجَحِينَ عَدًّا.
ای دخترم، به زندگی بخند. اندوهگین نشو. تو برنده‌ای. فردا موفق خواهی شد.
- ۳ أَنْصُرُوا أَصْدِقَاءَكُمْ وَ لَا تَتْرُكُوهُمْ فِي الْمَشَاكِلِ. فَهُمْ سَوْفَ يُسَاعِدُونَكُمْ أَيْضًا.
دوستانتان را یاری کنید و آنها را در مشکلات ترک نکنید؛ زیرا آنها هم شما را یاری خواهند کرد.

التَّمْرِينُ التَّاسِعُ: با توجّه به متن زیر، جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

صحيح، غلط، غلط، غلط، غلط

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ «أَرَادَ» به معنای «خواست» است. أَرَادَ، يُرِيدُ، أَرَدَ، إِرَادَةٌ.

اسم فاعل مُرِيد و اسم مفعول مُرَاد است.

أَرَادَ با این فعل‌ها مترادف است:

شَاءَ، طَلَّبَ، طَالَبَ، سَأَلَ، ابْتَغَى، رَامَ وَ رَغِبَ فِي

در گویش عامیانه عربستان «بَغَى» به همین معنا به کار می‌رود؛ مثال:

«إِيش تَبَغَى؟» یا «وَشْ تَبَى؟» یعنی «ماذا تُرِيدُ؟»

در سوریه «شَوْ بَدَّكَ؟»

در لبنان «شَوْ بَكَ؟»

در عراق «شَتْرِيدُ؟»

در مصر «عاوِزِ إِيه؟» معادل «ماذا تُرِيدُ؟» است.

۲ «حاسوب» معادل عربی کامپیوتر است. در عربی علاوه بر کامپیوتر، کلمات کومپیوتر، گُمپیوتر

و گُمپیوتر نیز گفته می‌شود. (گفته‌اند: الْكَلِمَاتُ الْأَعْجَمِيَّةُ الْفُظُّهَا كَمَا تَشَاءُ).

۳ کلمه «الْمُجَاهِدِينَ» در این جمله «نَحْنُ الْمُجَاهِدِينَ سَاعِدُنَا الْمُسْلِمِينَ مِنْ أَهْلِ السُّنَّةِ فِي

جَمِيعِ الْعَالَمِ.» از بابِ اختصاص و منصوب است.

